



# نماز

مؤلف:

محسن قرائتی

عنوان کتاب: نماز

نام مؤلف: محسن قرائتی

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

چاپ دوم: تابستان ۱۳۸۹

حروفچینی: مهدی فیروزخانی

ناشر: به سفارش معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی (پژوهشکده قرآن و

عترت)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شمسه خوش نگار (کیمااثر)

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

## فهرست

<p>۳۱ ..... سیمای عبادت</p> <p>۳۳ ..... نمازهای مشکل‌گشا</p> <p>۳۳ ..... نماز جعفر طیار</p> <p>۳۴ ..... نماز و رهبری</p> <p>۳۵ ..... قداست نماز</p> <p>۳۵ ..... جامعیت نماز</p> <p>۳۸ ..... نیت</p> <p>۳۹ ..... نیت خالص</p> <p>۴۰ ..... قصد قربت</p> <p>۴۰ ..... درجات قرب</p> <p>۴۱ ..... خدا را برای خدا بخوانیم</p> <p>۴۲ ..... راه رسیدن به قرب</p> <p>۴۳ ..... کیفیت یا کمیت</p> <p>۴۳ ..... خاطره</p> <p>۴۴ ..... جامعیت اسلام</p> <p>۴۴ ..... نیت به کار ارزش می‌دهد</p> <p>۴۵ ..... دو خاطره</p> <p>۴۷ ..... آثار و برکات نیت</p> <p>۵۰ ..... امتیاز نیت بر عمل</p> <p>۵۱ ..... درجات نیت</p> <p>۵۲ ..... نقش نیت در مسائل کیفری</p>	<p>۵ ..... عبادت چیست؟</p> <p>۵ ..... عبادت فطری است</p> <p>۷ ..... ریشه پرستش</p> <p>۸ ..... عمق پرستش</p> <p>۹ ..... بی‌تفاوتی نسبت به عبادت</p> <p>۱۰ ..... مدار عبادت ثابت است</p> <p>۱۰ ..... روحیه عبادت</p> <p>۱۱ ..... میانه‌روی در عبادت</p> <p>۱۲ ..... مدیریت در عبادت</p> <p>عبادت داروخانه شبانه‌روزی است ..... ۱۳</p> <p>عبادت مایه آرامش دل‌ها ..... ۱۳</p> <p>عبادت و دریافت‌ها ..... ۱۴</p> <p>تأثیر متقابل ایمان و عبادت ... ۱۵</p> <p>فلسفه عبادت در قرآن ..... ۱۵</p> <p>نماز در کلام علی <small>علیه السلام</small> ..... ۱۶</p> <p>آثار و برکات عبودیت و بندگی .. ۱۸</p> <p>باز هم سیمای نماز ..... ۲۵</p> <p>رابطه نماز و قرآن ..... ۲۸</p> <p>هر عبادتی ارزش ندارد ..... ۲۹</p> <p>درجات عبادت ..... ۳۰</p>
---	---

۹۲	آداب سجده.....	معرفت و شناخت مقدمه قصد قربت
۹۲	مُهر کربلا.....	۵۲
۹۳	سجده شکر.....	۵۳ آثار نیت فاسد.....
۹۴	برکات سجده شکر.....	۵۴
۹۵	سجده‌های اولیاء خدا.....	۵۵ تکبیرة الاحرام.....
۹۵	چند نکته.....	۵۶ تکبیر در نمازهای دیگر.....
۹۶	ذکر تسبیح.....	۵۶ تکبیر در فرهنگ اسلامی.....
۹۷	جایگاه تسبیح.....	۵۹ در نماز چگونه تکبیر بگوییم؟ ..
۹۹	پاداش تسبیح.....	۵۹ معنای تکبیر.....
۹۹	تسبیح عملی.....	۶۰
۹۹	تکرار تسبیح.....	سوره حمد.....
۱۰۰	تسبیح موجودات.....	۶۱
۱۰۱	قنوت.....	۶۱
۱۰۲	قنوت نمازهای مختلف.....	۶۳
۱۰۳	قنوت معصومین <small>علیهم السلام</small> .....	۶۳
۱۰۴	تشهد و سلام.....	۶۹
۱۰۴	سیمای توحید.....	۷۴
۱۰۶	توحید ناب.....	۷۹
۱۰۷	شهادت به رسالت.....	۸۱
۱۰۸	صلوات.....	۸۶
۱۰۹	چگونگی صلوات.....	۸۶
۱۱۱	سلام.....	۸۷
۱۱۲	سیمای سلام.....	۸۸
		۸۸ رکوع اولیاء خدا.....
		۸۸
		۸۸ سجود.....
		۸۹
		۸۹ اهمّیت سجده.....
		۹۱
		۹۱ در سجده رمزهاست.....

## عبادت چیست؟

قبل از ورود به تفسیر نماز، نگاهی گذرا به عبادت و عبودیت که روح نماز و همه تکالیف عبادی است داریم تا جایگاه رفیع آن را در زندگی خود بهتر دریابیم.

عبادت هدف آفرینش ماست. قرآن می‌فرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۱</sup>

کارهایی را که ما انجام می‌دهیم اگر برای رضای خدا باشد عبادت است، گرچه مانند کسب و کار، تحصیل علم، ازدواج و یا خدمت به مردم، برای رفع نیازهای خود یا جامعه باشد.

آنچه یک امر را عبادت می‌کند آن است که به انگیزه‌ای مقدس انجام شود که به تعبیر قرآن رنگ خدایی (صبغة الله) داشته باشد.

## عبادت فطری است

بعضی کارهای ما بر اساس عادت است و برخی بر پایه فطرت. آنچه عادت است هم می‌تواند با ارزش باشد مثل عادت به کارهای خوب و هم می‌تواند بی‌ارزش باشد مانند عادت به سیگار. اما اگر امری فطری شد یعنی بر اساس فطرت و سرشت پاک‌ی که خداوند در نهاد هر بشری قرار داده است انجام شد همواره با ارزش است.

امتیاز فطرت بر عادت آنست که زمان و مکان، جنس و نژاد و سنّ و

سال در آن تأثیری ندارد و هر انسانی از آن جهت که انسان است آن را دارا می‌باشد، مانند علاقه به فرزند که اختصاص به منطقه و نژاد خاصی ندارد و هر انسانی فرزندش را دوست می‌دارد. اما مسائلی مانند شکل و فرم لباس یا غذا از باب عادت است و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، متفاوت است. در بعضی مناطق، چیزی مرسوم است که در جاهای دیگر رسم نیست.

عبادت و پرستش نیز یکی از امور فطری است و لذا قدیمی‌ترین، زیباترین و محکم‌ترین آثار ساختمانی بشر، مربوط به معبدها، بتکده‌ها و آتشکده‌هاست.

البته در شکل و نوع پرستش‌ها تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود. یکی تفاوت در معبودها که از پرستش سنگ و چوب و بت‌ها گرفته تا خدای عزیز، و یکی در شکل و شیوهٔ عبادت که از رقص و پایکوبی گرفته تا عمیق‌ترین و لطیف‌ترین مناجات‌های اولیاء خدا تغییر می‌کند.

هدف انبیا نیز ایجاد روح پرستش در انسان نبوده است بلکه اصلاح پرستش در مورد شخص معبود و شکل عبادت است.

هنرها و هزینه‌های سنگینی که در ساختمان کلیساها، کنیسه‌ها، معابد هندوها و مساجد مصرف می‌شود، مقدس شمردن پرچم، وطن و قهرمانان ملی، عشق ورزیدن به کمالات و ارزش‌ها، ستایش و جانفشانی افراد و یا حتی اشیاء، همه و همه جلوه‌هایی از روح پرستش در وجود آدمی است.

آنها هم که خدا را پرستش نمی‌کنند یا مال و مقام یا همسر و فرزند، یا مدرک و مکتب و راه و روش خود را می‌پرستند و در راه آن تا مرز جانفشانی و دلباختگی پیش می‌روند و هستی خود را فدای معبودشان می‌سازند. پرستش در انسان یک ریشهٔ عمیق فطری دارد گرچه انسان خود از آن غافل باشد.

خداوند حکیم هر میل و غریزه‌ای را در انسان قرار داده وسیلهٔ

ارضاء و تأمین آن را نیز در خارج ایجاد کرده است. اگر تشنگی در انسان پیدا می‌شود آب آفریده و اگر گرسنگی است غذا خلق کرده است. اگر غریزه جنسی در انسان قرار داده برای او همسر خلق کرده و اگر قوه شامه آفرید بوئیدنی‌ها را نیز آفرید. یکی از احساسات عمیق انسان، میل به بی‌نهایت است، عشق به کمال است. علاقه به بقاء است که رابطه با خداوند و پرستش او، تأمین کننده این تمایلات فطری است. نماز و عبادت، رابطه انسان با سرچشمه کمالات، انس با محبوب واقعی و پناهندگی به قدرت بی‌نهایت است.

### ریشه پرستش

کیست که خداوند را با اوصاف و کمالات بی‌پایانش بشناسد اما سر تسلیم و خضوع فرو نیآورد؟ قرآن از طریق داستان‌ها و تاریخ‌ها، نشانه‌هایی از قدرت و عظمت او را برای ما بیان می‌دارد. مثلاً می‌فرماید: خداوند به مریم بی‌همسر فرزند داد، رود نیل را برای موسی شکافت و فرعون را در آن غرق کرد، انبیا را با دست خالی برابر قدرت‌های زمان خود پیروز کرد و دماغ طاغوت‌ها را به خاک مالید. اوست که شما را خاک بی‌جان آفرید و مرگ و حیات و عزت و ذلت شما به دست اوست. کیست که ضعف و ناتوانی و جهل و محدودیت خود و خطرات و حوادث پیش‌بینی شده و نشده را درک کند و احساس نیاز به قدرت نجات دهنده‌ای نکند و سر تسلیم خم نکند؟ قرآن در لابلای نقل مسائل، ضعف انسان را به او گوشزد می‌کند و می‌گوید:

تو هنگام تولد هیچ نمی‌دانستی و هیچ آگاهی نداشتی، یکپارچه ضعف بودی؛ چنانکه پس از قدرت هم باز رو به ضعف می‌روی.

تو هر لحظه مورد تهدید انواع خطرات هستی.

اگر حرکت زمین کند شود و شب یا روز ثابت بماند کیست که حرکت

آن را تند کند و تغییر دهد؟

اگر آب‌ها به عمق زمین فرو رود کیست که برای شما آب گوارا  
بیاورد؟<sup>۱</sup>

اگر بخواهیم آب آشامیدنی شما را تلخ و شور قرار می‌دهیم.<sup>۲</sup>

اگر بخواهیم درختان را برای همیشه خشک می‌گردانیم.<sup>۳</sup>

اگر بخواهیم دائماً زمین را لرزان و متزلزل قرار می‌دهیم.<sup>۴</sup>

اینها و ده‌ها نمونه دیگر را قرآن ذکر می‌کند تا انسان را از غفلت به  
در آورد و غرورش را بشکند تا او را به عبادت و تذلل در برابر آفریدگار وا  
دارد.

### عمق پرستش

پرستش عملی است که ما ظاهر آن را یک نوع خضوع می‌بینیم اما  
عمق زیادی دارد.

پرستش برخاسته از جان است، برخاسته از معرفت است، برخاسته  
از توجه است، برخاسته از تقدس است، برخاسته از ستایش است،  
برخاسته از نیایش است، برخاسته از التجاء و استعانت است، برخاسته  
از عشق به کمالات معبود است.

آری پرستش صحیح عملی است در ظاهر ساده ولی تا مسائل فوق  
نباشد آن پرستش از انسان سر نمی‌زند. پرستش یعنی دل‌کندن از  
مادیات و پرواز دادن روح، یعنی پا را فراتر از دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها  
نهادن. پرستش تأمین‌کننده عشق انسان‌هاست که گاهی با ثناء و  
ستایش و زمانی با تسبیح و تقدیس و پاره‌ای اوقات با شکر و اظهار  
تسلیم، ادب خود را نسبت به پروردگار اظهار می‌دارد.

۲- سوره واقعه آیه ۷۰.

۴- سوره سبأ آیه ۹.

۱- سوره ملک آیه ۳۰.

۳- سوره واقعه آیه ۶۵.



### بی تفاوتی نسبت به عبادت

حضرت علی علیه السلام در نامه ۴۵، نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۹۷۴، می فرماید: غافل بودن و انس با خدا نداشتن و تمام هدف را پر کردن شکم و در گوشه‌ای خوابیدن، قرار دادن در ردیف حیوانات است آنگاه می فرماید:

چشم‌ت روشن اگر با گذشت این همه سال از عمرت (و با داشتن این همه استعداد و قابلیت و باز بودن راه و امکانات و عقل و علم و وحی) باز هم مثل حیوانی در چراگاهی گامی نهی و خوابی کنی.<sup>۱</sup>

آری تمدن و تکنولوژی و پیدایش و پیشرفت ابزار جدید، زندگی را راحت‌تر کرده و رفاه و آسایش را به ارمغان آورده است، ولی مگر کمال انسان در کسب همین رفاه مادی است؟

اگر چنین باشد حیوانات که در خوراک و پوشاک و مسکن و ارضاء شهوت از انسان جلوترند! در خوراک بهتر و بیشتر و راحت‌تر می‌خورند و نیازی به پختن و آماده کردن ندارند.

در پوشاک، دوختن و شستن و اطو کردن و تغییر و تنوع ندارند.

و در شهوت بدون گرفتاری و مشکلی، خود را ارضاء می‌کنند.

و در تأمین مسکن چه بسا پرندگان و حشراتی که تکنیک آنها در ساخت لانه و آشیانه، انسان را به تعجب وا می‌دارد.

اصولاً آیا این پیشرفتِ تکنولوژی موجب رشد انسانیت هم شده است؟

آیا فسادهای فردی و اجتماعی هم کم شده است؟

آیا این آسایش، آرامش هم آورده است؟

بهرحال همانگونه که اگر دست انسان را در دست رهبران معصوم و عادل نگذاریم به انسانیت ظلم شده است. اگر دل انسان هم با خدا گره

۱- قَرَّتْ إِذَا عَيْتُهُ إِذَا افْتَدَى بَعْدَ السَّنِينَ الْمُتَطَوَّلَةِ بِالْبَهِيمَةِ الْهَامِلَةِ وَالسَّائِمَةِ الْمَرْعِيَّةِ.

نخورد به مقام انسانیت توهین شده است.

### مدار عبادت ثابت است

عبادات با همه شکل‌ها و صورت‌های مختلفشان بر مدار ثابتی قرار دارند که آن رضای خداوند است، گرچه شرایط زمانی و مکانی، فردی و اجتماعی نوع حرکت در این مدار را عوض می‌کنند. مثلاً مسافرت نماز را دو رکعتی می‌کند و بیماری شکل نماز را تغییر می‌دهد، اما همه اینها نماز است و بر مدار یاد خدا و رضای او انجام فرمان او قرار دارد «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»<sup>۱</sup>

### روحیه عبادت

عبادت غذای روح است و همانطور که بهترین غذا آن است که جذب بدن شود، بهترین عبادت آن است که جذب روح شود یعنی با نشاط و حضور قلب انجام گیرد.

غذای زیاد خوردن کارساز نیست، غذای مفید خوردن مهم است لذا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جابر ابن عبدالله انصاری فرمود:

«إِنَّ هَذَا الدِّينَ لَمَتِينٌ فَأَوْعِلْ فِيهِ بِرِفْقٍ وَلَا تُبَعْضُ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ اللَّهِ»<sup>۲</sup>

همانا دین استوار است پس نسبت به آن مدارا کن (و زمانی که آمادگی روحی نداری عبادت را بر خود تحمیل نکن) که عبادت در نزد تو مبعوض می‌شود.

در حدیث دیگری از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم:

«أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ وَ عَاتَقَهَا»<sup>۳</sup>

خوشا به حال کسی که به عبادت عشق ورزد و آن را همچون محبوبی در برگیرد.

۲- بحار ج ۷۱ ص ۲۱۸.

۱- سوره طه آیه ۱۴.

۳- بحار ج ۷۰ ص ۲۵۳.

## میان‌روی در عبادت

هنگامی روحیهٔ عبادت در انسان زنده می‌ماند که انسان در انجام آن میان‌رو باشد، لذا در کتب حدیث روایاتی با عنوان: باب الاقتصاد فی العبادة، نقل شده است.

همانگونه که انسان وقتی سالم است که میان اندامش تناسب باشد و اگر عضوی بزرگتر یا کوچکتر از حد معمولش باشد ناقص الخلقه است، در امور معنوی نیز انسان باید ارزش‌ها را به طور هماهنگ در خود پرورش دهد. به پیامبر ﷺ خبر دادند که گروهی از امت تو به خاطر عبادت، همسر و فرزند را رها کرده و به مسجد آمده‌اند. پیامبر فریاد برآورد که این راه و روش من نیست. من خودم با همسرم زندگی می‌کنم و در منزل ساکنم، هرکس غیر از این عمل کند از من نیست.

امام صادق علیه السلام داستان مسلمانی را نقل می‌کند که یک همسایهٔ مسیحی داشت که مسلمان شد. همسایهٔ مسلمان هنگام سحر او را بیدار کرد و به مسجد آورد و به او گفت: نماز شب بخوان تا صبح شود. هنگام صبح گفت نماز صبح و پس از آن تا طلوع آفتاب دعا بخوان. سپس تا وقت نماز ظهر قرآن و نماز بخوان و بدینگونه یک شبانه‌روز او را با نماز و قرآن و دعا پر کرد.

مسیحی که به خانه بازگشت خسته شد و دست از اسلام برداشت و دیگر پای به مسجد نگذاشت. آری اینگونه افراط و زیاده‌روی در عبادت، مردم را فراری می‌دهد.

استاد شهید مرتضی مطهری نقل می‌کند که عمروعاص دو پسر داشت یکی طرفدار حضرت علی علیه السلام و دیگری طرفدار معاویه. روزی پیامبر ﷺ به فرزند خوب عمروعاص (عبدالله) فرمود: شنیده‌ام که تو شب‌ها را به عبادت و روزها را به روزه می‌گذرانی. گفت بله یا رسول الله، پیامبر ﷺ فرمود: من این راه را قبول ندارم.

در روایات می‌خوانیم که:

«إِنَّ لِقُلُوبِ إِبْرَاهِيمَ وَإِدْبَاراً»<sup>۱</sup>

روح مردم گرایش و فرار دارد هرگاه رو می‌کند و گرایش دارد بهره‌گیری کنید و هرگاه آمادگی ندارد به او فشار نیاورید که ناخودآگاه عکس‌العمل منفی نشان می‌دهد.

در سفارشات اسلامی آمده که اوقات خود را چهار قسمت کنید و سهمی را برای تفریح و لذت بگذارید که اگر اینگونه عمل کردید برای کارهای دیگر نشاط خواهید داشت.

قرآن کریم به یهودیانی که در روز استراحت و تعطیل به سراغ ماهیگیری و کار می‌رفتند عنوان متجاوز می‌دهد:

«وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ»<sup>۲</sup>

ما از متجاوزین روز شنبه (که حریصانه به سراغ کار رفتند) آگاهیم. به هر حال حفظ نشاط و روحیه در عبادت یک اصل است که با میانه‌روی حاصل می‌شود.

### مدیریت در عبادت

مدیریت تنها در مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیست. بلکه امور عبادی نیز نیاز به برنامه‌ریزی و مدیریت و هماهنگی دارد. در مدیریت اصولی مطرح است:

برنامه‌ریزی و طرح کار، گزینش نیروی کارآمد، انضباط و نظارت، تشویق و کنترل و امثال اینها.

در عبادت نیز باید این اصول رعایت شود تا موجب رشد و کمال شود.

نگاهی به نماز کنید می‌بینید یک طرح معین دارد با تکبیر آغاز می‌شود و با سلام تمام. تعداد رکعات و رکوع و سجودش مشخص است.

۲-سوره بقره آیه ۶۰

۱-بحار ج ۷۸ ص ۳۵۷

اوقات انجام آن مخصوص است و جهت آن رو به قبله است. اما طرح تنها کافی نیست اقامه و اجرای آن نیاز به گزینش امام جماعتی جامع و جامعه‌نگر دارد. باید مردم را از طریق آداب و اخلاق و نظافت و نشاط به نماز و مسجد ترغیب و تشویق کرد. باید نظم و هماهنگی در صفوف جماعت و تبعیت از امام جماعت در آن مراعات شود و بهر حال مدیریتی کامل را می‌طلبد تا به بهترین نحو پیاده شود.

### عبادت داروخانه شبانه‌روزی است

هرکس در هر لحظه و در هر شرایطی بدون هیچ وقت قبلی و واسطه‌ای می‌تواند با هر زبانی که دارد با او ارتباط برقرار کند. هر چند اوقاتی مخصوص از قبیل هنگام سحر، غروب جمعه یا پس از خطبه‌های نماز جمعه، هنگام نزول باران و یا شب قدر، دعا و عبادت حال دیگری دارد اما بهر حال عبادت اختصاصی به این اوقات ندارد. عبادت در هر حال داروی غفلت و نسیان و عصیان است.<sup>۱</sup> داروی آرامش و اطمینان خاطر و زدودن اضطراب‌ها و دل‌نگرانی‌هاست.<sup>۲</sup>

### عبادت مایه آرامش دل‌ها

عبادت و اطاعت خدا برای اولیاء خدا چنان حالتی به وجود می‌آورد که در هیچ شرایطی دچار اضطراب نمی‌گردند. در اینجا مناسب است دو خاطره از رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی نقل کنم: به دنبال فرار شاه از ایران، امام تصمیم گرفت بعد از پانزده سال تبعید به کشورش بازگردد. خبرنگار در هواپیما از ایشان سؤال می‌کند اکنون چه احساسی دارید؟ می‌فرماید: هیچ! در حالی که در آن زمان

۱- اقم الصلوة لذکری، سوره طه، آیه ۱۴.

۲- ألا بذکر الله تطمئن القلوب، سوره رعد، آیه ۲۸.

میلیون‌ها ایرانی عاشق، نگران جان امام بودند، امام با آرامش خاطر در هواپیما مشغول نماز شب و ذکر خدا بودند. این آرامش تنها به خاطر یاد اوست. خاطره‌دیگر که از فرزند امام، مرحوم حاج سید احمد آقا شنیدم آنست که روز فرار شاه از ایران، ده‌ها خبرنگار و دوربین تلویزیونی از سراسر دنیا در منزل امام در پاریس اجتماع کرده بودند تا سخنان امام را به دنیا مخابره کنند. امام روی صندلی ایستاد چند کلمه‌ای سخن گفت، سپس رو به من کرد و پرسید: احمد آیا ظهر شده است؟ گفتم: بله، امام بدون معطلی سخن خود را قطع کرد و برای نماز اول وقت از صندلی پایین آمد. همه گیج شدند که چه خبر شده است، گفتم امام نمازش را اول وقت می‌خواند.

آنچه امام در پاریس انجام داد درسی بود که از پیشوایش امام رضا علیه السلام آموخته بود؛ چنانکه در تاریخ آمده، رهبر گروه صابئین دانشمندی مغرور و متعصب بود هر بار که با امام رضا علیه السلام به گفتگو می‌نشست زیر بار نمی‌رفت تا آنکه در جلسه‌ای چنان تار و پود افکارش در هم ریخت که گفت: اکنون روحم نرم شد و منطق شما را پذیرفتم. در این هنگام صدای اذان بلند شد امام رضا علیه السلام به قصد نماز جلسه را ترک کردند، دوستان امام هر چه اصرار کردند که اگر لحظاتی جلسه را ادامه دهید او و تمام پیروانش مسلمان می‌شوند، فرمود نماز اول وقت مهم‌تر از بحث است. او اگر لایق باشد بعد از نماز هم می‌تواند حق را بپذیرد. دانشمند صابئی که این صلابت و قاطعیت و تعبد و عشق به حق را در امام دید بیشتر علاقمند شد.

### عبادت و دریافت‌ها

عبادت وسیله دریافت امدادها و الطاف الهی است.

«وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»<sup>۱</sup>

آن قدر عبادت کن تا به درجهٔ یقین برسی.

حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ برای دریافت کتاب آسمانی تورات چهل شبانه‌روز در کوه طور به عبادت و مناجات پرداخت و پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای دریافت وحی مدت‌های طولانی را در غار حرا به عبادت مشغول بود. در روایات آمده است:

«مَنْ أَحْلَصَ الْعِبَادَةَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنْابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَىٰ

لِسَانِهِ»<sup>۲</sup>

هرکس چهل شبانه‌روز تمام کارهایش رنگ عبادت و خلوص داشته باشد خداوند چشمه‌های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می‌سازد.

### تأثیر متقابل ایمان و عبادت

چنانکه ایمان، انسان را به عبادت می‌کشاند، عبادت نیز در عمق بخشیدن به ایمان مؤثر است. هر چه عبادت بهتر و بیشتر شود انس انسان به معبود بیشتر می‌شود.

### فلسفه عبادت در قرآن

قرآن فلسفهٔ نماز را یاد خدا می‌داند: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»<sup>۳</sup>

و ذکر خدا را مایهٔ آرامش دل‌ها: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۴</sup>

و نتیجهٔ آرامش دل را پرواز به ملکوت: «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ»<sup>۵</sup>

قرآن در مواردی دیگر، دلیل عبادت را تشکر از خداوند می‌داند:

«أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ»<sup>۶</sup>

۲- بحار ج ۵۳ ص ۳۲۶.

۴- سوره رعد آیه ۲۸.

۶- سوره نساء آیه ۱.

۱- سوره حجر آیه ۹۹.

۳- سوره طه آیه ۱۴.

۵- سوره فجر آیه ۲۸.

پرستش کنید پروردگارتان را که شما را آفرید.

«فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»<sup>۱</sup>

پس پروردگار این خانه (کعبه) را پرستش کنند که آنان را از گرسنگی و ناامنی نجات داد.

در بعضی آیات به نقش تربیتی نماز اشاره شده است:

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>۲</sup>

همانا نماز انسان را از زشتی‌ها و منکرات باز می‌دارد.

زیرا نمازگزار ناچار است که به خاطر صحت نماز و یا قبول شدن آن یک سری دستورات دینی را مراعات کند که رعایت آنها خود زمینه‌ای قوی برای دوری از گناه و زشتی است.

قرآن به دنبال سفارش به نماز می‌فرماید:

«إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»<sup>۳</sup>

همانا کارهای شایسته (مانند نماز) گناهان را از بین می‌برند.

پس نماز یک توبه عملی از گناهان گذشته است و خداوند با این آیه به گنهکار امید می‌دهد که اگر به کارهای شایسته همچون نماز و عبادت روی بیاورد بدی‌هایش محو می‌شود.

### نماز در کلام علی علیه السلام

علی علیه السلام بارها در نهج‌البلاغه از نماز و یاد خدا سخن به میان آورده است. ما در اینجا تنها جملاتی را در مورد فلسفه ذکر و یاد خدا که مهمترین مصداقش نماز است از آن حضرت نقل می‌کنیم.

ایشان می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذُّكْرَ جَلَاءً لِقُلُوبٍ

تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ»<sup>۴</sup>

خداوند ذکر و یادش را صیقل روح‌ها قرار داد که گوش‌های

۲- سوره عنکبوت آیه ۴۵.

۱- سوره قیش آیه ۲.

۴- نهج‌البلاغه فیض الاسلام، ص ۷۰۳.

۳- سوره هود آیه ۱۱۴.



سنگین با یاد خدا شنوا و چشم‌های بسته با یاد او بینا شود. به هر حال نماز به انسان بصیرت و دید می‌دهد چنانکه تقوا نیز بصیرت می‌دهد.

آنگاه حضرت در مورد برکات نماز می‌فرماید:

«قَدْ حَقَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ فُتِحَتْ لَهُمُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ أُعِدَّتْ لَهُمُ مَقَاعِدُ الْكُرَامَاتِ»<sup>۱</sup>

فرشتگان آنان را در بر می‌گیرند و آرامش بر آنان نازل می‌شود، درهای آسمان بر آنان گشوده و جایگاه خوبی برایشان آماده می‌شود و در خطبه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَ أَنَّهَا لَتَحْتُ الذُّنُوبَ حَتَّ الْوَرَقِ وَ تُطَلِّقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبِيِّ»<sup>۲</sup>

نماز گناهان را مثل برگ درختان می‌ریزد و گردن انسان را از ریسمان گناه آزاد می‌کند. آنگاه در ادامه، تشبیهی جالب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید که: نماز همچون جوی آب گرمی است که انسان روزی پنج مرتبه خود را در آن شستشو دهد، آیا دیگر آلودگی باقی می‌ماند؟

در خطبه ۲۳۴ (ترجمه فیض الاسلام) گوشه‌هایی از مفاسد اخلاقی همچون کبر و سرکشی و ظلم را می‌شمرد و سپس می‌فرماید: درمان این مفاسد نماز و روزه و زکات است. آنگاه در مورد آثار نماز می‌فرماید: «تَسْكِينًا لِأَطْرَافِهِمْ، تَخْشِيعًا لِأَبْصَارِهِمْ، تَذَلِيلًا لِنُفُوسِهِمْ، تَخْفِيزًا لِقُلُوبِهِمْ، إِذْهَابًا لِلْخِيَلِ عَنْهُمْ»

نماز به همه وجود انسان آرامش می‌بخشد، چشم‌ها را خاشع و خاضع می‌گرداند، نفس سرکش را رام و دل‌ها را نرم و تکبر و بزرگ‌منشی را محو می‌کند.

«إِنَّ أَوْحَشَتَهُمُ الْعُرْبَةَ أَنْسَهُمْ ذِكْرُكَ»

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام خطبه ۲۱۳، ص ۷۰۵.

۲- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۹، ص ۶۴۴.

به هنگام وحشت و اضطراب و تنهایی، یاد تو موجب انس و الفت آنها می‌شود.<sup>۱</sup>

اما روشن است که همه مردم چنین بهره‌هایی را از نماز ندارند بلکه تنها گروهی هستند که شیفته نماز و یاد خدا هستند و آن را با تمام دنیا عوض نمی‌کنند.

## آثار و برکات عبودیت و بندگی

### ۱- احساس غرور و افتخار

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات خود می‌گوید:

«إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا»<sup>۲</sup>

همین افتخار مرا بس که بنده تو باشم.

چه افتخاری از این بالاتر که انسان با خالق خود سخن بگوید و او کلام انسان را بشنود و بپذیرد.

در این دنیای ناچیز اگر مخاطب انسان شخصی بزرگ و دانشمند باشد انسان به وجود او افتخار و از مصاحبت با او احساس غرور می‌کند و از اینکه زمانی شاگرد فلان استاد و علامه بوده است بر خود می‌بالد.

### ۲- احساس قدرت

همین که کودک دستش در دست پدری قوی و مهربان بود احساس قدرت می‌کند اما اگر تنها شد هر لحظه ترس و دلهره دارد که دیگران او را آزار دهند.

انسانی که متصل به خدا باشد در برابر ابر قدرت‌ها و طاغوت‌ها و مستکبرین احساس قدرت می‌کند.

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۲۱۸، ص ۷۲۰.

۲- بحار ج ۷۷ ص ۴۰۲.

## ۳- احساس عزت

عزت به معنی نفوذناپذیری است در مکتب انبیاء تمام عزت‌ها از آن خداست چنانکه همه قدرت‌ها از اوست لذا قرآن از کسانی که به سراغ غیر خدا می‌روند انتقاد می‌کند که آیا از غیر خدا عزت می‌خواهید؟

أَيَّتُّغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ<sup>۱</sup>

طبیعی است که اتصال به عزیز مطلق و قدرت بی‌نهایت به انسان عزت می‌دهد چنانکه کلماتی همچون الله اکبر طاغوت‌ها را در نزد انسان حقیر و او را در برابر آنها عزیز می‌کند.

لذا قرآن به ما دستور می‌دهد که در سختی‌ها و مشکلات از نماز و عبادت کسب قدرت و قوت کنید:

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»<sup>۲</sup>

از صبر و نماز در برخورد با مشکلات نیرو بگیرید.

اولیاء خدا نیز در مقاطع حساس، خود را با نماز تقویت می‌کردند. عصر روز نهم محرم در کربلا، لشگر یزید به خیمه‌گاه امام حسین علیه السلام حمله کرد. امام فرمودند یک شب جنگ را به تأخیر بیندازید که من نماز را دوست دارم و می‌خواهم امشب را تا به صبح به عبادت بپردازم.

بندگان صالح خدا نه فقط نمازهای واجب که نمازهای مستحب را دوست می‌دارند. زیرا نماز نافله نشانه عشق به نماز است نماز واجب را چه بسا انسان از ترس قهر خدا بخواند ولی در نماز مستحب ترس مطرح نیست عشق مطرح است.

آری هرکس که کسی را دوست دارد میل دارد بیشتر با او حرف بزند و دل از او نمی‌کند. چگونه ممکن است انسان ادعا کند خدا را دوست دارد ولی حال حرف زدن با او را ندارد!

البته این بی‌رغبتی به نماز و نافله بی‌دلیل نیست بلکه طبق روایات،

۱- سوره نساء آیه ۱۳۹.

۲- سوره بقره آیه ۴۵.

گناه در روز توفیق نماز شب و نافلهٔ سحر را می‌گیرد.  
به هر حال آنکه نافله نمی‌خواند فضلی ندارد که انتظار تفضل از خداوند را داشته باشد.

البته نمازهای نافله نقص‌های نماز واجب را نیز جبران می‌کند. شخصی از امام معصوم پرسید من در نماز حضور قلب ندارم و از برکات نماز بی‌بهره‌ام چه کنم؟ حضرت فرمودند: به دنبال نمازهای واجب نماز نافله بخوان که کاستی‌های آن را جبران می‌کند و سبب قبولی نماز واجب می‌گردد.

به خاطر همین آثار و برکات است که اولیاء خدا نه تنها به نمازهای واجب بلکه به نمازهای مستحب توجه زیادی داشتند و از آنچه مانع و مزاحم این سیر معنوی و پرواز روحی می‌گشت دوری می‌کردند، مانند پرخوری، پر حرفی، پر خوابی، لقمهٔ حرام، لهو و لعب و سرگرم شدن به دنیا؛ که انسان را از حال عبادت می‌اندازد و نماز را بر او سنگین می‌کند. چنانکه قرآن می‌فرماید:

«وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»<sup>۱</sup>

همانا نماز سنگین است مگر برای خاشعان.

#### ۴- نماز بزرگترین عامل تربیت

گرچه نماز یک ارتباط روحی و معنوی است و هدف از آن یاد خداست؛ اما اسلام خواسته این روح را در قالب یک سلسله برنامه‌های تربیتی پیاده کند و لذا شرائط زیادی را برای آن قرار داده است، شرایط صحیح بودن نماز، شرایط قبولی و شرایط کمال.

### صِحّت نماز

مثلاً پاک بودن بدن و لباس، رو به قبله بودن، درست خواندن کلمات، مباح بودن مکان و لباس نمازگزار که از شرایط صحت نماز است؛ مربوط به جسم نمازگزار است نه روح نمازگزار که در حال عبادت است؛ اما اسلام عبادت را در این لباس قرار داده تا به مسلمین درس نظافت و پاکیزگی، استقلال، و مراعات حقوق دیگران را بدهد.

### شرایط قبولی نماز

چنانکه توجه و حضور قلب، پذیرفتن رهبری امامان معصوم و ادای واجبات مالی چون خمس و زکات شرط قبولی آنست.

### شرایط کمال نماز

انجام آن در اوّل وقت، در مسجد، به جماعت، با لباس تمیز و عطر زده و مسواک زده و رعایت نظم صفوف و امثال آن از شرائط کمال نماز است. دقت در این شرائط سه گانه به خوبی می‌رساند که هر یک از آنها نقش مؤثّری در تربیت انسان‌ها دارد.

مثلاً در نماز به هر سو که بایستیم رو به خداست زیرا قرآن می‌فرماید: «فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» اما به خاطر آنکه بفهماند جامعه اسلامی باید یک جهت داشته باشد و درس وحدت و همبستگی بدهد دستور می‌دهد همه باید به یک جهت بایستند. اما چرا آن جهت رو به کعبه باشد؟

زیرا کعبه اولین نقطه‌ای است که برای عبادت مردم وضع شده است.

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا»<sup>۲</sup>

و از طرفی بنیانگذار و تعمیرکنندگان آن در طول تاریخ انبیاء

بوده‌اند. پس رو به کعبه ایستادن یک نوع اتصال به تاریخ و همبستگی مکتبی در طول زمان است.

از سوی دیگر قبله و کعبه رمز استقلال است؛ زیرا تا وقتی مسلمین رو به بیت‌المقدس قبلهٔ یهود و نصاری نماز می‌خواندند آنها منت می‌نهادند و می‌گفتند رو به قبلهٔ ما ایستاده‌اید پس از خود استقلالی ندارید.

قرآن این مطلب را با صراحت کامل بیان می‌دارد که:

«لِيَأْتِيَ النَّاسُ عَلَىٰ كُمِ حُجَّةً»<sup>۱</sup>

ما قبله شما را کعبه قرار دادیم تا مردم بر شما منتی و حجتی نداشته باشند.

خلاصه آنکه قبله رمز استقلال، وحدت و همبستگی است و اینها هم درس‌های تربیتی نماز است.

## ۵- احضار روح

روح فراری خود را از طریق نماز نزد خالق احضار کنیم و این شاگرد فراری را سر کلاس حاضر نمائیم. یکی از برکات نماز احضار نفس سرکش و فراری در محضر خداوند است.

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات الشاکین از نفس خود به درگاه خداوند ناله می‌کند و می‌گوید: خداوندا من از نفسی به تو گلایه دارم که میل به هوس‌ها دارد و از حق فراری است.

این نفس است که گناه را در نزد انسان شیرین و آسان جلوه می‌دهد و اینگونه توجیه می‌کند که بعداً توبه می‌کنی و یا دیگران نیز این کارها را کرده‌اند.

بهترین راه کنترل این نفس سرکش آنست که انسان روزی چند

۱- سوره بقره آیه ۱۵۰.

مرتبه آن را در نزد خداوند احضار و غفلت‌زدائی کند تا از غرق شدن در منجلات مادیات نجاتش دهد.

### ۶- ولایت بر هستی!

از برکات نماز و عبادت آن است که انسان به تدریج و گام به گام بر هستی تسلط پیدا می‌کند.

**گام اول:** قرآن می‌فرماید: تقوی برای انسان نورانیت و بصیرت می‌آورد یعنی به انسان دیدی می‌دهد که حق را از باطل تشخیص دهد: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»<sup>۱</sup> و در جای دیگر می‌فرماید: «يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا»<sup>۲</sup> پس تقوی که در رأس آن بندگی خدا و نماز است گامی به سوی نورانی شدن و بصیرت پیدا کردن است.

**گام دوم:** کسانی که هدایت الهی را پذیرفتند و در مدار حق قرار گرفتند خداوند هدایت آنها را زیادتر می‌کند: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى»<sup>۳</sup>

پس نور و هدایت آنها متوقف نمی‌شود بلکه به خاطر تسلیم و بندگی دائماً در حال قرب و رشد هستند و شعاع وجودیشان بیشتر می‌شود.

**گام سوم:** از آنجا که این افراد در راه خدا تلاش می‌کنند خداوند راه‌های زیادی را برای رسیدن به کمال به آنها نشان می‌دهد.

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»<sup>۴</sup>

**گام چهارم:** هرگاه شیطان به سراغ آنها برود فوراً متذکر شده و از خداوند عذرخواهی می‌کنند.

«إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا»<sup>۵</sup>

**گام پنجم:** برای خودسازی و دوری از فحشاء و منکر نماز بهترین

۲- سوره حدید آیه ۲۸.

۴- سوره عنکبوت آیه ۶۹.

۱- سوره انفال آیه ۲۹.

۳- سوره محمد آیه ۱۷.

۵- سوره اعراف آیه ۲۰۱.

عامل است:

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>۱</sup>

به دنبال این قدم‌ها و گام‌ها، انسان بر نفس خود تسلط پیدا می‌کند، نفس را مهار می‌کند و گرفتار وسوسه و لغزش نمی‌شود؛ بلکه هرگاه فشار وسوسه و نفس و طاغوت زیاد شد باز هم از اهرم نماز و صبر کمک می‌گیرد:

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»<sup>۲</sup>

**گام ششم:** افراد با تقوی که وجودشان با نور الهی روشن شده با هر نماز یک گام به جلو می‌روند؛ زیرا نماز تکرار نیست بلکه معراج است. عبادات و نماز در ظاهر تکراری‌اند؛ اما در واقع بالا رفتن از نردبان کمال و عمق دادن به معرفت و ایمان‌اند. نمازگزار اجازه نمی‌دهد که عمرش چراگاه شیطان و لگدکوب او گردد.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق از خداوند چنین می‌خواهد: خداوندا اگر عمر من چراگاه شیطان است آن را قطع کن. نه تنها شیطان که گاهی وهم و خیال، روح انسان را لگدکوب می‌کند و انسان را غافل از حق و حقیقت می‌گرداند. آری پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب هم بیدار بود؛ اما ما در بیداری و حتی در حال نماز هم خوابیم و روحمان دستخوش شیطان و خیال است.

این نفس اگر مهار نشود هر لحظه انسان را به فساد می‌کشد:

«إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»<sup>۳</sup>

به همین دلیل قرآن بهشت را مخصوص کسانی می‌داند که نه تنها به زبان بلکه در دل نیز اراده برتری طلبی و فساد نداشته باشند.<sup>۴</sup> و برای کسانی که نفس خود را از هوس‌ها باز داشته‌اند بهشت را مأوی قرار داده است.

۱-سوره عنکبوت آیه ۴۵.

۲-سوره بقره آیه ۴۵.

۳-سوره یوسف آیه ۵۳.

۴-سوره قصص آیه ۸۳.



اولیاء خدا بر افکار و اندیشه‌های خود حاکمند نه محکوم آنها. آنان در اثر بندگی خدا چنان ولایت و سلطه‌ای بر نفس خویش دارند که اجازه نمی‌دهند حتی وسوسه‌ای بر قلب آنها خطور کند.

پس از آنکه انسان به نور و شناخت و آگاهی رسید و با نمازهای عارفانه و عاشقانه و آگاهانه، نفس را کنترل و روح را در جهت رضای خدا قرار داد و بر نفس خود ولایت و سلطه پیدا کرد، بر هستی نیز سلطه می‌یابد. دعا‌های او مستجاب می‌شود و کارهای خدایی می‌کند. در حدیث آمده که خداوند می‌فرماید:

انسان از طریق کارهای مستحب و نافله گام به گام به من نزدیک می‌شود تا آنکه محبوب من شود و آنگاه که به این مقام رسید من چشم و گوش و زبان و دست او می‌شوم و تمام حرکات او خدایی و جهت‌دار می‌شود به جایی می‌رسد که مانند حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام بگوید:

«إِنَّ صَلَوَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup>

نماز و عبادتم و مرگ و حیاتم همه و همه برای پروردگار جهانیان است.

در این حال هرگاه دعا کند مستجاب می‌کنم و اگر سئوالی کند قبول می‌نمایم.<sup>۲</sup>

### باز هم سیمای نماز

\* نماز برنامه هر صبح و شام است؛ پس آغاز و انجام هر روزت با یاد خدا و برای خدا است.

\* نماز در سفر یا وطن، در زمین یا هوا، در فقیر یا غنی، رمز آنست که تو در هر کجا هستی و هر که هستی باید مطیع او باشی نه غیر او.

\* نماز ایدئولوژی عملی مسلمان است که در آن عقاید و افکار و

خواسته‌ها و الگوهای خود را بیان می‌کند.

\* نماز استحکام بخشیدن به ارزش‌ها و جلوگیری از فروپاشی شخصیت افراد و اعضاء جامعه است.

\* اذان نماز شیپور توحید است که سپاه متفرق اسلام را در یک صف و زیر یک پرچم فرا می‌خواند و آنان را پشت سر امام عادل قرار می‌دهد.

\* امام جماعت یکی است تا رمز این باشد که امام جامعه نیز باید یکی باشد تا اداره امور متمرکز باشد.

\* امام جماعت باید مراعات ضعیف‌ترین مردم را بکند و این درس است که در تصمیم‌گیری‌های جامعه مراعات طبقه محروم را بکنید. پیامبر خدا ﷺ به هنگام نماز صدای گریهٔ طفلی را شنید نماز را به سرعت تمام کرد تا اگر مادر طفل در نماز شرکت کرده کودکش را آرام کند!

\* اولین فرمان به دنبال آفرینش انسان، فرمان سجده بود که به فرشتگان فرمود: برای آدم سجده کنید.<sup>۱</sup>

\* اولین نقطهٔ زمین که از زیر آب بیرون آمد و خشکی شد مکان عبادت بود.<sup>۲</sup> (مکه و کعبه).

\* اولین کار رسول خدا ﷺ پس از هجرت به مدینه ساختن مسجد بود.

\* نماز هم امر به معروف است. هم نهی از منکر.

شما هر روز در اذان و اقامه می‌گویید «حَتَّىٰ عَلَى الصَّلٰوةِ. حَتَّىٰ عَلَى الْفَلَاحِ. حَتَّىٰ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» که همه امر به بالاترین معروف‌ها یعنی نماز است.

از سوی دیگر نماز انسان را از فساد و فحشا باز می‌دارد: «إِنَّ الصَّلٰوةَ

۲- سوره آل عمران آیه ۹۶.

۱- سوره بقره آیه ۳۴.

تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>۱</sup>

\* نماز حرکاتی است برخاسته از آگاهی و شناخت. شناخت خداوند که به فرمان او و برای او و انس با او قیام می‌کنیم و لذا قرآن ما را از نماز در حال مستی<sup>۲</sup> و کسالت<sup>۳</sup> نهی کرده است تا انسان آنچه را در نماز می‌گوید با توجه و آگاهی باشد.

\* نماز آگاهی بخش است. هر هفته روزهای جمعه، نماز جمعه برپا و قبل از نماز دو خطبه خوانده می‌شود و این دو خطبه به جای دو رکعت از نماز است و به عبارتی جزئی از نماز است. آن هم خطبه‌هایی که به فرموده امام رضا (علیه السلام) باید مردم را از تمام مسائل جهان آگاه کند. شنیدن خطبه‌ها و آنگاه نماز خواندن یعنی آگاه بودن و بعد نماز خواندن.

\* نماز خروج از خود و پرواز به سوی خداست. قرآن می‌فرماید:  
 «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»<sup>۴</sup>

هرکس از خانه‌اش به قصد هجرت به سوی خدا و رسولش خارج و سپس مرگ او را دریابد پاداشش بر خداست.

امام خمینی (علیه السلام) می‌فرماید: هجرت از خانه دل به سوی خدا یکی از مصادیق آیه است، هجرت از خودپسندی و خودخواهی و خودبینی و هجرت به سوی معنویات که بزرگ‌ترین هجرت‌هاست.<sup>۵</sup>

\* نماز در میان عبادات مثل انسان کامل در میان انسانهاست.

\* نماز به منزله اسم اعظم الهی بلکه خود اسم اعظم است.

\* در نماز عزت رب و ذلت عبد مطرح است که این دو مقام بس عالی است.

۱- سوره عنکبوت آیه ۴۵.

۲- سوره نساء آیه ۴۳.

۳- سوره نساء آیه ۱۴۲.

۴- سوره نساء آیه ۱۰۰.

۵- السرار الصلوة ص ۱۲.

\* نماز پرچم اسلام است، اگر کمی در این حدیث «الصَّلَاةُ عِلْمُ الْإِسْلَامِ» دقت کنیم نکاتی را در می‌یابیم. همانگونه که پرچم نشانه است نماز نیز نشانه و علامت مسلمانی است.

چنانکه پرچم مورد احترام است و اهانت به آن اهانت به یک ملت و کشور است، اهانت و بی‌توجهی به نماز نیز بی‌توجهی به کل دین است. چنانکه برپا بودن پرچم نشانه حیات سیاسی و نظامی و قدرت است، در برپا بودن نماز نیز این امور مطرح است.

### رابطه نماز و قرآن

در مواردی قرآن و نماز در کنار هم آمده‌اند مانند:

«إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»<sup>۱</sup>

قرآن تلاوت می‌کنند و نماز به پای می‌دارند.

و یا در جای دیگر می‌فرماید: «يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»<sup>۲</sup>

به قرآن تمسک می‌جویند و نماز به پای می‌دارند.

و گاهی برای نماز و قرآن، یک صفت آورده شده چنانکه کلمه ذکر هم به قرآن گفته شده است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ»<sup>۳</sup> (ما ذکر را نازل کردیم) و هم فلسفه نماز شمرده شده است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»<sup>۴</sup> (نماز را به خاطر یاد من به پای دار).

جالب آنکه گاهی به جای نماز کلمه قرآن آمده است مانند آیه «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»<sup>۵</sup> که گفته‌اند مراد از قرآن الفجر، نماز صبح است.

بگذریم که خواندن قرآن به صورت حمد و سوره یکی از واجبات نماز است و بحث نماز در اکثر سوره‌های قرآن در بزرگترین سوره (بقره)

۲- سوره اعراف آیه ۱۷۰.

۴- سوره طه آیه ۱۴.

۱- سوره فاطر آیه ۲۹.

۳- سوره حجر آیه ۹.

۵- سوره اسراء آیه ۷۸.

و کوچکترین سوره‌ها (کوثر) آمده است.

### هر عبادتی ارزش ندارد

عبادت زمانی ارزش دارد که سطحی نباشد بلکه همراه با شناختِ رهبر آسمانی و ولایت و همراه با خشوع و آداب مخصوص خود باشد. حضرت علی علیه السلام گرفتار یک عده نمازخوانِ خشک مقدّس بود که در تاریخ به نام **مارقین و خوارج** معروفند. کسانی که پیشانی آنها به خاطر سجده‌های طولانی و مکرّر پینه بسته بود؛ اما در برابر علی علیه السلام قیام کردند و بر او شمشیر کشیدند. در روایاتِ آخرالزمان می‌خوانیم که وقتی امام زمان علیه السلام ظهور کنند گروهی از مساجد علیه آن حضرت حرکت خواهند کرد.

شما خیال نکنید آنها که برای کشتن امام حسین علیه السلام به کربلا آمده بودند همه تارک الصلوة بودند، بلکه نماز جماعت می‌خواندند! و خود یزید و معاویه پیش نماز بودند!

آری عبادتی که همراه با جهالت باشد کشتن عابدترین مردم را در محراب عبادت، بزرگترین عبادت می‌داند و با قصد قربت برای کشتن علی علیه السلام می‌رود!

آری اسلام مجموعه‌ای است که تجزیه‌بردار نیست. نماز بدون پذیرفتن ولایت قبول نیست، نماز بدون پرداخت زکات قبول نیست چنانکه انفاق بدون نماز پذیرفته نیست.

دستورات اسلام مثل اعضاء بدن است که هیچ یک جای دیگری را نمی‌گیرد نه چشم کار گوش را می‌کند و نه گوش کار دست را. در اسلام نیز خواندن نماز جای دادن زکات را نمی‌گیرد چنانکه هیچ یک از این دو جای جهاد و مبارزه در راه خدا را پر نمی‌کنند بلکه مجموعهٔ اینها اسلام است.

## درجات عبادت

**گام اول:** گروهی خدا را به خاطر نعمت‌هایش عبادت می‌کنند تا شکر

او را به جای آورند چنانکه قرآن نیز خطاب به عموم مردم می‌فرماید:

«فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»<sup>۱</sup>

پس پروردگار این خانه را پرستش کنند که آنان را از گرسنگی و

نامنی نجات داد.

**گام دوم:** در این مرحله انسان به خاطر آثار و برکات عبادت، خدا را

پرستش می‌کند و توجه به آثار روحی و معنوی نماز دارد چنانکه قرآن

می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>۲</sup>

همانا نماز انسان را از بدی‌ها و منکرات باز می‌دارد.

این مرحله از عبادت را ما عبادت رشد می‌نامیم.

**گام سوم:** مرحله سوم که بالاتر از مراحل قبلی است آنجاست که

خداوند به حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»<sup>۳</sup> نماز را به

خاطر یاد من بجای آر.

حضرت موسی علیه السلام که نماز را به خاطر آب و غذا نمی‌خواند، به خاطر

دوری از فحشاء و منکرات هم نمی‌خواند، زیرا او اصولاً از شکم‌پرستی و

منکرات دور است، او پیامبر اولوالعزم است و نماز را به خاطر انس با

خدا و یاری خدا به جای می‌آورد.

**گام چهارم:** این مرحله بالاترین و برترین مراحل عبادت است. دیگر

عبادت برای شکر و رشد و انس نیست؛ بلکه برای قرب است، قرب به

خدا.

در قرآن چهار آیه داریم که هرکس آنها را بخواند واجب است سجده

کند که در یکی از آنها همین مساله قرب به واسطه عبادت مطرح شده

است آنجا که می‌فرماید:

۲- سوره عنکبوت آیه ۴۵.

۱- سوره قریش آیه ۳.

۳- سوره طه آیه ۱۴.

«وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ» سجده کن و به او قرب پیدا کن.  
 به هر حال عبادت درجات و مراحل دارد که براساس درجات  
 معرفت و ایمان افراد فرق می‌کند.

### سیمای عبادت

\* عبادت و بندگی بود که رسول خدا را به معراج برد:  
 «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ  
 الْأَقْصَى»<sup>۱</sup>  
 منزّه است کسی که بنده‌اش را شبانه از مسجدالحرام به  
 مسجدالاقصی سیر داد.

\* عبادت است که زمینه نزول فرشتگان را فراهم می‌کند:  
 «نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا»<sup>۲</sup>  
 وحی (را به واسطه فرشتگان) بر بنده‌مان نازل کردیم.

\* عبادت است که انسان را مستجاب الدعوه می‌کند زیرا نماز پیمان  
 خداست: «الصلوة عهد الله» و هرکس به پیمان خدا وفا کند خداوند هم  
 به پیمان او وفادار است: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»<sup>۳</sup>  
 راستی که انسان بی‌عبادت از سنگ و جماد پست‌تر است زیرا قرآن  
 می‌فرماید:

«وَإِنَّ مِنْهَا لَمَنْ يَهْتَمُّ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»<sup>۴</sup>

بعضی از سنگ‌ها از خشیت الهی به زمین سقوط می‌کنند.  
 اما بعضی انسان‌ها در برابر سرچشمه و خالق هستی گردن خم  
 نمی‌کنند.

\* عبادت، نشانه اراده و قاطعیت انسان است. انسانی که در میان  
 غرائز و تمایلات قرار دارد؛ اگر دل بکند و به سوی خدا برود ارزش دارد

۲-سوره بقره آیه ۲۳.

۱-سوره اسراء آیه ۱.

۴-سوره بقره آیه ۷۴.

۳-سوره بقره آیه ۴۰.

و گرنه فرشتگانی که شهوت و غضب ندارند، دائماً در حال عبادت‌اند.  
\* عبادت گمنام‌ترین انسانِ زمینی را مشهورترین فرد آسمان می‌کند.

\* عبادت یعنی نگاهی از بالا به تمام هستی.  
\* عبادت یعنی شکوفا کردن استعداد‌های عرفانی و معنوی نهفته در وجود انسان.

\* عبادت ارزشی است که انسان با اراده و اختیار خود به دست می‌آورد، برخلاف ارزش‌های فامیلی یا استعداد‌های درونی که اختیاری و اکتسابی نیستند.

\* عبادت تجدید عهد و پیمان با خدا و تازه نگه‌داشتن حیات معنوی است.

\* عبادت مانع گناه و برطرف کننده آثار آنست. ذکر و یاد خداست که جلوی گناه را می‌گیرد نه علم به گناه بودن.  
\* عبادت پر کردن ظرف روح است با یاد خدا، که اگر با غیر او پر شود ظلم به گوهر انسانیت است.

\* عبادت به زمین خاکی چنان ارزشی می‌دهد که ورود به آن زمین بدون طهارت ممکن نباشد همچون مسجد و کعبه و قدس.

\* عبادت و بندگی خدا، خود یک ارزش است گرچه دعاها و خواسته‌های او مستجاب نشود.

\* عبادت هم در شادی مطرح است هم در غم آنجا که خداوند به پیامبرش کوثر می‌دهد سفارش به نماز می‌کند:

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ»<sup>۱</sup>

ما به تو خیر کثیر عطا کردیم پس برای پروردگارت نماز به جای آر.  
و در برخورد با مشکلات و حوادث سفارش به نماز می‌کند:



«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»<sup>۱</sup>

از صبر و نماز کمک بگیرید و استمداد کنید.

### نمازهای مشکل گشا

اسلام سفارش می‌کند هرگاه حاجت یا مشکلی داشتید با خواندن نمازهایی مخصوص، حل مشکل خود را از خدا بخواهید که مناسب است در اینجا یک نمونه از آن نمازها را بیاوریم.

### نماز جعفر طیار

جعفر طیار برادر حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام است که در هجرت به حبشه توانسته بود با استدلال و رفتار مناسب خود دل نجاشی و عده کثیری را به اسلام جذب کند و مؤسس اسلام در قاره آفریقا شود. او در جنگ موته دو دستش را در راه خدا داد و خداوند به جای آن دو بال در بهشت به او داد و لذا به جعفر طیار مشهور شد. هنگامی که جعفر از حبشه بازگشت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمود: آیا می‌خواهی هدیه با ارزشی به تو عطا کنم؟ مردم گمان کردند که حضرت می‌خواهد طلا یا نقره‌ای به او بدهد و لذا هجوم آوردند تا هدیه پیامبر را ببینند. اما پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: نمازی به تو هدیه می‌کنم که اگر هر روز آن را انجام دهی از دنیا و آنچه در دنیاست برای تو بهتر باشد و اگر هر روز یا هر جمعه یا هر ماه یا هر سال به جای آوری خداوند گناهان بین دو نمازت را (گرچه یکسال باشد) بیامرزد. این نماز به سندهای معتبر از شیعه و سنی نقل شده است و نام اکسیر اعظم و کبریت احمر به خود گرفته است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: هرگاه مشکل یا حاجتی داشتید پس از خواندن نماز جعفر دعا کنید که انشاءالله مستجاب می‌شود نحوه این نماز در

اوایل مفاتیح در اعمال روز جمعه پس از ذکر نمازهای امامان معصوم علیهم السلام آمده است.

### نماز و رهبری

اگر نماز توسط رهبران الهی اقامه شود بساط ظلم و طاغوت را بر هم می‌زند. نماز عید امام رضا علیه السلام آنچنان با هیبت و عظمت آغاز شد که حکومت ظالم بر خود لرزید و فهمید که اگر این نماز به پایان برسد حکومت بنی عباس نیز به پایان خواهد رسید؛ لذا مأمون دستور داد که امام را از وسط راه بازگردانند.

دلیل آنکه نمازهای امروز مسلمین اثری ندارد آن است که به قسمتی از قرآن عمل شد و قسمتی فراموش شد. زیرا قرآن می‌فرماید:

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ»<sup>۱</sup>

نماز به پای دارید و زکات دهید و از رسول خدا اطاعت کنید. اما امروز بعضی نماز می‌خوانند و زکات نمی‌دهند و بعضی اهل نماز و زکوة هستند ولی رهبرشان دیگری است و ولایت کفار را پذیرفته‌اند. به عبارت دیگر ایمان به خدا دارند اما کفر به طاغوت ندارند و این ایمان ناقص است.

در حالی که سفارش قرآن اینست که: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»<sup>۲</sup>

هرکس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به ریسمان محکم الهی چنگ زده است.

یعنی هم کفر به طاغوت هم ایمان به خدا لازم است؛ در حالی که امروزه مسلمین برائت از کفر و طاغوت‌ها را فراموش کرده‌اند، لذا قرآن در مورد کسانی که به طاغوت مراجعه می‌کنند می‌فرماید: «آنها خیال

۲- سوره بقره آیه ۲۵۶.

۱- سوره مجادله آیه ۱۳.

می‌کنند که مؤمن هستند: «الْمَ تَرَىٰ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا»<sup>۱</sup>

### قداست نماز

قداست نماز به قدری است که زمان اجرای بعضی مراسم مانند قسم و ادای شهادت، بعد از نماز قرار داده شده است.

قرآن در سوره مائده آیه ۱۰۶ می‌فرماید: هرگاه کسی در سفر دچار مرض شد و در آستانه مرگ قرار گرفت دو نفر مسلمان و یا حتی غیر مسلمان را بر وصیت خود گواه گیرد؛ لکن مراسم ادای شهادت باید پس از نماز باشد، یعنی: آن دو نفر را بازداشت کنید تا نماز تمام شود آنگاه حاضر شده و با قسم خوردن شهادت دهند که فلان مسلمان در مسافرت چه وصیت کرده است.

### جامعیت نماز

نماز نیز یک هنرنمایی الهی است که خداوند تمام ارزش‌ها را به نحوی در نماز قرار داده است. چه کمالی است که برای انسان ارزش باشد اما در نماز یافت نشود؟

در اینجا نگاهی داریم به ارزش‌ها و کمالاتی که در نماز نهفته است تا جامعیت نماز بهتر روشن شود:

یاد خدا یک ارزش و تنها وسیله آرام‌بخش دل‌هاست و نماز یاد خداست.

یاد قیامت یک ارزش و بازدارنده از گناه و فساد است و نماز یادآور یوم‌الدین است.

در خطّ انبیاء و شهدا و صالحان بودن یک ارزش است که ما در نماز از خدا می‌خواهیم در صراط‌الذین انعمت علیهم قرار بگیریم.

انزجاز و برائت خود را از ستم پیشه‌گان و گمراهان با جمله غیر المغضوب علیهم و لالضالین اعلام می‌داریم.

عدالت که در رأس همه ارزش‌هاست در امام جماعت لازم شمرده شده است.

پیروی از امام عادل، مطرح کردن یک اصل با ارزش اجتماعی است که به جای خودسری و تکروی تابع رهبری باشیم.

ایستادن رو به قبله یادآور ارزش‌های بسیاری است: مکه شکنجه‌گاه بلال، قربانگاه اسماعیل، زادگاه علی ابن ابیطالب، پایگاه قیام مهدی، آزمایشگاه ابراهیم علیه السلام و عبادتگاه تمام انبیاء و اولیاست.

در نماز هر چه هست تحرّک در هر صبح و شام است. تحرک در رکوع و سجود و قیام، حرکت در رفتن به مسجد و مصلی؛ پس ساکن و ساکت و گوشه‌گیر نباش؛ بلکه همواره در تلاش و حرکت باش البته در جهت خداوند و به سوی او.

در نماز روح و جان انسان غبارروبی می‌شود، غبار تکبرش می‌ریزد چون هر شبانه‌روز ده‌ها بار بلندترین نقطه بدنش را به خاک می‌مالد و سجده بر خاک بهتر از سنگ است که تذلل در به خاک مالیدن است. بر زمین پاک سجده کن که از راه نجس نمی‌توان به پاکی و سرچشمه پاکی‌ها رسید.

گریه از خوف خدا یک ارزش است و قرآن سجده همراه با گریه را ستایش کرده است: **سُجِّدًا وَ بُكِيًّا**.

نماز یک خط الهی است که از هنگام تولد تا لحظه مرگ برای ما ترسیم شده است.

نوزاد که به دنیا آمد در گوش راست و چپ او اذان و اقامه بگو که در آن سفارش به نماز شده است، «حَيِّ عَلَى الصَّلَاةِ» و به هنگام مرگ نیز او را با خواندن نماز میت دفن کن و در طول زندگی همواره در حال عبادت و پرستش خدا باش «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»

نماز پیوند انسان با طبیعت است. برای شناخت وقت نمازها خصوصاً صبح و ظهر باید به خورشید نظر کنی برای به دست آوردن قبله به ستارگان توجه کنی، برای انجام نمازهای مستحبی در ایام مبارکه به حرکات ماه دقت کنی. برای غسل و وضو رو به آب و برای سجده و تیمم به خاک رو آوری.

این ارتباط میان نماز با خورشید و ماه و ستاره و آب و خاک به دست کدام طراح حکیم برنامه‌ریزی شده است؟

دیگر واجبات دین نیز به نوعی در نماز حضور دارند، نمازگزار همچون کسی که به حج می‌رود، کعبه، قبله و محور کارهای اوست. نمازگزار همچون کسی است که به جهاد می‌رود لکن به جهاد اکبر که جهاد با نفس است. نماز خود بالاترین امر به معروف و نهی از منکر است.

هجرت، از مهم‌ترین ارزش‌های دین ماست و حضرت ابراهیم به خاطر نماز هجرت کرد و همسر و فرزند خود را در کنار کعبه گذارد و فرمود:

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»<sup>۱</sup>

پروردگارا من فرزندانم را در بیابانی خشک ساکن کردم تا نماز اقامه شود.

اگر زینت و نظافت یک ارزش است اسلام سفارش می‌کند که: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»<sup>۲</sup> به هنگام شرکت در مساجد خود را زینت کنید و زینت‌های خود را بگیرید. با لباس پاکیزه و معطر وارد مسجد شوید. چنانکه سفارش می‌کند زنان به هنگام نماز زیورهای خود را همراه داشته باشند و با آنها خود را زینت کنند.

۲- سوره اعراف آیه ۳۱.

۱- سوره ابراهیم آیه ۳۷.

حتّی به مسأله مسواک توجّه شده و در روایات می‌خوانیم: نماز با مسواک هفتاد برابر نماز بدون مسواک ثواب دارد و یا قبل از رفتن به مسجد سیر و پیاز نخورید که بوی دهان شما دیگران را اذیت نکند و مردم را از مسجد فراری ندهد.

چه زیباست حدیثی که می‌فرماید: روز قیامت سه چیز از مردم شکایت می‌کند. عالمی که مردم به او مراجعه نکنند، قرآنی که در منزل باشد اما تلاوت نشود و مسجدی که مورد بی‌اعتنایی مردم واقع شود.

### نِیّت

اولین رکن نماز نیت است.

نیت یعنی آنکه بدانیم چه می‌کنیم و چه می‌گوییم و برای که و چه حرکت می‌نمائیم.

ارزش هر کاری به نیت و انگیزه آن است نه فقط صرف عمل. لذا حساب کسی که به خاطر حفظ نظم و احترام به قانون پشت چراغ قرمز می‌ایستد از حساب کسی که از ترس پلیس یا جریمه می‌ایستد جداست. در همه عبادات و خصوصاً نماز، نیت جایگاه ویژه‌ای دارد و اصولاً چیزی که یک کار را عبادت می‌کند نیت الهی آن کار است که اگر آن نیت نباشد هر چه هم ظاهر کار خوب و صحیح باشد اما ارزش عبادت ندارد.

پیامبر گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»<sup>۱</sup>

همانا کارها به واسطه انگیزه‌ها ارزش پیدا می‌کند و با آنها سنجیده می‌شود.

آری فقط مادی یا معنوی بودن یک کار در تفاوت نیت‌ها و هدف‌هاست.

## نیت خالص

نیت خالص آن است که انسان فقط برای خدا کار کند و در عمق جاننش هدفی جز او و رضای او نداشته باشد و از مردم انتظار تشکر یا پاداشی نداشته باشد.<sup>۱</sup>

نانی که اهل بیت رسول خدا در چند شب پی در پی هنگام افطار به یتیم و اسیر و فقیر دادند ارزش مادی زیادی نداشت اما چون خالصانه بود خداوند به خاطر آن یک سوره نازل کرد.<sup>۲</sup>

خالص کردن نیت کاری بس دقیق و مشکل است. گاهی افکار غیر خدائی چنان در عمق جان انسان رسوخ می‌کند که خود انسان هم متوجه نیست و لذا می‌گویند ریا و شرک از حرکت مورچه سیاه در شب تاریک بر سنگ سیاه، آرام‌تر و دقیق‌تر است. چه بسیار افرادی که به خیال خود قصد قربت دارند اما هنگام فراز و نشیب‌ها معلوم می‌شود که قصد آنها صد در صد خالص نیست.

به قول علامه شهید مطهری، نیت یعنی خودآگاهی، و ارزش عبادت به معرفت و آگاهی است. تا آنجا که در روایات می‌خوانیم: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»<sup>۳</sup>

نیت مومن از عمل او بهتر است.

همانگونه که در مقایسه جسم و روح، روح مهم‌تر از جسم است و انسانیت انسان به روح اوست، در مقایسه عمل و نیت، نیت مهم‌تر از خود عمل است چرا که روح عمل است.

نیت به قدری ارزش دارد که اگر انسان نتواند کار خیری را انجام دهد اما نیت آن را داشته باشد که انجام دهد خداوند پاداش آن را به او می‌دهد.

۲- سوره انسان آیه ۷.

۱- سوره انسان آیه ۹.

۳- بحار ج ۷۰ ص ۲۱۰.

### قصد قربت

قصد قربت یعنی نزدیکی به مقام پروردگار و ناگفته پیداست که مراد نزدیکی مکانی و جسمی و فیزیکی نیست؛ بلکه مراد از نزدیکی، نزدیکی معنوی و مقامی و انس است.

انجام کارها برای جلب قرب و رضای خداوند یعنی بالا رفتن روح از نردبان وجود که نتیجه‌اش نفوذ پیدا کردن در هستی است. یعنی نزدیک شدن به سرچشمه هستی و او را در دل خود یافتن.

مراتب انسان‌ها نیز در قرب به سرچشمه هستی متفاوت است و انسان می‌تواند تا آنجا مقرب درگاه الهی شود که خلیفه خدا در روی زمین گردد. عبادت همراه با قصد قربت انسان را نورانی‌تر، کامل‌تر و با ظرفیت وجودی بیشتری می‌گرداند.

همه عبادات و خصوصاً نمازهای مستحبی نقش مهمی در این امر دارند چنانکه در حدیث می‌خوانیم: «لَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ»<sup>۱</sup> انسان می‌تواند همواره از طریق نمازهای مستحبی به خداوند نزدیک شود:

### درجات قرب

لفظ درجات در قرآن مکرر آمده است که نشان می‌دهد درجات معنوی محدودیتی ندارد.

البته با تعبیرهای مختلفی آمده است که نکات لطیفی در بر دارد. مثلاً برای بعضی می‌فرماید: «لَهُمْ دَرَجَاتٌ»<sup>۲</sup> یعنی برای آنها درجاتی است اما درباره عده دیگری می‌فرماید: «هُمْ دَرَجَاتٌ»<sup>۳</sup> آنان خود درجه هستند. مانند افراد بزرگی که اگر در پایین مجلس بنشینند آنجا می‌شود بالا، یعنی خود آنان درجه سازند نه آنکه درجه و مقام آنها را بالا می‌برد.

۲- سوره انفال آیه ۴.

۱- بحار ج ۷۵ ص ۱۵۵.

۳- سوره آل عمران آیه ۱۶۳.



در قرآن سوره‌ای است به نام سورهٔ معارج که در آن آمده است:

«مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ»<sup>۱</sup>

یعنی از طرف خداوند که دارای محلّ عروج‌هاست.

این درجه‌بندی معنوی مخصوص انسان‌ها نیست بلکه سلسله مراتب در میان فرشتگان نیز هست. قرآن در مورد جبرئیل می‌فرماید: «مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ»<sup>۲</sup> یعنی مورد اطاعت دیگر فرشتگان است.

بهرحال درجات انسان‌ها متفاوت است:

۱- گاهی فقط مطیع است مثل یک نوکر.

۲- گاهی نه فقط مطیع که محبّ است یعنی بر اساس عشق و محبّت اطاعت می‌کند.

۳- گاهی بالاتر از اطاعت و محبّت، به معرفت کامل می‌رسد و هر چه می‌بیند او را می‌بیند.

### خدا را برای خدا بخوانیم

قرآن از کسانی که خدا را به خاطر خود می‌خوانند و فقط در مشکلات به سراغ او می‌روند و در غیر آن خدا را فراموش و یا حتی انکار می‌کنند به شدت انتقاد کرده است.

«فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ»<sup>۳</sup>

هرگاه بر کشتی سوار و در آستانه غرق شدن قرار گرفتند با اخلاص خدا را می‌خوانند؛ اما همین که به خشکی پا گذاشتند و نجات یافتند مشرک می‌شوند.

بهرحال کار برای خود، نفس پرستی است.

کار برای مردم بت پرستی است.

۲- سوره تکویر آیه ۲۱.

۱- سوره معارج آیه ۳

۳- سوره عنکبوت آیه ۶۵

کار برای خدا و خلق دوگانه پرستی است. و کار خود و خلق را برای خدا کردن، خداپرستی است. در مناجات می خوانیم: «الْهِي مَا عَبْدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَ لَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ»<sup>۱</sup>

خداوندا! عبادت من نه از ترس دوزخ و نه به طمع بهشت توست بلکه به خاطر آن است که تو را شایسته عبادت و بندگی یافتیم؛ پس تو را عبادت کردم.

آری این تجارند که به طمع سود کار می کنند و این بردگانند که از روی ترس کار می کنند، اما آزادگان و أحرار به خاطر شکر نعمت های الهی او را عبادت می کنند چنانکه در کلمات معصومین آمده است:

«إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»<sup>۲</sup>

در عشق مادی انسان معشوق را برای خود می خواهد اما در عشق مقدس معنوی انسان خود را برای معشوق. علی عليه السلام در دعای کمیل می گوید: «وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِمِّمًا» خداوندا قلبم را از محبت خود لبریز کن.

### راه رسیدن به قرب

رسیدن به قرب و قربت از دو راه است:

۱- شناخت عظمت و مقام خداوند.

۲- شناخت پوچی و بی اعتباری غیر او.

قرآن همواره نعمت ها و الطاف الهی را بر بندگان مطرح می کند تا انسان را عاشق خدا کند ذکر صفات او، آفریده های او، امدادهای مادی و معنوی او و ده ها نعمت بزرگ و کوچک، همه و همه به خاطر آن است

که محبت و عشق ما را به خدا زیاد کند. از طرف دیگر آیات زیادی ضعف و پوچی غیر او را شمرده و می‌فرماید: غیر او نه عزتی دارد نه قدرتی، اگر همه جمع شوند و بخواهند مگسی خلق کنند نمی‌توانند جز او چه کسی می‌تواند به ندای افراد مضطرّ و درمانده پاسخ دهد؟ آیا درست است که دیگران را در کنار خدا مطرح کنیم و آنها را همسان و یکسان با خدا بدانیم؟

### کیفیت یا کمیت

اسلام به چگونگی کار و هدف و انگیزه آن توجه بسیار کرده است. قرآن از عمل بهتر ستایش می‌کند نه عمل بیشتر و می‌فرماید:

«لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»<sup>۱</sup>

شما را در بوتۀ امتحان قرار می‌دهد تا کدام یک از شما بهترین عمل را به جای آورد.

حضرت علی علیه السلام در رکوع انگشترش را به فقیری می‌دهد و آیه‌ای از قرآن به خاطر آن نازل می‌شود.

حقیقت آن است که نزول آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»<sup>۲</sup> به خاطر کیفیت عمل بود نه کمیت آن، به خاطر اخلاص و قصد قربت بود نه وزن و حجم و قیمت انگشتر.

### خاطره

بهلول گروهی را دید که مسجدی را می‌سازند و ادعا می‌کنند که برای خداست. او بر سنگی نوشت بانی این مسجد بهلول است و آن را شبانه بر در مسجد نصب کرد. روز بعد که کارگران سنگ را دیدند به

۲- سوره مائده آیه ۵۵.

۱- سوره هود آیه ۷.

هارون الرشید ماجرا را گفتند. او بهلول را احضار کرد و پرسید: چرا مسجدی را که من می‌سازم به نام خودت کرده‌ای؟

بهلول گفت: اگر تو مسجد را برای خدا می‌سازی، بگذار نام من بر آن باشد. خدا که می‌داند بانی مسجد کیست. او که در پاداش دادن اشتباه نمی‌کند. اگر برای خداست چه نام من باشد، چه نام تو، این که مهم نیست. به همین جهت است که قرآن اعمال کفار را به سراب تشبیه می‌کند که به نظر آب می‌آید اما واقعیتی ندارد:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً»<sup>۱</sup>

اعمال کافران همچون سرابی است در خشکزاری که انسان تشنه آن را آب می‌پندارد.

### جامعیت اسلام

اسلام عملی را صالح می‌داند که چند عنصر را در کنار هم دارا باشد: عمل نیک و انگیزه نیک و وسیله نیک و شیوه نیک که هر یک از ۴ عنصر نیک نباشد کار بی‌ارزش می‌شود.

نه تنها در ابتدای کار قصد قربت لازم است بلکه در طول انجام کار باید قصد قربت دوام داشته باشد و الا کُلَّ عمل باطل است. شرک و ریا در نیت حتی اگر یک لحظه باشد تمام عمل را حبط و نابود می‌کند.

### نیت به کار ارزش می‌دهد

فرض کنید شخصی از روی ظلم و تجاوز یک نفر را کشت و بعداً معلوم شد که مقتول نیز یک انسان جنایتکار بوده که باید اعدام می‌شده است در اینجا با اینکه کار قاتل مفید بوده است؛ اما مردم قاتل را

ستایش نمی‌کنند؛ زیرا قصد او کشتن یک انسان بی‌گناه بود نه کشتن یک مفسد فی الارض.

پس مفید بودن یک عمل کافی نیست تا آن عمل، صالح باشد بلکه لازم است با انگیزه‌ای پاک نیز همراه باشد.

لذا قرآن در همه جا روی قصد قربت تکیه می‌کند چه در خمس و زکات و انفاق‌های مالی و چه در جنگ و جهاد با دشمنان اینکه قرآن روی کلمات «فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۱</sup> «لِوَجْهِ اللَّهِ»<sup>۲</sup> «إِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»<sup>۳</sup> تکیه می‌کند نشان دهنده اهمیت قصد قربت است.

کسانی که با ساختن مدرسه و بیمارستان و راه و خوابگاه برای مردم کارهای مفید انجام می‌دهند اگر قصد الهی نداشته باشند به خودشان ظلم کرده‌اند زیرا خود از آن عمل هیچ بهره‌ای ندارند؛ گرچه دیگران از آن بهره‌های فراوان می‌برند.

اینکه قرآن همواره عمل صالح را در کنار ایمان می‌آورد و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»<sup>۴</sup> و یا می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ»<sup>۵</sup> به خاطر آن است که در اسلام حسن فعلی به تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه حُسن فاعلی نیز لازم است.

## دو خاطره

بلال حبشی که مؤذن پیامبر اکرم ﷺ بود در گفتن جمله اشهد ان لا اله الا الله به جای شین، سین می‌گفت زیرا زبانش گیر داشت. مردم این را عیب می‌گرفتند اما پیامبر ﷺ فرمود سین بلال در نزد خدا شین است، گرچه در ظاهر کارش ناقص است اما چون قصد قربت و حسن نیت دارد پاداش دارد.

۱- سوره بقره آیه ۱۹۰. ۲- سوره انسان آیه ۹.  
 ۳- سوره بقره آیه ۲۰۷. ۴- سوره بقره آیه ۲۷۷.  
 ۵- سوره غافر آیه ۴۰.

عبدالله بن مکتوم یکی از یاران مخلص پیامبر ﷺ و شخصی نابینا بود. روزی این صحابی بزرگ وارد مجلسی شد که پیامبر ﷺ و عده‌ای مشغول گفتگو بودند او که افراد جلسه را نمی‌دید با صدای بلند مشغول صحبت شد یکی از افراد جلسه به او اخم کرد و ناراحت شد.

با آنکه برای شخص نابینا اخم کردن و لبخند زدن فرقی نمی‌کند زیرا او نمی‌بیند؛ اما قرآن برای همین عبوس کردن یک سوره نازل کرد و ۱۰ آیه پی در پی شخص عبوس کننده را در هم کوبید.

«عَبَسَ وَ تَوَلَّىٰ اَنْ جَاءَهُ الْاَعْمَىٰ وَ مَا يُدْرِيكَ اَعْلَهُ يَرْكَبُ...»<sup>۱</sup>

پس ملاک عمل، مفید بودن یا مضر بودن نیست که عمل را با دیگران بسنجیم و بگوییم اگر عمل به دیگران فایده‌ای رساند عمل صالح است و یا اگر ضرری رساند عمل غیر صالح است، بلکه باید رابطه عمل را با خود شخص هم بسنجیم که عمل را به چه هدفی انجام داده و خود عمل چگونه است؟ گرچه به دیگران فایده‌ای نرساند و ضرری هم نزند.

قصد قربت یعنی کار را برای خدا انجام بده و از نیش و نوش‌ها نهراس چنانکه قرآن در وصف مومنان واقعی می‌فرماید: «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»<sup>۲</sup>  
در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش ملامت کنندگان هراسی ندارند.

قصد قربت یعنی حق را بگو و از احدی جز او پروا نداشته باش چنانکه قرآن مبلّغین الهی را چنین توصیف می‌کند: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ اَحَدًا اِلَّا اللَّهَ»<sup>۳</sup>

آنان که پیام‌های الهی را تبلیغ می‌کنند و از او خشیت دارند و از کسی جز خدا نمی‌ترسند.

۲- سوره مائده آیه ۵۴.

۱- سوره عبس آیات ۱ تا ۱۰.

۳- سوره احزاب آیه ۳۹.

یکی از نشانه‌های اخلاص آن است که انسان میان مقدار و افراد و مناطق و نوع کارها و شرایط فرقی نگذارد و فقط به فکر رضای خدا باشد، مردم بفهمند یا نفهمند، طرفداری نکنند یا نه، درآمدی داشته باشد یا نداشته باشد.

### آثار و برکات نیت

با نگاهی کوتاه و گذرا به آیات و روایات، آثار و برکات زیادی برای نیت پاک درمی‌یابیم که به طور فشرده گوشه‌هایی از آنها را بیان می‌کنیم:

۱- کسی که حُسن نیت داشته باشد رزق او فراوان می‌شود.<sup>۱</sup>  
(شاید به خاطر حسن نیت رفتار و برخورد او با مردم به نحو مطلوب می‌شود و قهراً افراد بیشتری جذب شغل و کار او می‌شوند و درآمد بیشتری به دست می‌آورد).

۲- حسن نیت توفیقات انسان را زیاد می‌کند، زندگی دلچسب می‌شود و دوستان زیادی را برای انسان می‌آورد.<sup>۲</sup>  
البته الطاف الهی به قدر حسن نیت افراد است و هرچه نیت بهتر و خالص‌تر باشد لطف خداوند نیز بیشتر می‌شود.

۳- به انسان طول عمر می‌دهد. در روایات آمده کسی که حج را تمام کرد اگر در موقع بازگشت به وطن نیت کند و تصمیم بگیرد برای سال بعد هم به حج بیاید خداوند به خاطر همین آرزوی خوب به او طول عمر می‌دهد.<sup>۳</sup>

۴- حسن نیت گذشته انسان را جبران می‌کند.  
علی علیه السلام می‌فرماید: اگر گنهکار با حسن نیت توبه کند خداوند آنچه را به عنوان کیفر از او گرفته به او پس می‌دهد و هرگونه مشکلی در کارش

۲- غررالحکم.

۱- وسائل ج ۱ ص ۳۹.

۳- وسائل ج ۸ ص ۱۰۷.

باشد اصلاح می‌کند.<sup>۱</sup>

۵- خداوند به نیت کار خیر پاداش آن کار خیر را می‌دهد گرچه انسان موفق به انجام آن کار نشود. با نیت صادق کارهای نشده برای انسان به حساب می‌آید؛ چنانکه در روایت آمده: اگر انسان مومنی بگوید اگر خداوند به من امکانات می‌داد چنین و چنان می‌کردم و این آرزو صادقانه باشد، خداوند پاداش آن کارهای خیر را به او مرحمت می‌فرماید.<sup>۲</sup>

حتی اگر صادقانه آرزوی شهادت کند و از خداوند شهادت بخواهد، خداوند او را به درجات شهدا می‌رساند گرچه در رختخواب از دنیا برود.<sup>۳</sup>

از لطف خدا همین بس که برای تصمیم به کار خیر پاداش می‌دهد اما برای نیت گناه تا وقتی گناهی انجام نشود کیفری نمی‌کند.<sup>۴</sup>

۶- نیت پاک می‌تواند مادی‌ترین امور زندگی را عامل قرب انسان قرار دهد؛ چنانکه معنوی‌ترین حالات مانند سجده و گریه اگر از روی ریا باشد وسیله دوری انسان از خدا می‌گردد.

در روایات می‌خوانیم همانگونه که جسم با روح پایدار است دین با نیت صادق استوار است.<sup>۵</sup> دل پاک و حسن نیت از بهترین ذخائر و گنجینه‌های الهی است و هرچه نیت بهتر باشد ارزش این گنج بیشتر خواهد بود<sup>۶</sup> و اصولاً نیت و تصمیم و اراده جدی، توان بدنی انسان را چند برابر می‌کند.<sup>۷</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند در قیامت مردم را بر اساس نیاتی

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۷۷، ص ۵۷۹.

۲- وسائل ج ۱ ص ۴۰. ۳- بحار ج ۷۰ ص ۲۰۱.

۴- وسائل ج ۱ ص ۴۰. ۵- بحار ج ۷۸ ص ۳۱۲.

۶- غررالحکم. ۷- وسائل ج ۱ ص ۳۸.



که دارند محشور می‌کند.<sup>۱</sup>

کسی که هدفش انجام وظیفه باشد برای او نوع کار و رسیدن به نتیجه مهم نیست چنانکه قرآن می‌فرماید:

«وَمَنْ يقاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»<sup>۲</sup>

کسی که در راه خدا بجنگد چه کشته شود و چه پیروز شود ما پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

آنچه مهم است جهاد در راه خداست اما اینکه نتیجه‌اش شکست باشد یا پیروزی، در پاداش الهی تأثیری ندارد. قرآن در جای دیگری می‌فرماید:

«وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»<sup>۳</sup>

کسی که برای هجرت به سوی خدا و پیامبر از خانه‌اش خارج شود و سپس مرگ او را دریابد پاداشش با خداست.

از این آیه نیز به خوبی فهمیده می‌شود همین که انسان به خاطر خدا از خانه خارج شود گرچه به مقصد هم نرسد پاداش دارد، مهم نیت عمل است نه خود عمل، مهم قدم گذاردن در راه است نه رسیدن به مقصد.

رسول خدا ﷺ به ابوذر فرمود: تصمیم بر کار خیر داشته باش گرچه توفیق عمل پیدا نکنی زیرا این تصمیم تو را از جرگه غافلین بیرون می‌آورد.<sup>۴</sup>

در حدیثی دیگر می‌خوانیم: هر کاری که همراه با نیت الهی بود بزرگ است گرچه آن کار ساده و کوچک باشد.<sup>۵</sup>

چنانکه مهم‌ترین کارها اگر با نیت صحیح نباشد ارزشی ندارد

۲- سوره نساء آیه ۷۴.

۴- وسائل ج ۱ ص ۳۹.

۱- قصار الجمل.

۳- سوره نساء آیه ۱۰۰.

۵- وسائل ج ۱ ص ۸۷.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: بیشتر شهدای امت من در رختخواب از دنیا می‌روند و چه بسیارند کسانی که در جبهه کشته می‌شوند اما خدا بر نیت آنان آگاه است.<sup>۱</sup>

پیامبر گرامی اسلام در جنگ تبوک فرمود: همانا کسانی که در مدینه هستند اما آرزوی جبهه و شرکت با ما را دارند به خاطر همین نیت در اجر ما شریکند.<sup>۲</sup>

چنانکه در روایتی دیگر می‌خوانیم: کسی که با فکر بیدار شدن برای نماز شب به رختخواب می‌رود اگر هم در خواب بماند خداوند خوابش را صدقه و نفس کشیدنش را تسبیح قرار می‌دهد و پاداش نماز شب را برایش ثبت می‌فرماید.<sup>۳</sup>

بی‌جهت نیست که به ما سفارش شده حتی در خوردن و خوابیدن هم هدف مقدسی داشته باشید.<sup>۴</sup> و حتی اگر شما شخصی را به خاطر خداوند دوست بدارید و خیال کنید که او انسان خوبی است گرچه دوزخی باشد اما شما مأجور هستید.<sup>۵</sup>

### امتیاز نیت بر عمل

امتیازی که نیت کار بر نفس کار دارد این است که در انجام کار، گاهی ریا و خودنمایی مطرح است اما در نیت چون یک امر درونی است و آثار ظاهری ندارد ریا و امثال آن راه ندارد. امتیاز دیگر نیت بر عمل آن است که همیشه و همه جا ممکن است و شرایط خاصی نمی‌طلبد اما انجام یک عمل نیاز به شرایط و امکانات فراوانی دارد.

در روایات ما عنوانی است به نام روایات مَنْ بَلَغَ؛ که این دسته روایات می‌گویند اگر شخصی روایتی شنید که می‌گوید فلان عمل پاداش

۲- محجة ج ۸ ص ۱۰۴.

۴- وسائل ج ۱ ص ۳۵.

۱- محجة البیضاء، ج ۸ ص ۱۰۳.

۳- بحار ج ۷۰ ص ۲۰۶.

۵- محجة ج ۴ ص ۳۷۴.

دارد و آن عمل را انجام داد، خداوند آن پاداش را به او می‌دهد؛ گرچه آن روایت درست نباشد؛ زیرا کسی که به آن حدیث عمل کرده با آرزو و حسن نیت انجام داده است.

### درجات نیت

۱- گاهی ترس از قهر خدا یا طمع به لطف او انسان را به کاری وادار می‌کند. چنان که قرآن در این مورد می‌فرماید: «أَدْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا»<sup>۱</sup> خدا را در هر حال چه حال ترس و چه امید بخوانید. و یا در جای دیگری می‌فرماید: «يَدْعُونَنَا رَغَبًا وَ رَهَبًا»<sup>۲</sup> ما را در حال امید یا ترس می‌خوانند.

۲- مرحله بالاتر آن است که انسان به خاطر تشکر از الطاف او کاری انجام دهد؛ گرچه پاداش یا کیفری از جانب خدا نباشد. چنانکه علی عليه السلام می‌فرماید:

لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ لَكَانَ يَجِبُ أَنْ لَا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمِهِ»<sup>۳</sup>

اگر خداوند هم بر معصیتش وعده عذاب نداده بود بر انسان لازم بود به خاطر تشکر از نعمت‌های او نافرمانی او را نکند.

۳- مرحله برتر آن است که انسان برای حياء و هيبت از خداوند عملی انجام دهد یا کاری را ترک کند زیرا:

«أَعْبُدُ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»

خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می‌بینی؛ زیرا اگر تو او را نمی‌بینی اما او تو را می‌بیند.

۴- مرحله بالاتر قرب به اوست که انسان بدون چشم‌داشتی به بهشت و یا ترس از دوزخ خدا را عبادت کند چون او را تنها شایسته بندگی و عبادت بدانند.

۱- سوره اعراف آیه ۵۶. ۲- سوره انبیاء آیه ۹۰.

۳- نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت، ۲۸۲، ص ۱۲۲۷.

۵- و بالاترین مرحله آن است که عشق او انسان را به کاری وادار کند؛ چنانکه امام حسین علیه السلام شهادت در راه خدا را مانند گردن‌بند به گردن عروس می‌بیند و پدر بزرگوارش حضرت علی علیه السلام عشق به مرگ و لقاء خدا را از علاقه طفل به پستان مادر بیشتر دارد و حضرت قاسم فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام در کربلا می‌گوید: مرگ در راه خدا برای من از عسل شیرین‌تر است.

### نقش نیت در مسائل کیفری

اسلام در مسایل حقوقی و کیفری نیز برای قصد و نیت حساب جداگانه‌ای باز کرده است که به دو نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

در مورد قتل، حساب کسی که از روی عمد و قصد کسی را کشته است از حساب کسی که بدون قصد سبب کشته شدن فردی شده است جداست و هر یک حکم جداگانه دارد.<sup>۱</sup>

در سوگند و قسم نیز قرآن می‌فرماید:

«لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ»<sup>۲</sup>

خداوند شما را به واسطه قسم‌های غیر جدی مؤاخذه نمی‌کند.

### معرفت و شناخت مقدمه قصد قربت

مهم‌ترین راه برای رسیدن به قصد قربت و نیت پاک، معرفت و شناخت است. اگر بدانیم محبوبیت پیدا کردن نزد مردم به دست خداست.<sup>۳</sup>

اگر بدانیم عزت و قدرت ما به دست اوست.<sup>۴</sup>

و اگر بدانیم نفع و ضرر ما به دست دیگران نیست.<sup>۵</sup>

۲- سوره بقره آیه ۲۲۵.

۴- سوره بقره آیه ۱۶۵.

۱- سوره نساء آیه ۹۲.

۳- سوره ابراهیم آیه ۳۷.

۵- مناجات شعبانیه.

و اگر بدانیم کار برای خدا گاهی دو برابر، گاهی ده برابر و گاهی هفتصد برابر پاداش دارد حیف می‌دانیم که برای غیر او کار کنیم. اگر بدانیم که بالا رفتن در جامعه نشانه عظمت نیست؛ زیرا که دود رو سیاه هم بالا می‌رود!

اگر بدانیم که توجه و نظر مردم به ما ارزشی ندارد. اگر به خطرات و رسوایی‌های ریاکاری توجه داشته باشیم. اگر بدانیم روزی را در پیش داریم که احدی به فریاد احدی نمی‌رسد و تنها کسانی نجات می‌یابند که قلب سلیم داشته باشند.<sup>۱</sup>

و اگر بدانیم با نیت فاسد چه ارزش‌هایی را از دست می‌دهیم، خود را برای انجام کار خالص و با قصد قربت آماده می‌کنیم.

### آثار نیت فاسد

در خاتمه بحث نیت اشاره‌ای هم به آفات نیت فاسد می‌کنیم چنان که قبلاً برکات نیت سالم را بیان کردیم.

۱- امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: نیت سوء سبب قبول نشدن دعاهاست. نه تنها نیت غیر خدایی کارها را از رنگ الهی داشتن و عبادت بودن می‌اندازد بلکه سوء نیت هم خطراتی را در بردارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر کسی وام بگیرد اما هدفش این باشد که آن را نپردازد به منزله سارق است.<sup>۲</sup> چنانکه اگر در ازدواج قصد پرداخت مهریه همسرش را نداشته باشد در نزد خدا به منزله زناکار است.<sup>۳</sup>

۲- محرومیت از رزق. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: چه بسا مؤمنی که نیت گناه می‌کند خداوند او را از رزق محروم می‌کند. نمونه عینی این حدیث داستان باغی است که در قرآن آمده است:

۲- وسائل ج ۱۲ ص ۸۶.

۱- سوره شعراء آیه ۸۹.

۳- وسائل ج ۱۵ ص ۲۲.

در سوره ن و القلم از آیه ۱۶ تا ۳۰ داستان گروهی آمده است که باغی داشتند و قصد کردند برای برداشت محصول شبانه بروند تا فقراء آگاه نشوند و چیزی از میوه‌ها را به فقرا ندهند.

سحرگاه که به سراغ باغ رفتند دیدند یک تخته خاکستر است ابتدا گمان کردند راه را گم کرده‌اند؛ اما یکی از آنها که عاقل تر بود گفت آیا من به شما تذکر ندادم چنین قصد و نیتی نکنید. شما قصد محروم کردن فقرا را داشتید خداوند هم شما را از آن محروم کرد.

۳- نشانه شقاوت است. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «مِنَ الشَّقَاءِ فَسَادُ النِّيَّةِ» نیت فاسد نشانه شقاوت است.

۴- برکت از عمر و زندگی می‌رود. چنانکه علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «عِنْدَ فَسَادِ النِّيَّةِ تَرْفَعُ الْبِرَكَّةَ»

خداوند برکت را از کسی که نیتش سالم نیست برمی‌دارد و او نمی‌تواند از نعمت‌های الهی به خوبی استفاده کند.

### الله اکبر

نماز با گفتن الله اکبر شروع می‌شود و اموری را بر نمازگزار حرام می‌کند، مانند: خوردن، آشامیدن و حرف زدن، لذا به تکبیر اول نماز تکبیره الاحرام می‌گویند.

نمازگزار در هر خم و راست شدن و قیام و قعود مستحب است الله اکبر را تکرار کند.

الله اکبر اولین کلمه واجب به هنگام صبح است.

اولین کلمه‌ای که نوزاد مسلمان در آغاز تولد به عنوان اذان و اقامه می‌شنود.

و آخرین کلمه‌ای است که بر مرده خوانده می‌شود (در نماز میت) و سپس وارد قبر می‌شود.

## تکبيرة الاحرام

اولین و یگانه ذکر است که در نماز هم واجب است و هم رکن نماز است.

اولین جمله در سرود مسلمانان یعنی اذان است.

الله اکبر بیشترین ذکر است که هم در مقدمات نماز هم در خود نماز و هم در تعقیبات آن گفته می‌شود؛ به طوری که یک مسلمان در طول یک روز فقط در نمازهای پنجگانه واجب (نه نمازهای مستحب) حدود ۳۶۰ مرتبه آن را تکرار می‌کند. بدین صورت که:

۱- برای هر ۵ نماز اذان وارد شده و در هر اذانی ۶ مرتبه الله اکبر گفته می‌شود (مجموعاً ۳۰ مرتبه).

۲- برای هر ۵ نماز اقامه وارد شده که در هر اقامه‌ای ۴ مرتبه الله اکبر گفته می‌شود (مجموعاً ۲۰ مرتبه).

۳- قبل از شروع نماز در هر ۵ نماز، ۶ تکبیر مستحب است و تکبیر هفتم همان تکبيرة الاحرام واجب است (مجموعاً ۳۰ مرتبه).

۴- تکبيرة الاحرام آغاز نمازها که در مجموع ۵ تکبیر می‌شود.

۵- قبل از هر رکوع در ۱۷ رکعت یک تکبیر وارد شده است (مجموعاً ۱۷ مرتبه).

۶- در هر هفده رکعت نماز دو سجده داریم که برای هر سجده دو تکبیر مستحب است، یکی قبل و یکی بعد از آن (مجموعاً ۶۸ مرتبه).

۷- هر نماز یک قنوت دارد که قبل از هر قنوت یک تکبیر وارد شده است (مجموعاً ۵ مرتبه).

۸- در پایان هر یک از نمازهای ۵ گانه ۳ تکبیر وارد شده است (مجموعاً ۱۵ مرتبه).

۹- بعد از هر نماز ۳۴ مرتبه تکبیر به عنوان تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام می‌گوییم (مجموعاً ۱۷۰ مرتبه).

اگر انسانی با ایمان و توجه کامل هر روز بیش از ۳۶۰ مرتبه بگوید

خدا بزرگتر است، دیگر از هیچ قدرت و توطئه‌ای هراس ندارد.

### تکبیر در نمازهای دیگر

در نمازهای عید فطر و قربان نه فقط در نماز که قبل و بعد نماز، شعراها هم تکبیر است.

در نماز آیات پنج رکوع داریم که برای هر رکوع تکبیری وارد شده است.

در نماز میت که اصولاً ۵ تکبیر رکن نماز است.

### تکبیر در فرهنگ اسلامی

نه فقط در نماز که گفتن الله اکبر در بسیاری از موارد و مواضع حساس وارد شده است. مسلمانان در صدر اسلام هم در تلخی‌ها و هم در شادی‌ها تکبیر می‌گفته‌اند که ما به گوشه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

۱- در جنگ خندق مسلمین برای کندن خندق به سنگ محکمی برخورد کردند که کلنگ شکست؛ اما سنگ نشکست پیامبر ﷺ آمد و با ضربه‌ای سنگ را شکست، مسلمانان یک صدا تکبیر گفتند و در همانجا پیامبر ﷺ فرمود من سقوط کاخ‌های روم و ایران را در برق و جرقه سنگ‌ها دیدم.<sup>۱</sup>

۲- علی علیه السلام در جنگ صفین هرکس را که می‌کشت با صدای بلند تکبیر می‌گفت و مسلمین با شمردن تکبیرها فهمیدند که حضرت چه تعداد را به هلاکت رسانده است.<sup>۲</sup>

۳- شبی که فاطمه زهرا علیها السلام را به خانه علی بن ابیطالب می‌بردند هفتاد هزار فرشته تکبیرگویان به زمین نازل شدند.<sup>۳</sup>

۴- پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم بر جنازه فاطمه بنت اسد ۴۰ تکبیر<sup>۴</sup> و بر

۱- بحار ج ۲۰ ص ۱۹۰  
 ۲- بحار ج ۳۲ ص ۶۰  
 ۳- بحار ج ۴۳ ص ۱۰۴  
 ۴- بحار ج ۳۵ ص ۷۰



- جنازه عموی خود حضرت حمزه ۷۰ تکبیر خواندند.<sup>۱</sup>
- ۵- در مراسم حج هر سنگ ریزه‌ای که به جایگاه شیطان پرتاب می‌شود یک تکبیر گفته می‌شود.<sup>۲</sup>
- ۶- در تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام که ثوابش معادل هزار رکعت نماز مستحبی است ۳۴ مرتبه تکبیر آمده است.<sup>۳</sup>
- ۷- هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متولد شد اولین کلمه‌ای که بر زبان آورد کلمه مبارکه الله اکبر بود.
- ۸- روزی که مگه به دست مسلمانان فتح شد، پیامبر وارد مسجد الحرام شد و به حجرالاسود اشاره کرد و تکبیر گفت و مسلمانان با صدای بلند چنان تکبیر گفتند که لرزه بر اندام مشرکین افتاد.<sup>۴</sup>
- ۹- در روایات می‌خوانیم: هرگاه از برادر دینی خود امری دیدی که موجب تعجب شما شد تکبیر بگویید.<sup>۵</sup>
- ۱۰- در جنگ احد قهرمانی از کفار مبارز می‌طلبید حضرت علی علیه السلام جلو رفت و چنان ضربه‌ای بر او وارد کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان با صدای بلند تکبیر گفتند.<sup>۶</sup>
- ۱۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام می‌فرمود: هرگاه به هلال ماه به آینه نظر کردی یا مشکلی به تو رو آورد ۳ مرتبه تکبیر بگو.<sup>۷</sup>
- ۱۲- زید فرزند امام سجاد علیه السلام که علیه حکومت بنی امیه قیام کرد شعارش الله اکبر بود.<sup>۸</sup>
- ۱۳- در جنگ بدر پیامبر صلی الله علیه و آله در انتظار هلاکت یکی از سران دشمن به نام نوفل بود، همین که خبر دادند حضرت علی علیه السلام او را از میان

۱- بحار ج ۲۰ ص ۶۳  
 ۲- بحار ج ۱۱ ص ۱۶۸  
 ۳- بحار ج ۱۵ ص ۲۴۸  
 ۴- نمونه ج ۲۷ ص ۴۰۷  
 ۵- بحار ج ۹۲ ص ۱۲۷  
 ۶- بحار ج ۲۰ ص ۱۲۶  
 ۷- بحار ج ۹۲ ص ۱۴۵  
 ۸- کتاب زید بن علی ص ۱۸۶

برداشت تکبیر گفت.<sup>۱</sup>

۱۴- هنگامی که حضرت علی علیه السلام به خواستگاری حضرت زهرا علیها السلام آمد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود صبر کن تا موضوع را با دخترم فاطمه در میان بگذارم اما حضرت زهرا علیها السلام سکوت کرد و چیزی نگفت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: الله اکبر سکوتها اقرارها.<sup>۲</sup>

۱۵- در جنگ با خوارج وقتی فرمانده آنها به هلاکت رسید حضرت علی علیه السلام تکبیر گفت و سجده کرد و همه مردم تکبیر گفتند.<sup>۳</sup>

۱۶- گروهی از یهود مسلمان شدند و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند پیامبر قبلی جانشین داشته‌اند وصی شما کیست؟

در اینجا آیه ولایت نازل شد که رهبر شما خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که در حال رکوع انگشتر خود را به فقیر می‌دهند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند به مسجد برویم که وقتی وارد شدند فقیری را دیدند که خوشحال است و حضرت علی علیه السلام در حال رکوع انگشتر خود را به او داده است. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله تکبیر گفتند.<sup>۴</sup>

۱۷- گفتن تکبیر به هنگام ورود به حرم امامان معصوم علیهم السلام سفارش شده است؛ چنان که قبل از خواندن زیارت جامعه ۱۰۰ تکبیر در سه مرحله می‌خوانیم.

۱۸- حضرت علی علیه السلام در قضاوت‌های خود وقتی مجرم را شناسایی می‌کرد تکبیر می‌گفت.<sup>۵</sup>

۱۹- میثم تمار که به جرم طرفداری از حضرت علی علیه السلام به دستور ابن زیاد به دار آویخته شد و با نیزه به او حمله کردند در لحظه شهادت تکبیر می‌گفت و از دهانش خون می‌آمد.<sup>۶</sup>

۲۰- در شب معراج، پیامبر صلی الله علیه و آله از هر آسمانی که می‌گذشت تکبیر

۱- بحار ج ۱۹ ص ۲۸۱

۲- بحار ج ۴۱ ص ۳۴۱

۳- بحار ج ۴۰ ص ۲۶۰

۴- بحار ج ۴۳ ص ۹۳

۵- بحار ج ۳۵ ص ۱۸۳

۶- بحار ج ۴۲ ص ۱۲۵

می‌گفت.<sup>۱</sup>

۲۱- جبرئیل نزد پیامبر ﷺ بود که حضرت علی رضی الله عنه وارد شد جبرئیل گفت ای محمد به خدایی که تو را به پیامبری مبعوث کرد اهل آسمان‌ها از اهل زمین این علی را بهتر و بیشتر می‌شناسند هرگاه او در جنگ‌ها تکبیر می‌گوید ما فرشتگان نیز با او همصدا می‌شویم.<sup>۲</sup>

۲۲- در جنگ خیبر وقتی مسلمانان وارد قلعه شدند چنان تکبیر می‌گفتند که یهودیان پا به فرار گذاشتند.<sup>۳</sup>

### در نماز چگونه تکبیر بگوییم؟

اسلام برای هر کار آدابی را بیان کرده است در گفتن الله اکبر نیز آدابی باید مراعات شود از جمله:

۱- هنگام گفتن تکبیر در نماز دو دست را تا مقابل گوش بالا بیاوریم؛ به طوری که وقتی دست‌ها مقابل گوش رسید تکبیر تمام شده است.

امام رضا رضی الله عنه فرمود: حرکت دست‌ها در موقع تکبیر در توجّه و ابتهال به خدا و حضور قلب مؤثر است.<sup>۴</sup>

۲- انگشتان دست موقع تکبیر بهم چسبیده باشد و بالا رود.

۳- کف دست‌ها رو به قبله باشد.

روایات اسلامی بلند کردن دست هنگام تکبیر را زینت نماز معرفی کرده‌اند.

### معنای تکبیر

الله اکبر یعنی خدا برتر از همه موجودات حسی، عقلی، ملکی و ملکوتی است.

۱- بحار ج ۸۶ ص ۲۰۷.

۲- بحار ج ۳۹ ص ۹۸.

۳- پیامبری و حکومت ص ۱۴۶.

۴- وسائل ج ۴ ص ۷۲۷.

الله اکبر یعنی خدا برتر از آن است که کسی بتواند او را توصیف کند. امام صادق علیه السلام می فرماید: همین که تکبیر می گویی باید همه چیز نزد تو کوچک شود جز او. اینکه انسان با زبان تکبیر بگوید اما دل به دیگری بسته باشد دروغگو و حيله گر است و به خاطر همین امر خداوند شیرینی ذکر خود را از او می گیرد.

### سوره حمد

پس از گفتن تکبیره الاحرام باید سوره حمد خوانده شود و اگر این سوره در نماز خوانده نشود نماز باطل است زیرا: **لَا صَلَوةَ اِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ**.

نام دیگر این سوره فاتحه الكتاب است؛ زیرا قرآن با این سوره آغاز می شود این سوره ۷ آیه دارد<sup>۱</sup> و بنا به روایت جابر بن عبدالله انصاری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله بهترین سوره های قرآن است.

سوره حمد تنها سوره ای است که بر هر مسلمانی واجب است حداقل روزی ۱۰ بار آن را در نمازهای پنج گانه خود بخواند.

در اهمیت این سوره همین بس که در روایات آمده اگر هفتاد مرتبه این سوره را بر مرده خواندید و زنده شد تعجب نکنید.

از نامگذاری این سوره به فاتحه الكتاب معلوم می شود تمام آیات قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جمع آوری و به صورت کتابی درآمده است و به امر ایشان در آغاز و ابتدای کتاب قرار داده شده است. آیات سوره مبارکه حمد اشاراتی درباره خدا و صفات او، مسأله معاد، شناخت و درخواست رهروی در راه حق و قبول حاکمیت و ربوبیت و رحمانیت خداوند دارد. همچنین در این سوره علاقه خود را به ادامه راه اولیاء خدا و بیزاری و انزجار از گمراهان و غضب شدگان را ابراز می کنیم.

۱- عدد هفت، تعداد آسمانها، ایام هفته، عدد طواف، سعی بین صفا و مروه و عدد سنگهایی که به شیطان زده می شود نیز هست.

سوره حمد مایه شفاء است هم شفاء از دردهای جسمانی و هم شفاء از بیماری‌های روحی.

### سیمایی از درس‌های تربیتی سوره حمد

- ۱- انسان در تلاوت سوره حمد با «بسم الله» از غیر خدا قطع امید می‌کند.
- ۲- با «رب العالمین» و «مالک يوم الدين» احساس می‌کند که مربوب و مملوک است.
- ۳- با کلمه «عالمین» میان خود و هستی ارتباط برقرار می‌کند.
- ۴- با «الرحمن الرحیم» خود را در سایه لطف گسترده او می‌بیند.
- ۵- با «مالک يوم الدين» غفلتش از آینده زدوده می‌شود.
- ۶- با «ایاک نعبد» خودخواهی و غرور و ریا و شهرت‌طلبی را کنار می‌گذارد.
- ۷- با «ایاک نستعین» به فکر یاری‌طلبی از دیگران و غیر خدا نیست.
- ۸- از کلمه «انعمت» می‌فهمد که تقسیم نعمت‌ها به دست اوست و باید حسادت را کنار گذاشت؛ زیرا حسود در واقع از داوری و تقسیم روزی به دست خدا راضی نیست.
- ۹- با «اهدنا الصراط المستقیم» رهپاری در راه حق را درخواست می‌کند.
- ۱۰- با «صراط الذين انعمت عليهم» همبستگی خود را با پیروان خدا اعلام می‌دارد.
- ۱۱- با «غیر المغضوب عليهم و لا الضالین» از باطل و اهل باطل بی‌زاری می‌جوید.

### بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله سرآغاز کتاب وحی است. بسم الله نه تنها در ابتدای قرآن

کریم بلکه در آغاز تمام کتاب‌های آسمانی بوده است. بسم الله سرلوحه عمل همه انبیاء علیهم‌السلام بوده است. وقتی کشتی حضرت نوح علیه‌السلام در میان امواج طوفان به راه افتاد نوح به یاران خود گفت: سوار شوید که «بسم الله مجریها و مرسیها»<sup>۱</sup> حرکت و توقف این کشتی با نام خدا است.

حضرت سلیمان نیز وقتی ملکه سبا را به سوی خدا دعوت کرد، دعوتنامه خود را با جمله «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز کرد.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمود: «بسم الله» مایه برکت کارها و ترک آن موجب نافرجامی امور است.

همچنین به شخصی که جمله «بسم الله» را می‌نوشت فرمود «جودها» آن را نیکو بنویس.

به زبان آوردن «بسم الله» در شروع هر کاری سفارش شده است؛ غذا خوردن، خوابیدن، سوار شدن بر مرکب، نکاح و زناشویی و بسیاری از کارهای دیگر. حتی اگر حیوانی بدون گفتن «بسم الله» ذبح شود مصرف گوشت آن حرام است و این رمز آن است که خوراک انسان هدفدار و موحد نیز باید جهت الهی داشته باشد.

چرا هر کاری را با «بسم الله» شروع کنیم؟

همانگونه که هر کشوری پرچمی مخصوص به خود دارد، نام خدا و یاد خدا نیز آرم و نشانه مسلمانان است و جمله بسم الله علامت و رمز این مسلمانان است و در هر کاری چه بزرگ و کوچک و در هر مکانی و در هر زمانی چه صبح و چه شام این کلام مبارک بر زبان مسلمان جاری است. در حدیث می‌خوانیم: بسم الله را فراموش نکن حتی در نوشتن یک بیت شعر و روایاتی در پاداش کسی که برای اولین بار بسم الله را به کودک یاد دهد، وارد شده است.<sup>۲</sup>

تنها در ابتدای سوره براءت (سوره توبه) بسم الله نیامده است که به

فرموده حضرت علی علیه السلام به خاطر آن است که بسم الله کلمه امان دادن و رحمت است و با اعلام برائت از مشرکین سازگار نیست.

### پیام‌های بسم الله

۱- بسم الله نشانگر رنگ و صبغه الهی و بیانگر جهت‌گیری توحیدی ماست.

۲- بسم الله رمز توحید است نه در کنار نام خدا نام دیگری را ببرید و نه به جای نام او نام دیگری قرار دهید.

۳- بسم الله رمز بقاء و دوام است و هرچه رنگ خدایی نداشته باشد فانی است.<sup>۱</sup>

۴- بسم الله رمز عشق به خدا و توکل به اوست.

۵- بسم الله رمز دوری از تکبر و اظهار عجز به درگاه خداست.

۶- بسم الله رمز بیمه کردن کارها با نام خداست.

۷- بسم الله رمز قداست بخشیدن به کارهاست.

۸- بسم الله رمز ذکر و یاد همیشگی خداست که خدایا ترا در هیچ حال فراموش نمی‌کنم.

۹- بسم الله بیانگر هدف انسان است؛ که خدایا هدفم تو هستی نه مردم، نه دنیا و نه هوس‌ها.

۱۰- بسم الله یعنی فقط و فقط از او استمداد می‌جویم نه دیگران.

۱۱- بسم الله بیانگر آن است که محتوای سوره از مبدأ حق و مظهر رحمت نازل شده است.

### واژه الله

الله یعنی ذاتی که شایسته عشق و پرستش است زیرا همه کمالات

۱- کُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ سوره قصص آیه ۸۸.

را دربردارد.

در قرآن حدود صد نام برای خدا آمده است که «الله» جامع‌ترین آنهاست.

اصولاً نام‌های خداوند هر کدام اشاره به صفتی از صفات خدا دارد نه آنکه فقط یک علامت و نشانه‌ای برای خدا باشد.

قرآن می‌فرماید: «وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» یعنی نام‌های نیکو و بهترین نام‌ها مخصوص خداست. در روایات ۹۹ نام برای خدا ذکر شده که به عنوان اسماء حسنی معرفی شده‌اند و آمده است هرکس خدا را با این نام‌ها بخواند دعایش مستجاب می‌شود.<sup>۱</sup> و در دعای جوشن کبیر خدا را با هزار نام و صفت می‌خوانیم.

آمدن دو کلمه «رحمن» و «رحیم» به دنبال «الله» رمز آن است که انسان کار خود را با امید به لطف و رحمت الهی آغاز کند و بداند که منشأ همه امیدها و رحمت‌ها خداست.

شروع کار با الفاظ رحمت، رمز آن است که اصل و بنای الهی بر لطف و رحمت است و سزاوار است که انسان از سرچشمه رحمت الهی استمداد کند.

رحمن نام مخصوص خداست زیرا تنها رحمت او گسترده و فراگیر و همیشگی است. دیگران یا رحمتی ندارند و یا گسترده نیست؛ علاوه بر آنکه دیگران اگر هم چیزی می‌بخشند توقع پاداش دنیوی یا اخروی دارند.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

شکر و سپاس و ستایش مخصوص پروردگاری است که هستی را به

سوی کمال می‌برد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ



کلمات حمد، مدح و شکر گرچه در ظاهر یک معنی دارند اما هر کدام در جای خاصی به کار می‌روند مثلاً: کلمهٔ مدح به معنای ستایش است چه ستایش به حق باشد و چه از روی چاپلوسی و ناحق، چه به خاطر کمالات فرد باشد و چه از ترس و طمع و یا اغفال و خودشیرینی. کلمهٔ شکر، سپاس در برابر خیر و نعمتی است که از دیگران به انسان رسیده است.

اما در کلمهٔ حمد علاوه بر ستایش و سپاس یک معنای دیگری نیز نهفته است و آن پرستش است. یعنی سپاس و ستایشی که به حدّ پرستش رسیده باشد، لذا مدح و شکر دیگران جایز است اما حمد مخصوص خداست زیرا پرستش مخصوص اوست.

گرچه بعد از «الحمد لله» چهار وصف برای خدا آمده است: «ربّ العالمین»، «الرحمن»، «الرحیم»، «مالک یوم الدین» که نشان می‌دهد انسان باید به خاطر این الطاف و عظمت الهی، حمدگوی خدا باشد، اما قبل از هر چیز کلمهٔ «الله» آمده است یعنی حمد تنها برای اوست چون تنها او شایستهٔ حمد است، بر فرض هم که چنین اوصافی در کنارش نیامده باشد.

### رَبِّ الْعَالَمِينَ

خداوند، پروردگار همهٔ هستی است. آنچه در آسمان‌ها و زمین و میان آنهاست پروردگارشان اوست:

«رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا»<sup>۱</sup> و «هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ»<sup>۲</sup>

حضرت علی علیه السلام در تبیین آیه می‌فرماید: «من الجمادات و الحيوانات» یعنی او پروردگار جماد و حیوان، جاندار و بی‌جان است. گرچه گاهی مراد از «عالمین» انسان‌ها هستند اما بیشتر، عالم به معنای مخلوقات و عالمین به معنای تمام مخلوقات استعمال شده

است. از این آیه فهمیده می‌شود پروردگار تمام هستی اوست و آنچه در جاهلیت و در میان بعضی ملت‌ها اعتقاد داشتند که برای هر نوعی از موجودات خدایی مستقل است که ربّ النوع آن پدیده است فکری باطل است.

خداوند برای همه موجودات پس از آفرینش مسیری برای رشد و تکامل تعیین نموده است و تربیت الهی همان مسیر هدایت اوست. «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»<sup>۱</sup> پروردگار ما کسی است که به همه موجودات نعمت وجود بخشیده و سپس آنها را به سوی کمال هدایت نموده است اوست که به زنبور عسل، یاد داده از چه گیاهی بمکد و به مورچه آموخته چگونه قوت زمستانی خود را ذخیره کند و بدن انسان را چنان آفریده که به طور خودکار خون‌سازی کند.

آری چنین خداوندی شایسته حمد و سپاس است. حمد از ویژگی‌های انسان می‌باشد که در برابر جمال و کمال و زیبایی، ستایش و در برابر نعمت‌ها و احسان‌ها تشکر می‌کند خداوند متعال به خاطر کمال و جمالش شایسته ستایش و به خاطر احسان و انعامش لایق شکرگزاری است. ربّ العالمین یعنی رابطه خداوند با مخلوقات رابطه‌ای دائمی و تنگاتنگ است.

ربّ العالمین یعنی زمینه و امکان رشد و تربیت برای همه وجود دارد نه تنها خوبان که بدها نیز در حال اوج گرفتن هستند. «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ»<sup>۲</sup>

خداوند می‌فرماید: ما همه را کمک می‌کنیم و میدان را برای همه بازگذاشته‌ایم تا هرکس به هر هدفی که دارد برسد. البته چون دنیا دار تزامم و موانع است طبیعی است که همه‌کس به همه آرزوهایش نمی‌رسد.

۲- سوره اسراء آیه ۲۰.

۱- سوره فاطمه آیه ۵۰.

ربّ العالمین یعنی خداوند، هم مالک هستی است هم مدبّر آن. کلمه «ربّ» یا از ریشه «رَبَّی» به معنای رشد و تربیت گرفته شده و یا از واژه «رَبَّ» به معنای صاحب. خداوند هم صاحب جهان است هم مرتبی و مدبّر آن. «لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup> هم آفرینش از اوست، هم اداره آن و هم پرورش دهنده همه اوست.

طبق روایات کلمه «الحمد لله ربّ العالمین» بهترین تشکر از نعمت‌های خداوند است و لذا سفارش شده قبل از هرگونه دعا و درخواستی از خدا، حمد خدا کنید و گرنه دعا ناقص است. نه تنها در آغاز دعا و نیایش، بلکه اهل بهشت در پایان کار همان شعار را تکرار می‌کنند که «وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۲</sup>

### الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه این دو کلمه به بخشنده مهربان ترجمه کامل و رسایی نیست؛ زیرا به قول علامه شهید مطهری، بخشنده مهربان ترجمه جواد و رؤوف است نه رحمن و الرحیم و اصولاً برای این دو کلمه، واژه معادل فارسی یافت نشده است.

گرچه «رحمن» و «رحیم» هر دو از ریشه «رحمة» گرفته شده‌اند؛ اما «رحمن» به رحمت گسترده الهی گفته می‌شود که ابتدایی است و همه انسان‌ها را شامل می‌شود ولی «رحیم» رحمتی است که به عنوان پاداش و نتیجه کارهای خوب تنها بر نیکوکاران نازل می‌شود. به فرموده امام صادق علیه السلام خداوند نسبت به تمام مخلوقات «رحمن» است اما «رحیم» به مؤمنان اختصاص دارد. خداوند رحمت را بر خود واجب کرده است: «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»<sup>۳</sup> چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کتاب او نیز برای هستی، رحمت است: «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۴</sup>

پرورش و تربیت او براساس رحمت است و کیفر و عقوبت او نیز

۱-سوره اعراف آیه ۵۴. ۲-سوره یونس آیه ۱۰. ۳-سوره اعراف آیه ۱۵۶. ۴-سوره انبیاء آیه ۱۰۷.

همچون چوب معلّم لازمه تربیت است. بخشیدن گناهان و قبول توبه بندگان و عیب‌پوشی آنان و دادن فرصت برای جبران گذشته همه مظاهر رحمت فراگیر او هستند.

اصولاً هستی جلوه رحمت اوست و هر چه از جانب او به هر موجودی برسد لطف و رحمت است؛ لذا همه سوره‌های قرآن با «بسم الله الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» آغاز می‌شود.

«الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» در کنار «رَبِّ الْعَالَمِينَ» آمده است یعنی تربیت الهی بر اساس لطف و رحمت است؛ چنانکه تعلیم او نیز بر پایه رحم و مهربانی است: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ»<sup>۱</sup> خدای مهربان قرآن را به بشر تعلیم کرد و این خود درسی برای ما انسان‌هاست که معلّم و مربّی باید همواره مهربان و رحیم باشد.

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

مالک روز جزاست.

خداوند هم مالک است و هم مَلِك. هستی نیز مَلِك تحت مالکیت اوست و هم مَلِك تحت سلطنت و حکومت او. مالکیت او فراگیر است و همه چیز را شامل می‌شود و حتی حکومت هم تحت مالکیت اوست: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ»<sup>۲</sup> چنانکه انسان نیز نسبت به اعضا بدن خود هم مالک است و هم حاکم و فرمانروای بدن خود.

مالکیت خدا واقعی است نه اعتباری و قراردادی. گرچه خداوند هم مالک دنیا است و هم آخرت؛ اما چون انسان در دنیا خود را مالک اشیاء و امور می‌بیند از مالک اصلی غافل می‌شود ولی در آن روز که همه اسباب قطع و نسبت‌ها محو و زبان‌ها مَهْر زده می‌شود و مالکیت الهی را به خوبی احساس و ادراک می‌کند. به او خطاب می‌شود: «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ» امروز حکومت از آن کیست؟ و او که تازه چشمش باز شده

۱- سوره الرحمن آیه ۲.

۲- سوره آل عمران آیه ۲۶.

می‌گوید: «لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»<sup>۱</sup>

نمازگزاری که در هر نماز می‌گوید خداوند «مالک یوم الدین» است همواره در یاد معاد و قیامت است و هر کاری که می‌خواهد بکند از ابتدا به فکر حساب و کتاب روز جزاست.

## واژه دین

کلمه «دین» در معانی گوناگونی به کار رفته است:

۱- شریعت و قانون الهی، چنانکه قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>۲</sup> همانا دین در نزد خدا اسلام است.

۲- عمل و اطاعت چنانکه قرآن می‌فرماید: «لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»<sup>۳</sup> دین خالص (عمل خالص) برای خداست.

۳- حساب و جزا، چنانکه این آیه شریفه می‌فرماید: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ».

یکی از نام‌های روز قیامت، «یوم الدین» یعنی روز کیفر و پاداش، چنانکه قرآن از قول منکران قیامت نقل می‌کند که «يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ» می‌پرسند روز قیامت چه وقت است؟ و یا در مقام معرفی این روز می‌فرماید: «ثُمَّ مَا أَدْرِيكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ»<sup>۴</sup> نمی‌دانی روز دین (روز قیامت) چه روزی است؟! روزی است که هیچ‌کس برای کسی کارائی ندارد و تنها حکم و فرمان الهی حاکم است.

«مالک یوم الدین» انداز و هشدار است که ای نمازگزار از امروز به فکر فردا باش. فردایی که «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»<sup>۵</sup> مال و ثروت و فرزند نفعی ندارد، فردایی که «لَنْ تَنْفَعَكُمُ أَرْحَامُكُمْ»<sup>۶</sup> بستگان و نزدیکان نیز

۱- سوره غافر آیه ۱۶. ۲- سوره آل عمران آیه ۱۷.

۳- سوره زمر آیه ۳. ۴- سوره انفطار آیه ۱۸.

۵- سوره شعراء آیه ۸۸. ۶- سوره ممتحنه آیه ۳.

فایده‌ای نمی‌رسانند، فردایی که نه زبان اجازه عذرتراشی دارد و نه فکر فرصت تدبیر، فردایی که تنها یک چیز کارساز و چاره‌ساز است و آن لطف خداوند است. قرار گرفتن «مالک یوم الدین» در کنار «الرَّحْمَن الرَّحِيم» نشان می‌دهد که مزده و اخطار باید در کنار هم باشند و تشویق و تنبیه در کنار یکدیگر.

چنانکه قرآن کریم در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«نَبِيٌّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيم.»<sup>۱</sup> ای پیامبر به بندگانم خبر ده که من بسیار مهربان و آمرزنده‌ام ولی عذاب و مجازات من نیز دردناک است و در آیه‌ای دیگر خداوند را چنین معرفی می‌کند: «قَابِلُ التَّوْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ»<sup>۲</sup> خداوند هم پذیرنده توبه گنهکاران است و هم عقوبت کننده شدید گنهکاران.

بهرحال «الرَّحْمَن الرَّحِيم» امید دهنده است و «مالک یوم الدین» بیم دهنده و مسلمان باید میان بیم و امید و خوف و رجاء باشد تا نه دچار غرور گردد و نه مأیوس از رحمت الهی.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

خدایا تنها ترا می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوئیم. «ایاک نعبد» یعنی فقط بنده تو هستیم نه بنده دیگران، این جمله دو بعد دارد یکی اثبات بندگی او و دیگری نفی بندگی غیر او. کسانی که به خدا ایمان دارند اما سلطه طاغوت‌ها را پذیرفته‌اند نیمه مسلمان هستند و شاید نامسلمان! ایمان به خدای منهای کفر به طاغوت یعنی مسلمان اسیر! برای رهایی از قرار گرفتن در مدار شرک باید به مرکز وحدت و قدرت پناهنده شد و لذا نمازگزار در نماز تنها خود را نمی‌بیند که به فکر خود باشد؛ بلکه گویا به نمایندگی از تمام موحدان سخن می‌گوید که خدایا من به تنهایی قابل و لایق نیستم تا عبادتی شایسته داشته

باشم و لذا در میان جمع مسلمین آمده‌ام و ما همگی تو را عبادت و بندگی می‌کنیم. نه فقط من که همه ما از تو استمداد می‌جوئیم. بنابراین نماز باید در اصل به جماعت خوانده شود و نماز فرادی در مرحله بعدی قرار دارد.

آیات قبلی به ما توحید نظری و شناخت صحیح از خداوند داد و این آیه توحید عبادی و عملی را مطرح می‌کند؛ نه فقط خدا را به یگانگی بشناس؛ بلکه در عمل نیز تنها یگانه را عبادت کن یگانه پرست باش. چرا خدای رحمن و رحیم و ربّ و مالک را رها کنی و به سراغ بندگی دیگران بروی؟ فقط بنده خدا باش نه بنده شرق و غرب، نه بنده زر و زور و نه بنده طاغوت‌ها. حتی حق بندگی و اطاعت از صالحان را نداری؛ مگر آنکه خداوند به تو اجازه یا دستور دهد. چنانکه در مورد پیامبرش می‌فرماید: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»<sup>۱</sup> هرکس از رسول پیروی کند خدا را اطاعت کرده است چنانکه اگر اطاعت از پدر و مادر می‌کنیم چون او به ما دستور داده است و در حقیقت اطاعت از خدا می‌کنیم.

انسان باید به حکم عقل تنها بندگی خدا را بپذیرد؛ زیرا ما انسان‌ها عاشق کمال هستیم و نیازمند رشد و تربیت و خداوند نیز جامع تمام کمالات و ربّ تمام آفرینش است. اگر به مهر و محبت نیازمندیم او رحمن و رحیم است و اگر از آینده دور نگرانیم او صاحب اختیار و مالک آن روز است؛ پس چرا به سوی دیگران برویم و از آنها مدد بخواهیم. ایاک نعبد یعنی با جامعه هستم اما به غیر تو دل نبسته‌ام. نه از اجتماع مسلمین کناره می‌گیرم که خلق تو را فراموش کنم و نه در جامعه ذوب می‌شوم که خالق را رها کنم. بلکه می‌دانم مسیر به سوی خالق از میان خلق می‌گذارد.

ایاک نستعین یعنی گرچه از اسباب و وسایلی که تو در آفرینش

قرار داده‌ای استفاده می‌کنیم اما می‌دانیم اثر و کارآیی هر سبب و وسیله‌ای به دست توسست. هم چیزی را سبب قرار می‌دهی و هم می‌توانی اثر آن را بگیری. اراده تو حاکم بر همه قوانین است و طبیعت محکوم اراده توسست.

ایاک نعبد یعنی تنها تو شایسته پرستشی و ما نه از روی ترس و طمع بلکه از روی عشق و محبت تو را عبادت می‌کنیم کدام محبوب از تو به ما نزدیک‌تر و به ما مهربان‌تر؟

ایاک نعبد و ایاک نستعین می‌گوییم «نَعْبُدُ» پس دارای اختیار هستیم و چون می‌گوییم «نستعین» پس نیازمندیم و همه امور در اختیار ما نیست.

ایاک نعبد و ایاک نستعین یعنی نماز را به جماعت می‌خوانیم و با مسلمانان در یک صف، برادر و برابر و همدل و هماهنگ هستیم.

ایاک نعبد یعنی خدایا من تو را بر خود حاضر و ناظر می‌بینم و لذا می‌گویم: «ایاک» و بنده‌ای که خود را در محضر خدای تعالی ببیند زودتر بهره می‌گیرد از ابتدای سوره حمد به‌طور غیابی با خدا سخن می‌گفتیم اما در اینجا به حضور و خطاب می‌رسیم اول با صفات خدا آشنا می‌شویم اما کم کم به خودش می‌رسیم و نه فقط یک بار بلکه چون گفتگو با محبوب شیرین است کلمه «ایاک» را تکرار می‌کنیم.

پرواز معنوی مراحل دارد لذا اول سوره، حمد و ثنا می‌کنیم با «ایاک نعبد» ارتباط و در «ایاک نستعین» دعا می‌کنیم: ثناء، ارتباط، دعا. گرچه عبادت از ماست اما در عبادت کردن هم نیازمند کمک تو هستیم: «وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»<sup>۱</sup> اگر هدایت الهی نبود ما هدایت نمی‌یافتیم.

گرچه تنها از او استعانت می‌جوییم اما استمداد از غیر او اگر با



رضایت او باشد اشکال ندارد. چنانکه انسان از استعداد و نیرو و فکر خود کمک می‌گیرد و این منافاتی با توحید ندارد. خداوند خود به ما دستور می‌دهد: «تَعَاوَنُوا» زیرا زندگی بدون تعاون و یاری امکان ندارد. حضرت علی علیه السلام به کسی که دعا می‌کرد خدایا مرا محتاج مردم نکن، فرمود: این حرف صحیح نیست بلکه بگو خدایا مرا محتاج افراد بد نکن؛ زیرا زندگی بدون همکاری و همیاری ممکن نیست.

کسی که صادقانه بگوید: «ایاک نعبد» دیگر روح تکبر و غرور و خودخواهی ندارد و در برابر دستورات الهی خاضع و مطیع است. می‌داند که چون خداوند بیشترین لطف را بر او کرده باید بهترین تذلل را به درگاهش بیاورد. همچون عبد مطلق در برابر مولای مطلق بایستد و خاضعانه بگوید: من بنده‌ام و تو مولایی. من کسی جز تو را ندارم (ایاک) اما تو غیر مرا فراوان داری و همه هستی ذلیل و مملوکِ توست. پس تو به عبادت من نیاز نداری بلکه من سراپا محتاج لطف و کرم تو هستم و باید همواره از تو مدد بجویم.

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

خداوندا ما را به راه مستقیم هدایت فرما.

کاروان هستی در حال حرکت به سوی خداست: «إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»<sup>۱</sup> و انسان نیز در تلاش و حرکت: «أَنْتَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ»<sup>۲</sup> و در هر حرکتی تنها یک راه مستقیم وجود دارد و باقی راه‌ها انحرافی است. اسلام برای این حرکت هم راه تعیین نموده هم راهنما، هم مقصد را مشخص کرده و هم وسیله حرکت را در اختیار انسان قرار داده است و این ما هستیم که باید انتخاب کنیم به کدام راه برویم.

خداوند در عمق جان و فطرت هر انسان میل به رشد و کمال و حق جوئی را قرار داده که اگر این میل و کشش را در پرتو تعلیمات انبیا

پرورش داد مورد عنایت خاص خداوند قرار می‌گیرد: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى»<sup>۱</sup> آنان که هدایت را بپذیرند خداوند هدایتشان را بیشتر می‌کند و راه‌های خودش را به آنها نشان می‌دهد.

قرآن دو نوع هدایت را مطرح می‌کند، یکی هدایت تکوینی نظیر هدایت زنبور عسل که چگونه از شهد گل‌ها بمکد و چگونه برای ذخیره‌سازی عسل درست کند و بسازد و یکی هدایت تشریحی که اختصاص به انسان‌ها دارد و همان راهنمایی‌های انبیاء الهی است.

### صراط مستقیم کدام است؟

کلمه صراط که بیش از ۴۰ مرتبه در قرآن آمده است به معنی راه هموار، روشن و وسیع است در زندگی انسان‌ها راه‌های متعددی وجود دارد که او باید یکی از آنها را انتخاب کند.

راه هوس‌های خود راه هوس‌های مردم راه طاغوت‌ها راه نیاکان و پیشینیان به جهت تعصب‌های قومی و نژادی، راه وسوسه‌های شیطانی، راه‌های تجزیه نشده و بالاخره راه خدا و اولیاء خدا.

طبیعی است که انسان معتقد به خدا از میان این همه راه تنها راه خدا و اولیاء او را انتخاب می‌کند؛ زیرا این راه امتیازاتی دارد که دیگر راه‌ها ندارد:

\* راه مستقیم نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به مقصود است.

\* راه الهی ثابت است برخلاف راه‌های دیگر که طبق هوس‌های

خود یا دیگران هر روز تغییر می‌کند.

\* یک راه بیشتر نیست زیرا میان دو نقطه تنها یک خط مستقیم

وجود دارد اما راه‌های دیگر متعدد است.

\* راهی مطمئن و بی‌خطر است، برخلاف راه‌های دیگر که انسان

همواره در معرض خطر سقوط قرار دارد.

\* راهی که انسان را به مقصد یعنی رضای خدا می‌رساند و در آن شکست و باخت وجود ندارد.

\* راه مستقیم، راه خداست: «إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۱</sup>

\* راه مستقیم همان راه انبیاست: «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَىٰ صِرَاطٍ

مُسْتَقِيمٍ»<sup>۲</sup>

راه مستقیم، راه بندگی خداست: «وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»<sup>۳</sup>

\* راه مستقیم، توکل و تکیه بر خداست: «وَمَنْ يَعْتَصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ

إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۴</sup>

انسان باید هم در انتخاب راه از خداوند کمک بگیرد و هم در ادامه دادن و بودن در راه. مانند لامپی که برای روشن ماندن باید هر لحظه از منبع اصلی، برق دریافت کند. لذا نه تنها مردم عادی بلکه پیامبر خدا و ائمه معصومین علیهم‌السلام باید در هر نماز از خدا بخواهند که آنان را بر صراط مستقیم پایدار بدارد. نه فقط در حال نماز بلکه در همه حال و در هر کاری؛ چه انتخاب شغل و چه انتخاب دوست، چه در ازدواج و چه در تحصیل، باید همواره از خدا بخواهد که او را در مسیر مستقیم قرار دهد؛ زیرا چه بسا انسان در عقاید، صحیح فکر می‌کند اما در عمل دچار لغزش می‌شود و گاهی بالعکس.

راه مستقیم راه اعتدال و میانه‌روی است، علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطِيُّ هِيَ الْجَادَةُ»<sup>۵</sup> چپ و راست

انحراف است و طریق سعادت همان راه وسط است.

راه مستقیم یعنی دوری از هرگونه افراط و تفریط، نه انکار حق و نه

غلو در حق، نه جبر و تفویض، نه فرد‌گرایی و نه جامعه‌گرایی، نه

۲- سوره یس آیه ۴.

۱- سوره هود آیه ۵۶.

۴- سوره آل عمران آیه ۱۰۱.

۳- سوره یس آیه ۶۱.

۵- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبة ۱۶، ص ۶۹.

ذهن‌گرایی و نه عمل‌زدگی، نه دنیاگرایی و نه آخرت‌زدگی. نه غفلت از حق و نه غفلت از خلق، نه عقل‌زدگی و نه عاطفه‌گرایی، نه تحریم طیبات و نه غوطه در شهوات، نه بخل و نه اسراف، نه حسادت و نه تملق، نه ترس و نه تهوّر و... بلکه چه در عقاید و افکار و چه در اعمال و رفتار همواره راه میانه و اعتدال را پیش بگیریم.

برای حرکت در صراط مستقیم باید همواره از خدا کمک بگیریم زیرا این صراط از مو باریک‌تر و از شمشیر تیزتر است و هر لحظه خطر سقوط وجود دارد. کسی از صراط قیامت عبور می‌کند که توانسته باشد در دنیا از صراط مستقیم الهی منحرف نشود، چه انحرافات فکری و چه انحرافات عملی و اخلاقی.

یکی قائل به جبر می‌شود و همه کارها را به خدا نسبت می‌دهد گویا که انسان در سرنوشت خود تأثیری ندارد و بی‌اراده و اختیار است، و دیگری خود را همه کاره دانسته و دست خدا را بسته می‌بیند.

یکی رهبران آسمانی را همچون مردم عادی می‌داند و دیگری آنها را در حدّ خدایی بالا می‌برد و مسیح را فرزند خدا و بلکه خود خدا می‌شمرد!

یکی زیارت و توسّل به اولیاء خدا را شرک می‌داند و دیگری حتی به درخت و دیوار متوسّل می‌شود! یکی از روی غیرت نابجا اجازه نمی‌دهد همسرش از خانه خارج شود و دیگری از روی بی‌غیرتی همسرش را بی‌حجاب به کوچه و بازار می‌فرستد.

اینها همه انحراف از مسیر مستقیم الهی است که خداوند می‌فرماید: دین پابرجا و استوار من بر صراط مستقیم است: «قُلْ إِنَّنِي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قَيِّمًا»<sup>۱</sup>

و در جای دیگر می‌فرماید: امت اسلام را امتی میانه قرار دادم تا

اسوه و الگوی دیگران باشند: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»<sup>۱</sup>.

در روایات آمده است که امام معصوم علیه السلام می فرمودند: راه مستقیم ما هستیم. یعنی نمونه عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در این راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، انتقاد، انفاق، اظهار علاقه، محبت، قهر، صلح و... همواره ما را به اعتدال و میانه روی سفارش کرده اند.

ما در اینجا نمونه هایی از آیات و روایات را که در آنها به جنبه اعتدال تأکید و از افراط و تفریط نهی شده است می آوریم:

\* «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»<sup>۲</sup> بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید  
 \* «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ»<sup>۳</sup> در انفاق کردن نه دست باش و نه چنان گشاده دست که بعد خود محتاج شوی.  
 \* «الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»<sup>۴</sup>  
 مؤمنان کسانی هستند که به هنگام انفاق نه اهل اسرافند و نه اهل بخل؛ بلکه میانه رو هستند.

\* «لَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا»<sup>۵</sup> نمازت را نه بسیار بلند بخوان و نه بسیار آهسته بلکه با صدایی معتدل بخوان.  
 \* «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»<sup>۶</sup> مؤمن هم دافعه دارد هم جاذبه. نسبت به کفار شدید و نسبت به مؤمنان رحیم.

\* «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»<sup>۷</sup> هم ارتباط با خلق هم ارتباط با مخلوق. هم نماز بخوانید و هم زکات بدهید.

۱- سوره بقره آیه ۱۴۳.  
 ۲- سوره اعراف آیه ۳۱.  
 ۳- سوره اسراء آیه ۲۹.  
 ۴- سوره فرقان آیه ۶۷.  
 ۵- سوره اسراء آیه ۱۱۰.  
 ۶- سوره فتح آیه ۲۹.  
 ۷- سوره بقره آیه ۴۳.

\* «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»<sup>۱</sup> هم ایمان و باور قلبی لازم است و هم رفتار و عمل صالح.

\* گرچه قرآن می‌فرماید: «وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِحْسَانًا»<sup>۲</sup> نسبت به والدین احسان کنید؛ اما اگر آنها شما را از راه خدا باز می‌دارند اطاعت آنها جایز نیست: «فَلَا تُطِعْهُمَا»<sup>۳</sup>

\* نه دوستی‌ها شما را از بیان حق باز دارد: «شَهَادَةٌ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ»<sup>۴</sup> و نه دشمنی‌ها شما را از رفتار عادلانه دور کند. «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَنْ لَا تَعْدِلُوا»<sup>۵</sup>

\* شب عاشورا امام حسین علیه السلام هم مناجات می‌کرد و هم شمشیر نیز می‌کرد.

\* زائران خانه خدا روز عرفه و شب عید قربان دعا می‌خوانند اما روز عید باید به قربانگاه رفته و با خون آشنا شوند!

\* و بالاخره اسلام دین یک بعدی نیست که به جنبه‌ای توجه کند و جنبه‌ای را فراموش کند بلکه به همه ابعاد وجود انسان در حد اعتدال و میانه توجه کرده است. صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ.

به راه کسانی که آنها را مشمول نعمت خود ساختی هدایت کن نه راه کسانی که بر آنان غضب کردی و نه گمراهان.

نمازگزار به دنبال درخواست هدایت به راه مستقیم از خداوند می‌خواهد که او را به همان راهی هدایت کند که نعمت یافتگان الهی در آن راه بوده‌اند. قرآن در آیات ۶۸ سوره نساء و ۵۸ سوره مریم این گروه را معرفی می‌کند که در اینجا توجه شما را به آیه ۶۸ نساء جلب می‌کنیم:

۱- سوره بقره آیه ۸۲  
 ۲- سوره بقره آیه ۸۳  
 ۳- سوره عنکبوت آیه ۸  
 ۴- سوره نساء آیه ۱۳۵  
 ۵- سوره مائده آیه ۸

«وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدُقِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ»: کسانی که پیروی خدا و رسول بنمایند آنان با کسانی هستند که خداوند آنها را نعمت بخشیده است از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان بنابراین نمازگزار از خداوند می‌خواهد او را در خطّ انبیاء و شهدا و صالحان قرار دهد. آرزوی پیمودن راه این نیکان و پاکان، انسان را از خطر کجروی و بیراهه‌روی بازداشته و یاد و خاطره آنان را همواره در ذهن و خاطر نمازگزار زنده می‌دارد.

### غضب‌شدگان و گمراهان کیانند؟

در قرآن افرادی همانند فرعون و قارون و ابولهب و امت‌هایی همچون قوم عاد و ثمود و بنی اسرائیل به عنوان غضب‌شدگان معرفی شده‌اند. ما در هر نماز از خدا می‌خواهیم که در اعتقاد و اخلاق و عمل همانند این افراد و گروه‌ها که گرفتار قهر و غضب الهی شده‌اند، نباشیم. بنی اسرائیل که داستان زندگی و تمدن آنها در قرآن بیشتر آمده است، زمانی بر تمام مردم عصر خویش برتری داشتند که خداوند در مورد آنها می‌فرماید: «فَضَّلْتَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup> شما را بر جهانیان برتری دادم. اما بعد از این فضیلت و برتری به خاطر کردار و رفتار ناشایسته دچار قهر و غضب خداوند شدند که قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَبَأْؤًا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ»<sup>۲</sup> این تغییر سرنوشت به علت تغییر در رفتار آنان بوده است.

دانشمندان یهود دستورات آسمانی تورات را تحریف کردند. «يَحْرَقُونَ الْكَلِمَةَ»<sup>۳</sup> تجار و ثروتمندان آنها به رباخواری و حرام‌خواری روی آوردند: «وَ أَخَذِهِمُ الرَّبُّ»<sup>۴</sup> و توده مردم در برابر دعوت به جهاد و مبارزه، به علت تن‌پروری و یا ترس از رفتن به جبهه نبرد سرباز زدند و

۲- سوره بقره آیه ۶۱.  
۴- سوره نساء آیه ۱۶۱.

۱- سوره بقره آیه ۴۷.  
۳- سوره مائده آیه ۴۱.

به موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتند: تو و خدایت به جنگ بروید و ما همین جا نشسته ایم! «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هُنَا قَاعِدُونَ»<sup>۱</sup>

همین انحرافات فکری و عملی باعث شد که خداوند آنان را از اوج عزت به قعر ذلت و سرافکنندگی مبتلا ساخت.

پس در هر نماز از خدا می‌خواهیم که نه اهل تحریف کتاب خدا باشیم نه اهل رباخواری و نه اهل فرار از جنگ و جهاد. همچنین از گمراهان نباشیم آنان که همچون افراد گمشده دچار حیرت و سرگردانی‌اند و هر لحظه بدون آنکه هدفی داشته باشند به سویی می‌روند نان را به نرخ روز می‌خورند و از خود اراده و اختیاری ندارند.

\* «ضالّین» نه همچون «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» در خط انبیاء و صالحان آمده‌اند و نه همچون «المغضوب علیهم» در مقابل دین خدا، جبهه‌گیری و مبارزه‌طلبی می‌کنند؛ بلکه افرادی بی‌تفاوت، بی‌درد و رفاه طلب هستند که همچون چهارپایان تنها در فکر شکم و شهوت‌اند و کاری به حق و باطل ندارند. برای آنها فرقی نمی‌کند که پیامبران حاکم باشند یا طاغوت‌ها، مهم آن است که آنها در رفاه و آسایش مادی باشند، هر کس که می‌خواهد حکومت کند، این گروه گمراهند زیرا راه مشخصی را برای خود برگزیده‌اند.

\* این آیه مصداق کامل تولّی و تبرّی است نمازگزار در پایان سوره حمد، عشق و علاقه و تولّی خود را به انبیاء و شهدا و صالحان ابراز داشته و از مغضوبان و گمراهان تاریخ تبرّی و براءت می‌جوید. و همین ابراز تنفر از مغضوبان و گمراهان در هر نماز، جامعه اسلامی را در برابر پذیرش حکومت آنان پایدار و مقاوم می‌سازد. قرآن سفارش می‌کند: «لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»<sup>۲</sup> هرگز سرپرستی گروه غضب‌شدگان الهی را نپذیرید.

۲- سوره ممتحنه آیه ۱۳.

۱- سوره مائده آیه ۲۴.



## اهمیت سوره توحید

در نماز بعد از سوره حمد باید یکی دیگر از سوره‌های قرآن خوانده شود که نمازگزار می‌تواند هر سوره‌ای را انتخاب کند. البته به غیر از چهار سوره‌ای که سجده واجب دارند. اما در میان سوره‌ها، سوره «قل هو الله احد» ترجیح دارد و لذا در روایات به ما سفارش شده است در هر شبانه‌روز لااقل در یکی از رکعت‌های نمازتان این سوره را بخوانید تا از نمازگزاران واقعی باشید.

این سوره در اهمیت به اندازه یک سوم قرآن بلکه یک سوم تورات و انجیل و زبور است نه تنها در نماز بلکه اگر بعد از نماز هم این سوره به عنوان تعقیب نماز خوانده شود خداوند خیر دنیا و آخرت را به انسان مرحمت می‌کند.

گرچه این سوره کوچک است اما محتوای آن بسیار بالاست؛ چنانکه امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: خداوند چون می‌دانست در آینده افراد دقیق و عمیقی پیدا می‌شوند این سوره و همچنین آیات اول سوره حدید را نازل کرد.

قرائت این سوره نه تنها در نماز سفارش شده؛ بلکه تلاوت مکرر آن، شر افراد ظالم را از سر انسان کوتاه می‌کند و خانه انسان را از حوادث و خطرات بیمه می‌کند.

سعد بن معاذ یکی از یاران و سرداران لشگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که قبرش در قبرستان بقیع مدینه است. در تشییع جنازه او پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پا برهنه شرکت کرد و فرمود: نود هزار فرشته از آسمان برای تشییع سعد آمده‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جبرئیل پرسیدند: دلیل نزول تو و این همه فرشته برای تشییع جنازه سعد بن معاذ چیست؟ جبرئیل فرمود: او در هر حال چه ایستاده چه نشسته چه سواره و چه پیاده سوره «قل هو الله احد» می‌خواند.

در سبب نزول این سوره می‌خوانیم: یهودیان و مسیحیان و مشرکان

از پیامبر ﷺ دربارهٔ خداوند سوال می‌کردند که خدایت را برای ما معرفی کن و پیامبر ﷺ در جواب آنها این سوره را قرائت می‌فرمود.

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

بگو او خدای یکتاست.

توحید، اساسی‌ترین اصل همهٔ ادیان آسمانی است و انبیاء آمده‌اند تا آثار شرک و کفر و بت‌پرستی را از میان بردارند و مردم را به سوی خدای یگانه دعوت کنند.

توحید روح و جان همهٔ تعالیم انبیاست. نه فقط اعتقادات که احکام و اخلاق نیز بر محور توحید استوار است.

توحید، مرز میان ایمان و کفر است و ورود به قلعهٔ ایمان بدون توحید ممکن نیست: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» این سوره شامل خالص‌ترین عقاید توحیدی است لذا آن را سوره توحید و اخلاص نامیده‌اند. این سوره هم عقیدهٔ مسیحیت به تثلیث را رد می‌کند هم شرک یهود را و هم عقیدهٔ عرب جاهلی به اینکه فرشتگان دختران خدا هستند.

توحید یعنی خالص کردن فکر و عمل از هرگونه شریک و همتایی برای خدا. نه شرکِ نظری و نه ریای عملی، بلکه هم انگیزه و هدف تنها خدا باشد و هم نفس کار خدایی و الهی.

\* «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»؛ او یکتایی است که دوّمی ندارد، شبیه و مثل

ندارد، جزء و عضو ندارد.

\* «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» او معبودی است که در همه چیز فرد است؛ لذا

بشر از فهم و درک ذات او عاجز. دلیل یکتایی او اینکه اگر خدای دیگری هم بود او نیز پیامبرانی می‌فرستاد تا مردم او را بشناسند و اطاعتش کنند!

دلیل یکتایی او اینکه همه انسان‌ها در موقع خطر تنها به یک نقطه

متوجه می‌شوند و دل آنها گواهی می‌دهد که تنها یک نقطه است که در

سختی‌ها به انسان امید می‌دهد.

دلیل یکتایی او هماهنگی میان زمین و آسمان، هستی و انسان و ارتباطی دقیق و منظم میان همهٔ آفریده‌هاست.

هماهنگی میان خورشید و ماه و زمین، آب و باد و خاک، کوه و دشت و دریا و همه اینها با نیازهای انسان، نشان دهندهٔ یکتایی خالق است. انسان اکسیژن می‌گیرد و کربن پس می‌دهد و گیاهان کربن می‌گیرند و اکسیژن می‌سازند تا نیاز انسان و دیگر موجودات زنده را برطرف کنند و این هماهنگی رمز حیات انسان و گیاه است.

کمبود طفل را با محبت والدین جبران می‌کند و خستگی روز را با خواب شب برطرف می‌سازد. آب چشم را شور و آب دهان را شیرین آفریده تا یکی چشم را که از پی ساخته شده با آب نمک شستشو دهد و یکی غذا را آمادهٔ جویدن و هضم کند.

به نوزاد به جای فوت کردن مکیدن را یاد داده و قبل از تولد شیر را به سینه مادر آورده است. غذای پرنده آسمان را در لابلاي دندان نهنگ دریا قرار داده و روزی همهٔ جانداران را از انسان و حیوان به نحو مطلوب مقدر کرده است.

در جنگ جمل یک عرب بیابانی از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ معنای توحید را پرسید، رزمندگان به او اعتراض کردند که اکنون وقت این سؤالات نیست. اما حضرت در همان بحبوحهٔ جنگ توحید را برای او معنی و تفسیر کرد و فرمود: ما برای همین معنی با مخالفین می‌جنگیم.<sup>۱</sup>

آری مبارزه پیروان حق در طول تاریخ بخاطر برافراشتن پرچم توحید بوده است.

اللَّهُ الصَّمَدُ

او خدای بی‌نیاز است.

«صَمَد» یعنی نفوذناپذیر، خلل‌ناپذیر و تغییرناپذیر.

او «صمد» است پس نه ماده است و نه مادّی زیرا همهٔ امور مادی در طول زمان دچار تغییر و خلل می‌شوند او نه جسم دارد که با چشم دیده شود و نه همچون نیروی جاذبه است که گرچه دیده نمی‌شود اما خواصّ مادی دارد.

او «صَمَد» است، قدرتی نفوذناپذیر که اراده‌اش در همه چیز نافذ و جاری است.

او «صَمَد» است، عزیزی خلل‌ناپذیر که همهٔ عزّت‌ها از اوست و هرکس هر عزّت و قدرتی دارد از اوست. او به هیچ‌کس و هیچ چیز نیاز ندارد و همه چیز نیازمند اوست.

او «صمد» است که همهٔ کمالات را در اوج کمال داراست و همهٔ موجودات برای رسیدن به کمال نیازمند نظر لطف اویند؛ ولی او به هیچ موجودی نیاز ندارد. همواره بوده و خواهد بود. فرمانش فوق همهٔ دستورات و اراده‌اش حاکم بر همهٔ اراده‌هاست. نه نیازی به خواب دارد و نه در انجام کارهایش به همکار و شریک محتاج است.

او «صمد» است و در یک کلام: خدای بی‌نیاز و مورد نیاز.

لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُوَلَدْ

او نه چیزی را زائیده و نه از چیزی زاده شده است.

او خالق موجودات است نه زاینده آنها. کار او تولید نیست که مثل خود را به وجود آورد، بلکه آوردن از نیستی به هستی است. مادری که فرزند را می‌زاید، نوزاد از جنس خود و مثل خود یعنی انسان است اما برای خدا مثل و شبیهی امکان ندارد که خدا او را بزاید یا از او زاده شود «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»

این جمله را در مقابل عقیدهٔ مسیحیان است که عیسی عليه السلام را فرزند خدا می‌پندارند و برای او همانند خداوند، خدایی قائلند. همچنین این آیه اعتقاد مشرکان را که فرشتگان را دختران خدا می‌پنداشتند، نفی

می‌کند و می‌گوید خداوند فرزندی نزائیده است چه پسر و چه دختر! او از چیزی زاده نشده است تا زاینده، مقدّم بر او و برتر از او باشد. وجود او مثل خروج میوه از گل یا درخت از هسته نیست. مثل خروج آب از ابر یا آتش از چوب نیست. مثل خروج کلام از دهان یا نوشته از قلم نیست. مثل خروج بو از گل یا طعم از غذا نیست. مثل خروج فکر از عقل یا درک از دل نیست. مثل خروج گرما از آتش یا سرما از برف نیست؛ بهر حال او هست اما شبیه هیچ چیز و هیچکس نیست. نه در چیزی است و نه چیزی درون او. رابطه او با اشیاء رابطه والد و مولود نیست؛ بلکه رابطه خالق و مخلوق است.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

و هرگز برای او همتا و همانندی نبوده است.

او نه در وجود مثلی دارد نه در کمال و نه در افعال.

او احد است و احدی کفو او نیست. او تنهاست و همسر و فرزندی ندارد!

او همانندی ندارد تا همکار و شریک او باشد. پس چگونه انسان جرئت می‌کند مخلوق او را شریک او بداند و این ظلم بزرگ را در حق خدا مرتکب شود:

«إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»<sup>۱</sup>

ای نمازگزار نه در نعمت‌هایی که از جانب خدا به تو می‌رسد دیگران را دخیل و شریک بدان و نه در کارهایی که انجام می‌دهی به جز خدا، احدی را منظور مدار. به دنبال جلب نظر خدایی باش که نه مثلی دارد نه وضعی و نه احتیاجی.

## رکوع و سجود

### رکوع

یکی از ارکان نماز رکوع است که با کم و زیاد شدن آن خواه عمدی یا سهوی، نماز باطل می‌شود کلمه رکعت که در شمارش رکعت‌های نماز به کار می‌رود از همین واژه رکوع است. قبیله بنی ثقیف از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درخواست کردند در نماز رکوع و سجود نداشته باشند و می‌گفتند: خم شدن برای ما عار است. آیه نازل شد: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَزُكُّونَ»<sup>۱</sup> هرگاه فرمان رکوع به آنان داده می‌شود رکوع نمی‌کنند.<sup>۲</sup>

دیگران در برابر انسان‌هایی مثل خود خم می‌شوند و تعظیم می‌کنند، اما شما تنها در برابر خالق خود خم شوید و تعظیم کنید.

وقتی آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ»<sup>۳</sup> نازل شد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور دادند در رکوع از خداوند تعظیم کنید و این ذکر را در رکوع بگویید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»<sup>۴</sup> در روایات می‌خوانیم: رکوع نشانه ادب است و سجود نشانه قرب به خدا و تا ادب را خوب انجام ندهید آماده قرب نمی‌شوید.<sup>۵</sup>

رکوع، راهی برای توبه و استغفار و عذرخواهی به درگاه خداوند است: «فَاسْتَغْفِرْ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ»<sup>۶</sup>

### آثار رکوع

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: کسی که رکوع خود را کامل انجام دهد از وحشت قبر در امان است.<sup>۷</sup>

هرچه در برابر خداوند بیشتر خم شویم قدرت برخورد با شیطان و

۱- سورهٔ مرسلات آیه ۴۸.

۲- سورهٔ واقعه آیه ۷۴.

۳- سورهٔ واقعه آیه ۷۴.

۴- جامع الاحادیث ج ۲ ص ۹۲۲.

۵- بحار ج ۸۵ ص ۱۰۸.

۶- سوره ص آیه ۲۴.

۷- وسائل ج ۴ ص ۹۲۸.

شیطان صفتان را بیشتر خواهیم داشت. امام صادق علیه السلام می فرمود: رکوع و سجود طولانی ابلیس را عصبانی کرده و می گوید: وای بر من این مردم با اینگونه بندگی حق، دیگر مرا اطاعت نمی کنند.<sup>۱</sup>

خداوند به فرشتگان می گوید: ببینید بندگان من چگونه مرا تعظیم می کنند و در مقابل من رکوع می کنند، من نیز او را بزرگ خواهم کرد و به او عزت و عظمت می بخشم.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید: رکوع و سجود طولانی در طولانی شدن عمر مؤثر است.<sup>۳</sup>

## آداب رکوع

در روایات می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله در رکوع چنان کمر مبارکش را کشیده و صاف می نمود که اگر قطره آبی روی کمرش می ریخت وسط کمر می ماند و به سمتی جاری نمی شد.<sup>۴</sup>

سفارش شده است در رکوع گردن خود را بکشید تا رمز این باشد که من ایمان آورده ام گرچه گردنم در راه او برود.

از دیگر آداب رکوع آن است که آرنجها را همچون بال پرنندگان به بیرون دهیم نه آنکه به پهلو بچسبانیم.

کف دست را به زانوها بگذاریم و انگشتان دست را باز کنیم. پاهای در یک خط، نه جلو و عقب، و میان دو پا به مقدار یک وجب فاصله باشد.

به هنگام رکوع نگاه به میان دو قدم باشد و پس از ذکر رکوع در همان حال رکوع بر محمد و آل محمد صلوات بفرستیم. البته تکرار ذکر رکوع حداقل سه مرتبه مورد سفارش و عنایت است.<sup>۵</sup>

۱- وسائل ج ۴ ص ۹۲۸. ۲- جامع الاحادیث ج ۵ ص ۲۰۳.

۳- وسائل ج ۴ ص ۹۲۸. ۴- وسائل ج ۴ ص ۹۴۲.

۵- همه این آداب در جلد چهارم وسائل از صفحه ۹۲۰ تا ۹۴۳ آمده است.

## رکوع اولیاء خدا

امام صادق علیه السلام می فرماید: حضرت علی علیه السلام به قدری رکوع خود را طول می داد که عرق از ساق مبارکش جاری می شد.<sup>۱</sup>

خود آن حضرت در اولین خطبه نهج البلاغه می فرماید: خداوند فرشتگانی دارد که همواره در حال رکوعند و هرگز قیام نمی کنند.

البته در فرشته خستگی و گرسنگی مطرح نیست؛ لذا انسان های عارف و عاشق که چنین رکوع های طولانی انجام می دهند فرشتگان را به تمجید خود وادار می کنند این حالت اولیاء خداست اما حال ما؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودند، مردی وارد شد و به نماز ایستاد اما رکوع و سجودش را ناقص و سریع انجام داد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: او همچون کلاغ نوکی زد و رفت: اگر او با این نماز از دنیا برود بر دین من نمرده است.<sup>۲</sup>

## سجود

### تاریخ سجده

پس از آنکه خداوند آدم را آفرید به فرشتگان فرمان داد تا برای او سجده کنند<sup>۳</sup> همه سجده کردند جز ابلیس و خداوند او را به خاطر همین نافرمانی از درگاه خود راند.

این ماجرا را قرآن بارها تکرار می کند و می دانیم که تکرارهای قرآن بی دلیل نیست. ای انسانی که همه فرشتگان به خاطر تو به سجده افتادند، چرا تو در برابر خداوند خالق سجده نمی کنی؟ ای انسان، ابلیس به خاطر ترک سجده تو رانده شد، آن وقت تو که سجده بر خداوند را ترک می کنی چه انتظاری داری؟

ابلیس که بر تو سجده نکرد می گفت من از انسان برترم، آیا تو

۱- بحار ج ۸۵ ص ۱۱۰. ۲- وسائل ج ۴ ص ۹۲۲.

۳- البته سجده مخصوص خداست و انسان فقط قبله فرشتگان قرار گرفت.



می‌توانی بگویی من از خداوند برترم؟ تو که زمانی هیچ بودی و وقتی هم به دنیا آمدی سراسر وجودت را ضعف و عجز فرا گرفته بود و در نهایت هم عاجزانه از دنیا می‌روی، چگونه در برابر آفریدگار هستی تکبر می‌کنی؟

به هر حال اولین فرمان خداوند پس از خلقت بشر، فرمان سجده بود.

### اهمیت سجده

سجده بهترین حالات انسان در برابر خداست.

سجده بهترین راه برای نزدیکی به خداست. «وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ».<sup>۱</sup>

نشانه یاران باوفای پیامبر آن است که آثار سجده در سیمای آنان

دیده می‌شود. «سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ»<sup>۲</sup>

سجده، انسان را همگام و هماهنگ با کل هستی می‌سازد، زیرا همه

موجودات آسمان و زمین از ستاره و سبزه به درگاه الهی ساجد و

خاضع‌اند. «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»<sup>۳</sup>، «وَالنَّجْمُ

وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ»<sup>۴</sup>

سجده، هماهنگی با فرشتگان الهی است. علی‌السلام می‌فرماید: هیچ

طبقه‌ای از طبقات آسمان نیست مگر آنکه گروهی از فرشتگان در حال

سجده‌اند.<sup>۵</sup>

سجده، عالی‌ترین درجه عبودیت و بندگی است زیرا انسان بالاترین

نقطه بدن خود یعنی پیشانی را بر خاک می‌ساید و اظهار ذلت و عجز به

درگاه عزیز قادر می‌برد.

۱- سوره علق آیه آخر. البته این آیه یکی از چهار آیه‌ای است که اگر تلاوت شود سجده بر آن

واجب می‌شود. ۲- سوره فتح آیه ۲۹.

۳- سوره نحل آیه ۴۹. ۴- سوره الرحمن آیه ۶.

۵- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۹۰، ص ۲۰۱.

سجده، عالی‌ترین مقام برای والاترین مردان و زنان عالم است. لذا خداوند پیامبرش را مأمور به سجده می‌کند، نه فقط در روز که به هنگام شب: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا»<sup>۱</sup> و خطاب به حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي»<sup>۲</sup>

سجده، که به دنبال رکوع می‌آید مرحله‌ای کامل‌تر و بالاتر از آن است و نمازگزار را به اوج خضوع می‌رساند، لذا در قرآن معمولاً این دو در کنار یکدیگر آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا»<sup>۳</sup>، «تَرِيَهُمْ رُكُوعًا سُجَّدًا»<sup>۴</sup>.

سجده، رمز ایمان به آیات الهی است: «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا»<sup>۵</sup>

سجده‌های شبانه یکی از نشانه‌های بندگان صالح خداست: «عِبَادُ الرَّحْمَنِ... وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا»<sup>۶</sup>

سجده، زینت نماز است پس آن را نیکو به جای آوریم. امام صادق علیه السلام می‌فرمود: هرگاه نماز می‌خوانید رکوع و سجود آن را نیکو انجام دهید که خداوند پاداشی هفت صد برابر بلکه بیشتر عنایت می‌فرماید.<sup>۷</sup>

سجده، مایه مباهات خداوند بر فرشتگان است و لذا عنایات الهی را به دنبال دارد تا آنجا که در هر سجده یکی از گناهان انسان محو و پاداشی برای او ثبت می‌شود.<sup>۸</sup> حضرت علی علیه السلام می‌فرمود: اگر انسان بداند هنگام سجده چه رحمتی او را فرا گرفته است هرگز سر از سجده برنمی‌دارد.<sup>۹</sup>

۱- سوره انسان آیه ۲۶. ۲- سوره آل عمران آیه ۴۳.

۳- سوره حج آیه ۷۷. ۴- سوره فتح آیه ۲۹.

۵- سوره سجده آیه ۱۵ چ. ۶- سوره فرقان آیه ۶۴.

۷- بحار ج ۸۵ ص ۱۳۹. ۸- جامع الاحادیث ج ۵ ص ۴۲۶.

۹- جامع الاحادیث ج ۵ ص ۲۴۰.

سجده، روح خودخواهی و غرور را از میان برده و انسان را از تکبر نجات می‌دهد.<sup>۱</sup>

پیامبر ﷺ می‌فرمود: من در قیامت امت خود را از آثار سجده که بر پیشانی دارند می‌شناسم.<sup>۲</sup> و آن گوشه از زمین که بر آن سجده شده است در قیامت گواه عبادت انسان می‌گردد.<sup>۳</sup> و در دنیا نیز از آن نقطه نوری به آسمان‌ها می‌رود.<sup>۴</sup>

سجده به قدری مهم است که خداوند به پیامبر عظیم الشانی همچون حضرت ابراهیم علیه السلام فرمان می‌دهد مسجد الحرام را برای طواف کنندگان و قائمین و راکعین و ساجدین تطهیر نما.<sup>۵</sup>

### در سجده رمزهاست

از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حکمت‌های سجده پرسیدند: حضرت فرمود: سجده اول یعنی آنکه در ابتدا خاک بودم و چون سر از سجده برمی‌داری یعنی از خاک به دنیا آمدم. سجده دوم یعنی دوباره به خاک باز می‌گردم و سر برداشتن از آن یعنی در قیامت از قبر برمی‌خیزم و محشور می‌شوم.<sup>۶</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چون سجده برای خداست پس نباید بر خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها که مورد توجه اهل دنیا است، سجده کرد. سجده باید انسان را متوجه خدا سازد نه شکم و لباس و مادیات.<sup>۷</sup>

در حدیث می‌خوانیم: دلیل سجده سهو برای هر کم و زیادِ سهوی و یا کلام و قیام و قعود نابجا آن است که ابلیس تو را گرفتار حواس پرتی کرد و در نماز تو خللی ایجاد نمود، پس تو بعد از نماز دو سجده به جای

۱- جامع الاحادیث ج ۵ ص ۴۵۳.

۲- مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۱۸۹.

۳- جامع الاحادیث ج ۵ ص ۱۸۷۹.

۴- مستدرک وسائل ج ۴ ص ۴۸۵.

۵- سوره حج آیه ۲۶.

۶- بحار ج ۸۵ ص ۱۳۹.

۷- الفقیه ج ۱ ص ۲۷۲.

آور تا ببینی او به خاک مالیده شود و بداند هر لغزشی ایجاد کند تو دوباره در برابر خداوند به سجده می‌افتی.<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: ظاهر سجده صورت گذاردن بر خاک از روی اخلاص و خشوع است، اما باطن آن دل کندن از همهٔ امور فانی و دل بستن به سرای باقی و رهایی از تکبر و تعصب و تمام وابستگی‌های دنیوی است.<sup>۲</sup>

### آداب سجده

در اینجا به گوشه‌ای از آداب سجده که در روایات آمده است اشاره می‌کنیم.<sup>۳</sup>

پس از رکوع برای آمدن به سجده، دست‌ها قبل از زانوها به زمین برسد به هنگام سجده دست‌ها در برابر گوش قرار گیرد، آرنج به زمین نچسبد و از دو طرف همچون دو بال باز شود. نه فقط پیشانی بلکه بینی را نیز بر خاک نهد. هنگامی که بین دو سجده می‌نشیند روی پای راست را بر پشت پای چپ بیندازد به طوری که سنگینی بدن روی سمت چپ بیفتد، که چپ رمز باطل است و راست رمز حق.

در سجده، علاوه بر ذکر واجب، صلوات بفرستد، دعا کند و از خوف خدا اشک بریزد. هنگام برخاستن از سجده تکبیر بگوید و به هنگام تکبیر دست‌ها را بالا بیاورد.

### مُهر کربلا

گرچه سجده بر هر خاکی بلکه هر سنگ و چوب پاکی جایز و صحیح است، اما تربت امام حسین علیه السلام امتیازاتی دارد؛ به طوری که امام صادق علیه السلام جز بر خاک کربلا سجده نمی‌کرد.

۲- مستدرک وسائل ج ۴ ص ۴۸۴.

۱- وافی ج ۸ ص ۹۹۲.

۳- این روایات در جلد چهارم وسائل از صفحه ۹۵۰ تا ۹۸۰ آمده است.

سجده بر خاک کربلا حجاب‌های هفتگانه را پاره می‌کند هم نماز را بالا برده و به قبولی می‌رساند و هم نمازگزار را از قعر مادیات بیرون کشیده و او را با جهاد و خون و شهادت آشنا می‌سازد.

سجده بر خاک حسین علیه السلام یعنی نماز همراه با ولایت.

سجده بر خاک حسین علیه السلام یعنی نماز همراه با شهادت.

سجده بر خاک حسین علیه السلام یعنی بزرگداشت خاطره آنها که برای نماز و در راه خدا خون دادند.

سجده بر خاک حسین علیه السلام یعنی هر روز عاشورا است و هر زمین کربلا.

سجده بر خاک حسین علیه السلام یعنی در راه مبارزه با ظلم سر برده اما تن به ذلت نده.

آری مزار حسین علیه السلام باغی از باغ‌های بهشت و دری از درهای آن است دعا تحت آن قبه مستجاب و نماز در آن مکان، محبوب و مقبول خداست.

تسبیحی که از آن خاک درست شود اگر در دست بچرخد برای صاحبش پاداش سبحان الله دارد؛ گرچه او ساکت باشد و اگر ذکر خدا بگوید و تسبیح را بچرخاند برای هر ذکری ۷۰ برابر پاداش می‌گیرد.

مخفی نماند اهمیتی که برای خاک کربلا نقل شد تا چهار میل از اطراف قبر امام حسین علیه السلام را در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

### سجده شکر

سجده مخصوص نماز نیست بلکه در موارد دیگری نیز مطرح است و حتی گاهی واجب می‌شود، مانند تلاوت یکی از چهار آیه‌ای که سبب سجده می‌گردد.

یکی از موارد سجده، سجده شکر است که درباره آن سفارش بسیار

۱- مطالب این بحث از روایاتی استفاده شده که در کتاب شریف کامل الزیارات باب ۸۹ به بعد آمده است.

شده است.

سجده شکر، یعنی تشکر از نعمت‌های بی‌پایان الهی که بر ما و خانواده ما نازل شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هرگاه یاد نعمتی افتادی، صورت خود را برای تشکر بر زمین بگذار و اگر دیدی که مردم تو را می‌بینند به احترام آن نعمت کمی خم شو.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دیدند که از شتر پیاده شد و ۵ سجده کرد و فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و پنج بشارت به من داد و من برای هر بشارتی یک سجده کردم.<sup>۲</sup>

حضرت علی علیه السلام در سجده شکر بیهوش می‌شد<sup>۳</sup> و از امام زمان علیه السلام نقل شده که لازم‌ترین سنت‌ها سجده شکر است.<sup>۴</sup>

در سجده شکر هرگونه ذکر و دعایی جایز است اما گفتن «شُکْرًا لِلَّهِ» و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و یاد نعمت بزرگ ولایت اهل بیت علیهم السلام سفارش شده است<sup>۵</sup> خداوند می‌فرماید: پاداش کسی که سجده شکر کند آن است که من هم از او تشکر می‌کنم.<sup>۶</sup>

گرچه سجده شکر زمان و مکان به خصوص ندارد؛ اما بهترین زمان آن پس از نماز و به عنوان یکی از تعقیبات نماز است.

### برکات سجده شکر

در روایات آثار و برکات فراوانی برای سجده شکر بیان شده که ما به طور اختصار فهرست آنها را ذکر می‌کنیم:

اگر در نماز نقصی بوده که با نوافل هم برطرف نشده سجده شکر آن را جبران می‌کند و رضایت پروردگار را به دنبال دارد و فاصله میان انسان و فرشتگان را برطرف می‌کند. دعا در سجده مستجاب می‌شود و

۲- محجة البیضاء ج ۱ ص ۳۴۶.

۴- جامع الاحادیث ج ۵ ص ۴۵۳.

۶- الفقیه ج ۱ ص ۳۳۴.

۱- وافی ج ۸ ص ۸۲۵.

۳- جامع الاحادیث ج ۵ ص ۴۵۹.

۵- جامع الاحادیث ج ۵ ص ۴۶۹.

ثواب ده صلوات دارد و ده گناه بزرگ را محو می‌کند. در قدر و منزلت سجده شکر همین بس که خداوند با آن بر فرشتگان مباحثات می‌کند.<sup>۱</sup>

### سجده‌های اولیاء خدا

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دلیل آنکه حضرت ابراهیم علیه السلام به مقام خلیل‌اللهی رسید سجده‌های زیاد او بر خاک بود.<sup>۲</sup>

شبی که بنا شد حضرت علی علیه السلام در جای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بخوابد تا حضرت از تیغ دشمنان در امان بماند، از رسول خدا پرسید اگر من اینکار را بکنم جان شما به سلامت خواهد بود؟ وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جواب مثبت داد حضرت علی علیه السلام لبخندی زد و به شکرانه این توفیق سجده شکر کرد.<sup>۳</sup>

وقتی سر بریده ابوجهل رهبر مشرکین را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آوردند حضرت سجده شکر کردند.<sup>۴</sup>

امام سجّاد علیه السلام در پایان هر نماز به شکرانه انجام آن سجده شکر می‌کرد و هرگاه بلایی از او دور می‌شد و یا میان دو مسلمان را اصلاح می‌کرد به شکرانه آن سجده می‌کرد. آن حضرت سجده خود را به قدری طول می‌داد که غرق در عرق می‌شد.<sup>۵</sup>

### چند نکته

۱- جای سجده به قدری ارزش پیدا می‌کند که در حدیث می‌خوانیم پس از نماز بر جای سجده دست بکش و به صورت و بدن خود بکش تا از امراض و آفات و ناگواری‌ها در امان بمانی.<sup>۶</sup>

۲- سعی کنیم سجده شکر بعد از نماز مغرب را فراموش نکنیم که

۱- الفقیه ج ۱ ص ۳۳۱  
 ۲- بحار ج ۸۵ ص ۱۶۳  
 ۳- وافی ج ۸ ص ۸۸۲  
 ۴- جامع الاحادیث ج ۵ ص ۴۷۵  
 ۵- بحار ج ۸۵ ص ۱۳۷  
 ۶- سفینة البحار.

دعا در آن مستجاب است.<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بین اذان و اقامه سجده کند و در سجده بگوید: «سَجَدْتُ لَكَ خَاضِعًا خَاشِعًا ذَلِيلًا» خداوند محبت او را در دل مؤمنین و هیبت او را در دل منافقین قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

۳- سجده مخصوص خداست و در مقابل هیچ‌کس حتی پیامبر خدا سجده جایز نیست،<sup>۳</sup> چه رسد به قبور امامان و امام زادگان که بعضی‌ها به عنوان پابوسی در مقابل آنها به سجده می‌افتند. مگر اینکه نیت این فرد سجده شکر برای خدا باشد که خداوند توفیق زیارت را به او عطا فرموده است.

هنگامی که مسلمان به حبشه هجرت کردند کفار گروهی را نزد نجاشی فرستادند تا مسلمانان را به کشورش راه نهد و آنها را اخراج کند. نماینده قریش طبق رسم آن زمان در مقابل نجاشی پادشاه حبشه به سجده افتاد اما نماینده مسلمین که حضرت جعفر برادر حضرت علی علیه السلام بود سجده نکرد و گفت: ما جز در برابر خدا در برابر احدی سجده نمی‌کنیم.<sup>۴</sup>

سجده حضرت یعقوب علیه السلام و فرزندان او در برابر حضرت یوسف علیه السلام نه بر یوسف علیه السلام بلکه برای خداوند بود لیکن به شکرانه نعمت وصال یوسف. «وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا»<sup>۵</sup>

## ذکر تسبیح

### سبحان الله

نمازگزار در رکوع و سجود خود، خدا را تسبیح می‌کند.

هنگامی که آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ»<sup>۶</sup> نازل شد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱- وسائل ج ۴ ص ۱۰۵۸.

۳- وسائل ج ۴ ص ۹۸۶.

۵- سوره یوسف آیه ۱۰۰.

۲- وسائل ج ۴ ص ۶۳۳.

۴- مسند احمد حنبلی ج ۱ ص ۴۶۱.

۶- سوره واقعه آیه ۷۴.



فرمود این فرمان را در رکوع خود قرار دهید و بگویید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»: پروردگار بزرگ من که به ستایش او لب گشوده‌ام، از هر عیب و نقصی منزّه است و چون آیه «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى»<sup>۱</sup> فرود آمد، فرمودند آن را در سجده قرار دهید و بگویید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ»: من پروردگار برترم را همراه با ستایش، تسبیح و تنزیه می‌کنم.<sup>۲</sup>

### جایگاه تسبیح

تسبیح، ریشه تمام عقاید و تفکرات صحیح اسلامی است:

توحید، یعنی منزّه دانستن خدا از شریک: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ»<sup>۳</sup> عدل، یعنی منزّه دانستن خدا از ظلم، «سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ»<sup>۴</sup>

نبوّت و امامت، یعنی منزّه دانستن خدا از بی‌هدفی، بی‌برنامگی و رها کردن مردم در دریای هوس‌ها و سلیقه‌ها. «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا بَشِيرًا مِنْ شَيْءٍ»<sup>۵</sup> آنها که می‌گویند خداوند پیامبر نفرستاده، در حقیقت خدا را درست نشناخته‌اند.

معاد، یعنی منزّه است خدا از اینکه آفرینش را پوچ و باطل و پایان جهان را نابودی قرار دهد. «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ»، «أَفَحَسِبْتُمْ أَنْمَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»: آیا گمان کردید ما شما را بیهوده آفریدیم و بازگشت شما به سوی ما نیست؟ آری خدا از این کار عبث و بیهوده منزّه است.

تسبیح نه فقط سرچشمه عقاید اسلامی بلکه مایه بسیاری از کلمات روحی و معنوی است.

سبحان الله، سرچشمه رضای انسان از خداست. اگر او را از هر نقصی

۲-المیزان ج ۱۹ ص ۱۶۰.

۴-سوره قلم آیه ۲۹.

۱-سوره اعلی آیه اول.

۳-سوره طور آیه ۴۳.

۵-سوره انعام آیه ۹۱.

منزّه بدانیم به مقدرّات او رضا می‌دهیم و تسلیم مشیّت حکیمانه او می‌شویم.

سبحان الله، سرچشمهٔ توکل است کسی که از هر نیازی به دور و از هر ضعف و عجزی منزّه است چرا بر او تکیه و توکل نکنیم. «سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ»

سبحان الله مایه عشق به خداست. ذاتی که از هر عیب و نقص پاک باشد محبوب انسان است و به او عشق می‌ورزد.

سبحان الله مقدمهٔ حمد و ستایش خداست. ستایشی از ذاتی که هیچ زشتی و ناپسندی در او راه ندارد. لذا در تسبیحات اربعه، سبحان الله مقدم بر الحمدالله آمده است.

سبحان الله کلید نجات از همهٔ خرافات و بافته‌های بشری است  
«فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ»<sup>۱</sup>

شاید به خاطر همین جهات است که در قرآن فرمان به تسبیح الهی بیش از اذکار دیگر آمده است امر به تسبیح ۱۶ مرتبه، به استغفار ۸ مرتبه، به ذکر خدا ۵ مرتبه و به تکبیر ۲ مرتبه آمده است. آن هم امر به تسبیح در همه حال و زمان، تا انسان دائماً به خدا توجّه داشته و او را همواره از هر عیب و نقصی پاک بداند: «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ»<sup>۲</sup>

هم به هنگام پیروزی و شادکامی خدا را تسبیح کنید: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحِ... فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ»<sup>۳</sup> و هم در اوج گرفتاری و سختی که تسبیح مایهٔ نجات است: «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلِئْتَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»<sup>۴</sup> اگر نبود اینکه او (حضرت یونس) از تسبیح‌گویان بود تا روز قیامت در شکم ماهی حبس می‌شد.

آری انسان به خاطر محدودیت‌های فراوان هرگز نمی‌تواند خدا را

۲-سوره طه آیه ۱۳۰.

۱-سوره انبیا آیه ۲۲.

۴-سوره صافات آیه ۱۴۴.

۳-سوره نصر.

بشناسد، پس بهتر است که به ضعف خود اقرار کند و بگوید: تو از آنچه دست فکر و خیال به تو رسد منزهی و از آنچه دیگران بتوانند تو را توصیف کنند برتری. «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا»<sup>۱</sup> تنها بندگان مخلص خدا هستند که با راهنمایی و امداد الهی می‌توانند خداوند را معرفی کنند. «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ»<sup>۲</sup>

### پاداش تسبیح

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که وقتی بنده‌ای «سُبْحَانَ اللَّهِ» می‌گوید هر چه زیر عرش است همراه او تسبیح می‌گویند و به گوینده این کلمه ده برابر پاداش می‌دهند وقتی «الْحَمْدُ لِلَّهِ» می‌گوید خداوند نعمت‌های دنیا را بر او ارزانی می‌دارد تا با خدا ملاقات کند و بر نعمت‌های آخرت وارد شود.

### تسبیح عملی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: یکی از سخت‌ترین و مهم‌ترین اموری که خداوند بر خلق خود لازم کرده است ذکر کثیر است، آنگاه فرمود: منظورم ذکر «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» نیست گرچه این هم جزء آن است لکن مرادم «ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَ حَرَّمَ» یاد خدا به هنگام کارهاست، اگر اطاعت خداست انجام دهد و اگر معصیت اوست ترک کند.<sup>۳</sup>

### تکرار تسبیح

شخصی وارد خانه امام صادق علیه السلام شد آن حضرت را در حال رکوع دید که به تسبیح خدا مشغول است و تا ۶۰ مرتبه تسبیح را تکرار کرد و

۲-سوره صافات آیه ۱۵۹.

۱-سوره اسراء آیه ۴۳.

۳-اصول کافی.

در سجده تا ۵۰۰ مرتبه.<sup>۱</sup>

تکرار تسبیح نه فقط در نماز بلکه در مناسک حج مطرح است هنگام نظر بر حجرالاسود به هنگام سعی بین صفا و مروه و موارد دیگر تکرار تسبیح سفارش شده است.

چنان که در نماز هم علاوه بر ذکر رکوع و سجود، در رکعت سوم و چهار نیز تکرار تسبیحات اربعه آمده است، که طبق روایات شیعه و سنی مراد از باقیات الصالحات در آیه ۴۶ سوره کهف همین تسبیحات اربعه است.<sup>۲</sup> چنانکه به گفته علی علیه السلام ذکر حضرت ابراهیم علیه السلام به هنگام ساختن خانه کعبه «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بوده است.<sup>۳</sup>

### تسبیح موجودات

همه هستی از آسمان‌های هفتگانه و زمین و آنچه بین آنهاست تسبیح‌گوی اویند.<sup>۴</sup> چه جاندار چون پرنده و چه بی‌جان چون کوه.<sup>۵</sup> و رعد و برق آن هم تسبیحی آگاهانه و از روی شعور!

«كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ»<sup>۶</sup>

تسبیح فرشتگان به قدری گسترده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود: در آسمان‌ها یک وجب نیست مگر آنکه فرشته‌ای در حال نماز و تسبیح است.<sup>۸</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هرگاه حضرت داود علیه السلام زبور می‌خواند کوه و سنگ و پرنده‌ای نبود جز آنکه هم آوای او می‌شدند.<sup>۹</sup>

۱- وافی ج ۲ ص ۱۰۷.  
 ۲- المیزان ج ۱۳ ص ۵۴۰.  
 ۳- وسائل ج ۴ ص ۱۲۰۷.  
 ۴- سوره جمعه آیه ۱.  
 ۵- سوره انبیا آیه ۷۹.  
 ۶- سوره نور آیه ۴۱.  
 ۷- تفسیر قرطبی ج ۸ ص ۵۵۸۱.  
 ۸- نورالثقلین ج ۳ ص ۴۴۴.  
 ۹- سوره نور آیه ۴۱.

قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»<sup>۱</sup> در هستی چیزی نیست جز آنکه ستایش‌کنان تسبیح خدا کنند و لکن شما تسبیح آنها را درک نمی‌کنید و در نمی‌یابید.

## قنوت

قنوت در لغت به معنای اطاعت همراه با خضوع است. چنانکه خداوند خطاب به حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام می‌فرماید: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ»<sup>۲</sup> اما مراد از قنوت در نماز همان دعایی است که در رکعت دوم هر نماز می‌خوانیم. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه «وَتَسَبَّلُ إِلَيْهِ تَسْبِيلًا»<sup>۳</sup> می‌فرماید مراد از «تَسَبَّلُ» آن است که در نماز دست‌ها را به دعا بلند کنیم.<sup>۴</sup> «تَسَبَّلُ» در لغت به معنای قطع امید از غیر خداست.<sup>۵</sup> قرآن که به ما سفارش می‌کند: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً»<sup>۶</sup> پروردگار خویش را در حال زاری و نهان بخوانید، یکی از مراحل تضرع و زاری به درگاه الهی، دست بلند کردن به دعاست.<sup>۷</sup> انسان فقیر دست خود را به سوی بی‌نیاز مطلق دراز می‌کند و فقط از او می‌خواهد و دل از غیر او می‌شوید.

گرچه قنوت در تمام نمازها مستحب است، اما به قدری مورد توجه است که امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در نامه‌ای به مأمون می‌نویسند: قنوت یک سنت واجب در تمام نمازهای شبانه‌روزی است.<sup>۸</sup> که البته مراد امام تأکید بر اهمیت قنوت است چنانکه اگر انسان آن را قبل از رکوع فراموش کرد مستحب است بعد از رکوع قضا نماید و اگر در سجده یادش آمد بعد از سلام آن را قضا کند.

۱- سوره اسراء آیه ۴۴.  
 ۲- سوره آل عمران آیه ۴۳.  
 ۳- سوره مزمل آیه ۸.  
 ۴- وسائل ج ۴ ص ۹۱۲.  
 ۵- مفردات راغب.  
 ۶- سوره اعراف آیه ۵۵.  
 ۷- معانی صدوق ص ۳۶۹.  
 ۸- بحار ج ۸۲ ص ۱۹۷.

در آداب قنوت آمده است: دست‌ها را تا برابر صورت بالا بیاورید، کف دست‌ها رو به آسمان باشد، دو دست را کنار هم قرار دهید و به جز انگشت شصت باقی انگشتان را به هم بچسبانید. به هنگام خواندن دعا به کف دست خود نگاه کنید و دعا را بلند بخوانید، البته نه به حدی که امام جماعت آن را بشنود.<sup>۱</sup>

قنوت دعای خاصی ندارد و انسان می‌تواند هر دعایی بخواند، چنانکه لازم هم نیست دعا به عربی باشد و می‌توان در قنوت، حاجات خود را به فارسی هم بیان کرد. البته روشن است که دعاهای قرآنی و یا دعاهایی که معصومین علیهم‌السلام در قنوت خود می‌خوانده‌اند از فضیلت و اولویت خاصی برخوردارند.

### قنوت نمازهای مختلف

تعداد قنوت در نمازها یکسان نیست، نمازهای پنج‌گانه هر کدام یک قنوت آن هم قبل از رکوع رکعت دوم دارند. اما نماز جمعه که دو رکعت است دو قنوت دارد، یکی قبل از رکوع رکعت اول و یکی بعد از رکوع رکعت دوم.

در نماز عید فطر و عید قربان که دو رکعت است ۹ قنوت می‌خوانیم، ۵ قنوت پشت سر هم قبل از رکوع رکعت اول و ۴ قنوت پشت سر هم در رکعت دوم، که البته برای این قنوت‌ها، دعای خاصی وارد شده است. حتی در نماز آیات که دو رکعت است و در هر رکعت ۵ رکوع دارد مستحب است قبل از رکوع‌های دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت خوانده شود، گرچه یک قنوت قبل از رکوع دهم کافی است.

نماز وتر که یک رکعتی است و در پایان نماز شب خوانده می‌شود قنوتی طولانی دارد و دعاهای بسیاری در آن وارد شده است، از قبیل

۱- مسائل قنوت در توضیح المسائل.

۷۰ مرتبه استغفار، ۳۰۰ مرتبه «الْعَفْوُ» و دعا به چهل مؤمن.  
نماز باران نیز همچون نماز عید در رکعت اول ۵ قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارد.

بهرحال طول دادن قنوت مستحب است. ابوذر از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: کدام نماز بهتر است؟ حضرت فرمودند: نمازی که قنوتش طولانی تر باشد و کسی که قنوتش را طولانی تر بخواند در مواقع قیامت راحت تر است.<sup>۱</sup>

### قنوت معصومین عليهم السلام

ابن مسعود، دلیل مسلمان شدنش را مشاهده نماز سه نفری پیامبر اکرم و حضرت علی و حضرت خدیجه عليها السلام و قنوت طولانی آنها می داند.<sup>۲</sup> در سلامی که در زیارت آل یس به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه می دهیم و می گوئیم: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ»: سلام بر تو هنگامی که به نماز و قنوت می ایستی.

برای هر کدام از معصومین عليهم السلام دعاهایی طولانی در قنوت نقل شده که فرصت نقل آنها نیست.

در قنوت فقط به فکر خود و حاجات خود نباشیم. از حضرت زهرا عليها السلام یاد بگیریم که می فرمود: «الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ»: ابتدا به فکر همسایهات باش آنگاه خانواده خود. زیرا خداوند وعده فرموده است کسی که برای دیگران دعا کند خداوند حاجات خود او را هم برآورده می سازد. در قنوت علیه دشمنان دین دعا کنیم و پیروزی اسلام و مسلمین از خدا بخواهیم.

## تشهّد و سلام

### تشهّد

از واجبات نماز تشهّد است که در رکعت دوم و آخر نماز خوانده می‌شود.

در تشهّد، به یگانگی خدا و رسالت پیامبرش حضرت محمد ﷺ شهادت و گواهی می‌دهیم. گرچه در اذان و اقامه بارها به این دو امر گواهی داده‌ایم؛ اما آن شهادت به هنگام ورود به نماز بود و این گواهی به هنگام خروج از نماز.

سفارش به این همه تکرار بسیار حکیمانه است زیرا انسان خیلی زود دچار غفلت و فراموشی می‌شود و ولی نعمت خود را فراموش می‌کند و این جملات همچون طنابی است که کشتی انسان را در امواج حوادث حفظ می‌کند.

### سیمای توحید

«لا اله الا الله» اولین شعار همه انبیاست.

«لا اله الا الله» آن گواهی است که همه صاحبان علم، خود همگام با فرشتگان به آن اقرار دارند: «شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ»<sup>۱</sup>

«لا اله الا الله» کلمه‌ای است که هر مسلمانی به هنگام تولّد در گوش خود می‌شنود و به هنگام مرگ با آن تشییع و در قبر به او تلقین می‌شود.

«لا اله الا الله» محبوب‌ترین کلمات در نزد خداوند و سنگین‌ترین عمل در میزان است.

«لا اله الا الله» دژ محکم الهی است که هرکس در آن داخل شد از



عذاب در امان است. «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»<sup>۱</sup>

«لا اله الا الله» مرز میان کفر و اسلام است و هر کافری با گفتن آن در امان اسلام درمی آید. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مسلمانی که به گفتن «لا اله الا الله» یکی از سربازان دشمن اعتنایی نکرد و او را کشت، انتقاد کردند و فرمودند: با اظهار این کلمه هرکسی در امان است گرچه ندانیم در بیان آن صادق است یا نه.<sup>۲</sup>

«لا اله الا الله» شعار مسلمین به هنگام عبور از صراط قیامت است.<sup>۳</sup> در تاریخ می خوانیم که ابو جهل به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: آیا ما ۳۶۰ بت را رها کنیم و یک خدا را بپذیریم؟ ما حاضریم ۱۰ کلمه بگوییم اما این یک جمله را نگوییم، ولی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: همین جمله است که شما را به عزت و قدرت می رساند و شما را بر تمام امت ها برتری می دهد.<sup>۴</sup> نگاهی به دعای عرفه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و خطبه امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام در شام این حقیقت را بهتر روشن می کند که اولیاء خدا با تمام وجود این شهادت را می دادند و حتی زمین و زمان را بر این شهادت خود، گواه می گرفتند.

در تشهد به جمله «لا اله الا الله» اکتفا نمی کنیم بلکه می گوییم: «وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» یعنی احدی با او شریک نیست، نه در آفریدن، نه در اداره کردن و نه در قانون گذاری: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ»<sup>۵</sup> بندگی خدا بالاترین افتخار برای اولیاء خداست: «كَفَىٰ بِي فَخْرًا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا»

بندگی خدا برابر است با آزادی انسان از همه قیود و وابستگی ها و

۱- بحار ج ۳ ص ۱۳.

۲- اشاره به آیه: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا».

۳- جامع الاحادیث ج ۱ ص ۱۸۸.

۴- فرازهایی از تاریخ اسلام ص ۱۱۱.

۵- سوره اسراء آیه آخر.

دلبستگی‌ها، و لذا چنان قدرتی به انسان می‌دهد که از هیچ ابر قدرتی نمی‌هراسد.

همسر فرعون به خاطر آنکه بنده خدا بود به چنان عنصر نفوذناپذیری تبدیل شد که زر و زور فرعون در او اثر نکرد و با آنکه فرعون همه را به بردگی او کشیده بود اما او تنها بنده خدا بود و کارش به جایی رسید که الگوی همه مردان تاریخ گشت: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ»<sup>۱</sup>

به هر حال شهادت بر عبودیت پیامبر ﷺ مقدم بر شهادت به رسالت آن حضرت است و این خود درس‌ها و پیام‌ها دارد. شهادت به رسالت، به معنای نفی تمام مکاتب بشری است. به معنای قبول جاودانگی و جهانی بودن رسالت خاتم پیامبران است. به معنای تمرد از طاغوت‌هاست.

شهادت به رسالت حضرت محمد ﷺ پیمانی است که خداوند از همه پیامبران قبل از او گرفته است که اگر رسالت او را نمی‌پذیرفتند به نبوت نمی‌رسیدند.<sup>۲</sup> بنابراین تنها من نیستم که می‌گویم: «اشهد ان محمداً عبده و رسوله» بلکه همه انبیاء به آن اقرار دارند.

## توحید ناب

آنچه که امروزه اکثر خداپرستان را گرفتار کرده آن است که به زبان «لا اله الا الله» می‌گویند اما در عمل به سراغ غیر او می‌روند و عزت و قدرت را در جایی دیگر جستجو می‌کنند. از غیر او اطاعت می‌کنند و به غیر او عشق می‌ورزند.

راستی که شرک ظلم بزرگی به خود و بی‌ادبی به ذات مقدس اوست. «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»<sup>۳</sup> زیرا شریک داشتن نشانه ضعف و عجز و ناتوانی

۲-سوره آل عمران آیه ۸۱.

۱-سوره تحریم آیه ۱۱.

۳-سوره لقمان آیه ۱۳.

در انجام کارها و وجود شبیه و نظیر است که اینها در مورد خداوند معنی ندارد.

### شهادت به رسالت

«وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ» گواهی می‌دهم که محمد بنده و رسول اوست.

بندگی بالاترین مقام انبیاء بلکه مقدمه مقام رسالت و نبوت است: «عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ».

عبودیت است که پیامبر ﷺ را به معراج می‌برد: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ»<sup>۱</sup> و وحی آسمانی را بر او نازل می‌کند: «نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا»<sup>۲</sup> خداوند نیز پیامبرانش را به بندگی خود ستایش می‌کند، در مورد حضرت نوح عليه السلام می‌فرماید: «إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا»<sup>۳</sup> و درباره حضرت داود عليه السلام: «نِعْمَ الْعَبْدُ»<sup>۴</sup>

یکی از تفاوت‌های انبیاء با نوابغ و مخترعین آن است که آنها نبوغ و خلاقیت خود را در اثر تیزهوشی و پشتکار و تمرین به دست آورده‌اند اما انبیاء معجزات خود را در اثر بندگی خدا و در سایه لطف خدا پیدا کرده‌اند و بندگی منشأ همه مقامات انبیاست.

اقرار به عبودیت، ما را از هرگونه غلو و افراط و زیاده‌روی در مورد مقامات اولیاء خدا باز می‌دارد تا بدانیم پیامبر ﷺ هم که برترین فرد خلق است، بنده خداست.

ناگفته پیداست این شهادت باید از روی صدق و حقیقت باشد وگرنه منافقین هم در نزد پیامبر ﷺ شهادت به رسالت می‌دادند و قرآن می‌فرماید: خداوند شهادت می‌دهد که تو رسول او هستی اما منافقان

۲- سوره بقره آیه ۲۳.

۴- سوره ص آیه ۳۰.

۱- سوره اسراء آیه ۱.

۳- سوره اسراء آیه ۳.

دروغ می‌گویند زیرا گواهی آنان صادقانه نیست.<sup>۱</sup>

## صلوات

به دنبال شهادت به توحید و رسالت، بر محمد و آل او صلوات می‌فرستیم.

صلوات، نشانهٔ محبت، مودت و وفاداری به خاندان پیامبر گرامی اسلام است، که قرآن آن را اجرا رسالت پیامبر ﷺ دانسته است.

صلوات، صیقل دهندهٔ روح زنگار گرفتهٔ انسان است<sup>۲</sup> و نفاق را از بین می‌برد.<sup>۳</sup> صلوات، عاملی برای محو گناهان<sup>۴</sup>، وسیله‌ای برای گشایش درهای آسمان،<sup>۵</sup> سبب استغفار و دعای فرشتگان در حق انسان<sup>۶</sup> و وسیله‌ای برای تقرب به پیامبر ﷺ در قیامت و دریافت شفاعت اوست.<sup>۷</sup> و خوش عاقبت کسی که آخرین کلامش در دنیا صلوات باشد.<sup>۸</sup> خداوند ابتدا خود بر پیامبر صلوات می‌فرستد و سپس به ما دستور صلوات می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»<sup>۹</sup> یعنی همانا خداوند و فرشتگان بر محمد صلوات می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید شما نیز بر او صلوات و سلام بفرستید و تسلیم محض او باشید.

از این آیه نکاتی در مورد صلوات به دست می‌آید:

الف) - صلوات احترام زبانی است ولی مهم‌تر از آن اطاعت عملی است که جملهٔ «سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» به آن اشاره دارد.

ب) صلوات خدا و فرشتگان دائمی است: «يُصَلُّونَ».

- 
- |                        |                              |
|------------------------|------------------------------|
| ۱- سوره منافقون آیه ۱. | ۲- وسائل ج ۴ ص ۱۲۱۶.         |
| ۳- کافی ج ۲ ص ۴۹۲.     | ۴- بحار ج ۹۴ ص ۵۴.           |
| ۵- وسائل ج ۴ ص ۱۲۲۰.   | ۶- برآة العقول، ج ۱۲، ص ۱۰۹. |
| ۷- بحار ج ۹۴ ص ۶۳.     | ۸- وسائل ج ۴ ص ۱۲۱۶.         |
| ۹- سوره احزاب آیه ۵۵.  |                              |

ج) صلوات خداوند کرامت و صلوات فرشتگان رحمت و صلوات مردم دعاست.

د) در روایات آمده: خداوند به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ خطاب کرد بر محمد و آل او صلوات فرست زیرا که من و فرشتگانم بر او صلوات می فرستیم.<sup>۱</sup>

رسول خداوند صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمود: یاد خدا عبادت است و یاد من نیز عبادت است، چنانکه یاد جانشین من علی بن ابیطالب نیز عبادت است.<sup>۲</sup>

در روایات آمده برای استجاب دعا قبل از دعا صلوات بفرستید.<sup>۳</sup> نه تنها گفتن صلوات به هنگام شنیدن نام آن حضرت بلکه نوشتن آن، به دنبال نام آن حضرت ثواب دارد و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمود: کسی که در کتاب خود بر من صلوات بفرستد، تا زمانی که نام من در این کتاب است فرشتگان برای او استغفار می کنند.<sup>۴</sup>

### چگونگی صلوات

در کتب اصلی اهل سنت از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که به هنگام صلوات حتماً آل محمد را در کنار پیامبر بیاورید و گرنه صلوات شما ابتر و ناقص است.<sup>۵</sup>

در تفسیر در المنثور از کتاب‌های صحیح بخاری و مسلم و ابی داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه که از مهم‌ترین کتب اهل تسنن است نقل شده است که شخصی به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: ما می دانیم چگونه بر تو سلام کنیم اما صلوات بر تو چگونه است؟

پیامبر فرمودند چنین بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

۱- نورالثقلین ج ۴ ص ۳۰۵.

۲- بحار ج ۹۴ ص ۶۹.

۳- بحار ج ۹۴ ص ۷۱.

۴- بحار ج ۹۴ ص ۶۴.

۵- به نقل از تفسیر نمونه ج ۱۷ ص ۴۲۰.

كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ»<sup>۱</sup>

شافعی امام مذهب شافعیان این مطلب را به شعر درآورده و

می‌گوید:

يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ      فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ  
كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْكُمْ      مَنْ لَمْ يُصِلْ عَلَيْكُمْ فَلَا صَلَوةَ لَهُ<sup>۲</sup>

ای اهل بیت پیامبر که محبت شما از طرف خداوند در قرآن آمده است، در بزرگی شما همین بس که هرکس در نماز بر شما صلوات نفرستد نمازش باطل است.

آری یاد آل محمد در هر نماز رمز آن است که باید پس از پیامبر ﷺ به سراغ اهل بیت او برویم نه دیگران. وگرنه بردن نام کسانی که نیاز به تداوم راهشان نیست آن هم در نماز، کاری لغو می‌شود.

شخصی خود را به کعبه چسبانده بود و صلوات می‌فرستاد اما نام آل محمد را نمی‌برد، امام صادق ع فرمود: این ظلم به ماست.<sup>۳</sup>

پیامبر خدا ﷺ می‌فرمود: کسانی که آل مرا از صلوات محروم کنند در قیامت از بهشت بویی نمی‌برند.<sup>۴</sup> چنان که جلساتی که نام خدا و یاد پیامبر و آل او در آن نباشد موجب حسرت در قیامت خواهد بود.<sup>۵</sup>

جالب آنکه در روایات آمده است هرگاه نام پیامبری از پیامبران خدا برده شد ابتدا بر محمد و آل او صلوات بفرستید و سپس بر آن پیامبر درود و ثنا بفرستید.<sup>۶</sup>

پیامبر خدا ﷺ فرمود: بخیل واقعی کسی است که نام مرا بشنود اما بر من صلوات نفرستد. او جفاکارترین و بی‌وفاترین مردم است.<sup>۷</sup>

۱- به نقل از میزان ج ۶ ص ۳۶۵، صحیح بخاری ج ۶ ص ۱۵۱ باب الصلاة علی النبی.

۲- الغدير.

۳- وسائل ج ۴ ص ۱۲۱۸.

۴- وسائل ج ۴ ص ۱۲۱۹.

۵- کافی ج ۲ ص ۴۹۷.

۶- بحار ج ۹۴ ص ۴۸.

۷- وسائل ج ۴ ص ۱۲۲۰.

## سلام

پس از ذکر صلوات سه سلام می‌دهیم یکی به رسول خدا یکی به اولیاء خدا و یکی به مؤمنان و همکیشان خود.

خداوند در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» به دنبال صلوات، دستور سلام بر پیامبر می‌دهد، لذا در نماز پس از صلوات بر آن حضرت، بر او سلام می‌دهیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

با تکبیرة الاحرام از خلق بریدیم و به خالق پیوستیم. در پایان نماز از آسمان که فرود می‌آییم ابتدا به گل سرسبد هستی یعنی پیامبر اکرم ﷺ سلام می‌کنیم. پس از سلام به رسول خدا ﷺ به بندگان صالح خدا سلام می‌کنیم:

«السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» که شامل همه انبیاء و اوصیاء گذشته و امامان معصوم علیهم‌السلام می‌شود.

خداوند نیز خود بر پیامبرانش سلام و درود می‌فرستد: «سلام علی المرسلین»<sup>۱</sup>، «سلام علی نوح»<sup>۲</sup>، «سلام علی ابراهیم»<sup>۳</sup>، «سلام علی موسی و هارون»<sup>۴</sup>.

در دین اسلام خود را با بندگان صالح خدا پیوند می‌دهیم. پیوند و رابطه‌ای فراتر از مرزهای زمان و مکان، با همه پاکان و صالحان در طول تاریخ در همه عصرها و نسل‌ها.

آنگاه به مؤمنان همراه و همکیش خود در زمان حاضر می‌رسیم، به آنان که در جماعت مسلمین شرکت کرده‌اند و با ما در یک صف واحد قرار گرفته‌اند. به آنان و فرشتگان حاضر در جمع مسلمین و دو فرشته مأمور خود سلام می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» نماز را با نام خدا آغاز کردیم و با سلام به خلق خدا پایان می‌دهیم.

۱-سوره صافات آیه ۱۸۱.

۲-سوره صافات آیه ۷۹.

۳-سوره صافات آیه ۱۰۹.

۴-سوره صافات آیه ۱۲۰.

در این سلام‌ها، سلسله مراتب مراعات شده است، ابتدا رسول خدا ﷺ به دنبال او انبیاء و اولیاء و صالحان و پس از آنها مؤمنان و پیروان.

### سیمای سلام

- سلام نامی از نام‌های خداست.
- سلام تحیت اهل بهشت است.
- سلام تحیت فرشتگان به هنگام ورود به بهشت است.
- سلام پیام پروردگار رحیم است.
- سلام پذیرایی شب قدر است.
- سلام اولین حق هر مسلمان بر دیگری است.
- سلام کلید شروع هر کلام و نوشته‌ای است.
- سلام امان نامه از هرگونه ترس و شری است.
- سلام ساده‌ترین عمل نیک است.
- سلام نشانه تواضع و فروتنی است.
- سلام عامل محبت و الفت است.
- سلام اظهار صلح و مسالمت است.
- سلام اولین تحفه و هدیه دو انسان است.
- سلام آرزوی سلامتی برای بندگان خداست.
- سلام دعوت به صلح جهانی است.
- سلام امید دهنده و نشاط آور است.
- سلام برطرف کننده کدورت‌های گذشته است.
- سلام اعلام حضور و اجازه برای ورود است.
- سلام بهترین کلام به هنگام ورود و خروج است.
- سلام کلامی است در زبان سبک؛ اما در میزان سنگین.
- سلام راهگشای مصلحان برای اصلاح جامعه است.



سلام تنها کلامی است که مخاطبش مردگان و زندگانند.  
 سلام عامل تعظیم و تکریم است.  
 سلام سبب جلب رضای خدا و غضب شیطان است.  
 سلام وسیلهٔ ادخال سرور در قلوب است.  
 سلام کفّارهٔ گناهان و رشد دهندهٔ حسنات است.  
 سلام پیام‌آور انس و دوستی است.  
 سلام عامل تکبرزدایی و خودخواهی است.  
 سلام ادب الهی است.  
 سلام استقبال از هر خیر و کلید هر کلام است.  
 سلام کمالی است که ترک آن نشانهٔ بخل و تکبر و انزوا و قهر و قطع رحم است.

سلام ابر رحمتی است که بر سر مردم می‌افکنیم و لذا می‌گوییم:  
 «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» نه «السَّلَامَ لَكُمْ» پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمود: من تا آخر عمر سلام کردن بر کودکان را ترک نمی‌کنم. گرچه سلام کردن مستحب است و پاسخ آن واجب، اما پاداش کسی که ابتدا به سلام کند ده‌ها برابر جواب دهنده است.

در روایات می‌خوانیم سواره بر پیاده، ایستاده بر نشسته و وارد بر حاضرین مجلس سلام کند و هرگاه مورد تحیت قرار گرفتید پاسخی گرم تر بدهید: «إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا»

**و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته**

### مجموعه سؤالات رشته نماز شماره رشته - ۱۲۲

- ۱- ضمن تبیین مفهوم عبادت به آیه‌ای از قرآن کریم که بیانگر جایگاه رفیع آن است اشاره نمایید.
- ۲- تفاوت فطرت با عادت و امتیاز فطرت بر عادت را بنویسید.
- ۳- فطری بودن پرستش و عبادت را توضیح دهید.
- ۴- ریشه پرستش چیست، و قرآن کریم چگونه انسان را به آن هدایت می‌کند؟ توضیح دهید.
- ۵- ثابت بودن مدار عبادت به چه معنی است؟
- ۶- روایت «إِنَّ هَذَا الدِّينَ لَمَتَّيْنٌ فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرَفْقٍ وَلَا تُبَعْضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ اللَّهِ» از کیست؟ ترجمه آن را بنویسید.
- ۷- الاقتصاد فی العبادة به چه معنی است؟ توضیح دهید.
- ۸- روایت «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَاً وَإِدْبَاراً» به چه معنی است؟ توضیح دهید.
- ۹- آیا عبادت وقت قلبی یا واسطه نیاز دارد؟
- ۱۰- با اشاره به دو آیه از قرآن کریم از جمله چیزهایی را که انسان به وسیله عبادت دریافت می‌کند توضیح دهید.
- ۱۱- با استفاده از آیات قرآن کریم سه مورد از فلسفه‌های عبادت را بنویسید.
- ۱۲- فلسفه ذکر و یاد خدا را از دیدگاه نهج البلاغه توضیح دهید.
- ۱۳- آثار و برکات عبودیت و بندگی را نام برده و هر یک را به اختصار توضیح دهید.
- ۱۴- تسلط گام به گام انسان بر هستی که از برکات نماز و عبادت محسوب می‌شود را توضیح دهید.
- ۱۵- راه کنترل و مهار نفس چیست؟ و نتیجه سلطه بر نفس چیست؟

۱۶- پنج- مورد از مواردی که مبین سیمای نماز و تأثیر آن در زندگی فردی و اجتماعی است را بنویسید.

۱۷- ضمن ترجمه آیه «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» به بیان حضرت امام خمینی (ره) که در این رابطه است اشاره فرمائید.

۱۸- از حدیث «الصلوة علم الإسلام» چه نکاتی در می‌یابیم؟

۱۹- با اشاره به دو آیه از آیات قرآن کریم رابطه بین نماز و قرآن را توضیح دهید.

۲۰- خصوصیات عبادتی که دارای ارزش است را بنویسید.

۲۱- مراحل و درجات مختلف عبادت را با اشاره به آیاتی از قرآن کریم توضیح دهید و بنویسید بالاترین و برترین مراحل عبادت کدام است؟

۲۲- جعفر طیار کیست؟ و چرا به وی لقب طیار داده‌اند چرا نمازی به جعفر طیار نامگذاری شده است؟

۲۳- با اشاره به یکی از نمونه‌های نماز ائمه علیهم‌السلام تأثیر آن را بنویسید.

۲۴- نویسنده کتاب تفسیر نماز علت بی‌تأثیر بودن نماز را امروز در چه می‌داند؟ توضیح دهید.

۲۵- با استناد به آیه‌ای از قرآن کریم قداست نماز را توضیح دهید.

۲۶- جامعیت نماز را با اشاره به ارزش‌ها و کمالاتی که در آن نهفته است توضیح دهید.

۲۷- با توجه به نظر نگارنده کتاب تفسیر نماز پیوند انسان با طبیعت چگونه به واسطه نماز تحقق می‌یابد؟

۲۸- اولین رکن نماز چیست؟ توضیح دهید.

۲۹- نیت خالص چیست؟ و انسان چگونه می‌تواند به آن دست یابد؟

۳۰- قصد قربت یعنی چه؟ و مراتب انسان‌ها در قرب به سرچشمه

هستی چگونه است؟

- ۳۱- درجات قرب انسان‌ها را بنویسید.
- ۳۲- آیه «فَاِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ اِذَاهُمْ يُشْرِكُونَ» را ترجمه کنید و توضیح دهید خداوند در آن به چه نکته‌ای انتقاد می‌کند.
- ۳۳- عبادت تجار و عبید و احرار را با اشاره به کلامی از معصومین علیهم‌السلام توضیح دهید.
- ۳۴- راه رسیدن به قرب چگونه است؟ توضیح دهید.
- ۳۵- ضمن ترجمه آیه «وَالَّذِينَ كَفَرُوا اَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقَبَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً» بنویسید که بیانگر چه نکته مهمی است؟
- ۳۶- از دیدگاه اسلامی چه عناصری در صالح بودن عمل دخیل است؟
- ۳۷- با اشاره به خاطره‌ای تاریخی از صدر اسلام ارزش نیت در کارها را تشریح فرمائید.
- ۳۸- آثار و برکات نیت پاک را از دیدگاه آیات و روایات بر شمارید.
- ۳۹- امتیاز نیت بر عمل را با استناد به روایات توضیح دهید.
- ۴۰- درجات نیت را بر شمارید و بالاترین مرحله و درجه آن را ذکر کنید.
- ۴۱- آیا از دیدگاه اسلام نیت در مسائل کیفی هم نقش دارد؟ با اشاره به نمونه‌ای توضیح دهید.
- ۴۲- مهم‌ترین راه برای رسیدن به قصد قربت و نیت پاک چیست؟ توضیح دهید.
- ۴۳- آثار نیت فاسد را با اشاره و استناد به روایاتی بنویسید.
- ۴۴- جایگاه تکبیر و الله اکبر گفتن را در نماز و سایر اعمال دینی تشریح فرمایید.
- ۴۵- آداب تکبیر گفتن را از دیدگاه اسلام بنویسید.
- ۴۶- مفهوم الله اکبر چیست؟

۴۷- نام دیگر سوره حمد چیست؟ وجه تسمیه آن چیست؟ و اهمیت این سوره را توضیح دهید.

۴۸- درس‌های تربیتی را که از آیات مختلف سوره حمد آموخته می‌شود را بنویسید.

۴۹- چرا هر کاری را با «بسم الله» شروع کنیم؟

۵۰- پیام‌های بسم الله را بنویسید.

۵۱- جامع‌ترین نام خداوند متعال چه واژه‌ای است؟ توضیح دهید.

۵۲- فرق بین حمد، مدح و شکر را بنویسید.

۵۳- آیه «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا» و «هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ» را

ترجمه کرده و فرمایش حضرت علی علیه السلام را در تبیین آن بنویسید.

۵۴- طبق روایات آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» چگونه توصیف شده

است؟

۵۵- صفت رحمن و رحیم را توضیح دهید.

۵۶- ذکر الرحمن الرحیم در کنار رب العالمین بیانگر چه نکته‌ای

است؟

۵۷- مالک بودن خداوند را با استفاده از آیه مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ تشریح

نمایید.

۵۸- معانی واژه دین را با استناد به آیاتی از قرآن کریم توضیح

دهید.

۵۹- مفهوم دو آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را تشریح نمایید.

۶۰- صراط به چه معنی است؟ و کلمه صراط چند بار در قرآن ذکر

شده است؟ و صراط مستقیم کدام است؟

۶۱- حضرت علی علیه السلام راه مستقیم را چگونه تبیین فرموده است؟

۶۲- سه نمونه از آیاتی که به جنبه اعتدال تأکید داشته و از افراط و

تفریط نهی می‌کنند را نوشته و ترجمه کنید.

۶۳- آیه «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ

- النَّبِيِّنَ وَ الصُّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءَ وَ الصَّالِحِينَ» را ترجمه کنید.
- ۶۴- مغضوبین و ضالین چه کسانی هستند.
- ۶۵- اهمیت سوره توحید را تشریح نمایید.
- ۶۶- توحید را با ذکر آیاتی از قرآن کریم تشریح نمایید.
- ۶۷- دو دلیل از دلایل یکتایی خداوند متعال را بنویسید.
- ۶۸- صمد به چه معنی است؟ و الله الصمد یعنی چه؟
- ۶۹- مفهوم و مقصود رکوع و تشریح نوع ذکر آن را بیان کنید.
- ۷۰- آثار رکوع را توضیح دهید.
- ۷۱- آداب رکوع را بنویسید.
- ۷۲- کیفیت رکوع اولیاء خدا را توضیح دهید.
- ۷۳- در مورد تاریخچه سجده توضیح دهید.
- ۷۴- با استناد به آیاتی از قرآن کریم اهمیت سجده را توضیح دهید.
- ۷۵- مرتبه خضوع سجده را در مقایسه با رکوع در مقابل خداوند متعال بنویسید.
- ۷۶- با اشاره به بیانی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد سجده فضیلت آن را تشریح فرمایید.
- ۷۷- حکمت‌های سجده را از دیدگاه حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام بنویسید.
- ۷۸- با استناد به روایات دلیل سجده سهو را توضیح دهید.
- ۷۹- آداب سجده را بنویسید.
- ۸۰- فضیلت سجده بر خاک کربلا را تشریح نمایید.
- ۸۱- ضمن بیان فلسفه سجده شکر مصادیقی از سجده شکر معصومین را بیان فرمائید.
- ۸۲- برکات سجده شکر را بنویسید.
- ۸۳- ارزش سجده گاه را با اشاره به روایتی بنویسید.
- ۸۴- آیا سجده ویژه خداست؟ پس سجده در مقابل غیر خداوند چه حکمی دارد؟

۸۵- جایگاه تسبیح را با استناد به آیاتی از خداوند متعال تشریح نمایید.

۸۶- پاداش تسبیح را با اشاره به روایتی بیان کنید.

۸۷- تسبیح عملی یعنی چه؟ با اشاره به کلامی از امام صادق علیه السلام توضیح دهید.

۸۸- تسبیح موجودات چگونه می‌باشد توضیح دهید.

۸۹- قنوت به چه معنی است؟ و با استناد به آیات و روایات اهمیت آن را تشریح نمائید.

۹۰- آداب قنوت چگونه است؟

۹۱- قنوت در نمازهای مختلف چگونه است؟

۹۲- با اشاره به آیات و روایاتی سیمای توحید و کلمه لا اله الا الله را تشریح نمائید.

۹۳- پیام‌های تقدیم شهادت به عبودیت پیامبر صلی الله علیه و آله بر شهادت به رسالت آن حضرت را بنویسید.

۹۴- خواص اقرار به عبودیت چیست؟

۹۵- صلوات نشانه چیست؟

۹۶- آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» را ترجمه کنید و بنویسید بیانگر چه نکاتی است؟

۹۷- با استناد به روایاتی چگونگی صلوات را تشریح نمائید.

۹۸- سلام بیانگر چه نکاتی است؟